

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره ۲۲، آذر ۱۳۹۷

جشنواره فیلم مقاومت و
نقش پررنگ حوزه هنری

موفقیت «خانه ای برای تو»

«سرو زیر آب»

نمایش یکبار چگی و اتحاد یک ملت



100

فستیوال چشم‌نویز

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی
فیلم‌های صد ثانیه‌ای

THE 12th INTERNATIONAL 100- SECOND
F I L M F E S T I V A L

ثبت‌نام از طریق سایت:

www.100fest.com

آخرین مهلت ارسال آثار تا پایان دی‌ماه ۱۳۹۷

برگزاری جشنواره ۸ تا ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۷

ایران - تهران ▪ ۵-۴-۸۴۱۷۲۲۰۴-۲-۱-۸۸۹۱۸۳۰

Submission Deadline: January 20th, 2019

Festival: February 27th - March 1st - 2019 Tehran - Iran



معاونت علمی و فناوری
ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره بیست و دو. آبان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: محیا رضایی. فاطمه پزشکی. الناز
نعمتی. امید عشریه. راحله خدای

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع. سحر قریب
با سپاس از: حامد نیکومرام. محمد علی حیدری

جلد: پوستر فیلم خانه‌ای برای تو

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

۴ رویدادها

۱۶ پرونده راه طے شده

۲۶ گزارش سینما ساحل اصفهان

دیدگاه جشنواره فیلم مقاومت

۳۲ گفتگو

۳۸ پرونده سر وزیر آب

۴۹ گزارش نقش روشنفکران در مشروطه

نهضت سینماسازی ادامه دارد

خوشبختانه، نتیجه ماه‌ها برنامہ ریزی و تلاش برای ساخت دومین پردیس سینمایی در اصفهان به ثمر نشست و با افتتاح رسمی پردیس سینمایی «ساحل»، یکی دیگر از برنامه‌های موسسه بهمن سبز برای جذب مخاطب عملی شد. همچنین، در اصفهان شاهد راه‌اندازی سینما بهمن خوراسگان هم، هستیم. سینمایی تک‌سالنی که می‌تواند بخشی از جمعیت این کلانشهر را تحت پوشش بگیرد. از سویی دیگر در بروجرد سینمایی که مدتی است پس از بازسازی و نوسازی کامل، آغاز به کار کرده افتتاح رسمی می‌شود. امیدواریم با لطف خداوند، برنامه ریزی درست و هوشمندانه و تکریم تماشاگران این سینماها به بهترین‌های حوزه هنری در کشور تبدیل شوند. با توجه به اتفاقاتی که حوزه هنری از سال ۹۲ تاکنون در زمینه سینماسازی و ساخت و ساز سالن رقم زده، ۳ هزار صندلی به ظرفیت سینماهای کشور افزوده شده است.

این جریان مستمر که با وجود مشکلات اقتصادی و موانعی که متأسفانه بعضی از مسئولان و مدیران در شهرهای مختلف به وجود آوردند، متوقف نشده مصمم است باز هم به حرکت خود ادامه دهد. این زنجیره نباید قطع شود، اما عاملی که برای همه ما در بهمن سبز، باید جدی گرفته و همچون یک اصل پذیرفته شود این است که تلاش ما در همه سطوح باید توجه ویژه به جذب سرمایه و رونق سینماداری در شهرمان باشد. تنها افتخار این مجموعه بزرگ، نباید رشد در چند شهر و سکون در بعضی دیگر از شهرها باشد. در حالی که برنامه ریزی و نگاه به توسعه در ستاد وجود دارد و محدود به استان خاصی نیست. همکارانم در استانها با توجه به شناختی که از شهر و منطقه خود دارند باید به توسعه سینمای خود و ایجاد انگیزه در همکارانشان فکر کنند و محدود به اکران چند فیلم در سال و جذب تعدادی مخاطب نباشند. همیشه راه‌هایی برای بهتر شدن وجود دارد و زندگی حرفه‌ای هرگز در نقطه‌ای نمی‌ایستد. آمارها و ارقام روشن‌کننده این موضوع است که سالن‌های کوچک موسسه در شهرهای کوچک مورد توجه مردم است، پس نیاز به تفریح فرهنگی در همه مناطق وجود دارد اما باید خوراک لازم را تهیه کرد و به مخاطبان ارائه داد. با توجه به زمانی که تا آغاز جشنواره سی و هفتم فیلم فجر در پیش داریم، افت آمار مخاطبان سینماها در ماه‌های پیش رو طبیعی است، پایان ماه محرم و صفر و ایام عزاداری و اکران فیلم‌های کمدی و عامه پسند می‌تواند بخشی از این نیاز را تامین کند. توجه به اکران فیلم «سرو زیر آب» به عنوان اثری ملی و با ارزش هم نیاز به اهتمام همه ما دارد. تجربه نشان داده حمایت درست از این آثار، می‌تواند مخاطبی را که به دنبال چیزی بیش از سرگرمی است، به سالن‌های سینما بیاورد. امیدوارم نیمه دوم امسال، اکران موفق سرو زیر آب برگ زرینی در کارنامه سینمایی بهمن سبز باشد.

محمود کاظمی

«آقای گوزن» در «اکس گراند» آلمان

انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» محصول مشترک مرکز تلویزیون و انیمیشن سازمان سینمایی حوزه هنری در بخش رقابتی جشنواره «اکس گراند» آلمان حضور داشت.

انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» پس از حضور و درخشش در بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی این بار در بخش رقابتی سی و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم «اکس گراند» به رقابت پرداخت.

این انیمیشن در روزهای ۱ و ۳ آذر ماه به نمایش عموم درآمد. همچنین، انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره بین‌المللی فیلم کوبانی (۲۲ الی ۲۸ آبان) که در کشور سوریه برگزار شد نیز حضور داشت.

انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» طی ماه گذشته در بسیاری از جشنواره بین‌المللی حضور داشت و جوایزی از جشنواره‌های: کراک (روسیه)، سان اسکرین (آمریکا)، استاپ تریک (لهستان و اسلونی)، انیماتو سویس، کلیک (هلند)، لودز (لهستان) لیندز (اتریش)، وایادولید (اسپانیا) و ری انیماتیا (ارمنستان) کسب نمود.

شایان ذکر است، حضورهای جشنواره‌ای «آقای گوزن» که بخش بین‌الملل آن بر عهده موسسه تصویرسازان سوره سینمای مهر است، در جشنواره‌های خارجی ادامه خواهد داشت.



«سورنجان» در «صوفیا منار» بلغارستان

فیلم سینمایی «سورنجان» ساخته محمدرضا رسولی در یازدهمین جشنواره بین‌المللی «صوفیا منار» در کشور بلغارستان به نمایش در می‌آید.

فیلم سینمایی «سورنجان» به کارگردانی محمدرضا رسولی و تهیه‌کنندگی هادی علی محمدی که بخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری بر عهده دارد، در یازدهمین جشنواره بین‌المللی «صوفیا منار» به نمایش در می‌آید.

در فیلم سینمایی «سورنجان» میلاد کی مرام، بهدخت ولیان، مهدخت مولائی و امیر بهادر اورعی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

این فیلم درباره سه هم‌دانشگاهی است که بعد از سالها و در حالیکه ازدواج کرده‌اند، در خانه‌ای مرموز با همدیگر ملاقات می‌کنند و در خانه قدیمی رازهای گذشته برملا می‌شود.

یازدهمین جشنواره «صوفیا منار» از ۲۵ دی تا ۱۱ بهمن در شهر صوفیه، پایتخت بلغارستان برگزار می‌شود.



حوزه هنری برای «واکنش سریع» پروانه ساخت گرفت

شورای صدور پروانه ساخت سازمان سینمایی با سه فیلم‌نامه از جمله «واکنش سریع» به تهیه‌کنندگی حوزه هنری موافقت کرد.

فیلم‌نامه‌های «واکنش سریع» به تهیه‌کنندگی محمد حمزه‌زاده (به نمایندگی از حوزه هنری) و کارگردانی و نویسندگی رضا زهتابچی در ژانر اجتماعی، «ملخ» به تهیه‌کنندگی محمدمهدی عسگرپور، کارگردانی و نویسندگی فائزه عزیزخانی در ژانر اجتماعی و «تبسم تلخ» به تهیه‌کنندگی جعفر آقاباباییان، کارگردانی و نویسندگی سید محمدرضا ممتاز، در ژانر اجتماعی موافقت شورای ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.





جایزه «نگاه ویژه» جشنواره سنگاپور برای «دایان»

فیلم سینمایی «دایان» به کارگردانی بهروز نورانی پور موفق به کسب جایزه «نگاه ویژه» بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «سنگاپور» شد. فیلم سینمایی «دایان» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در بخش رقابتی «برده نقره‌ای» جشنواره سنگاپور حضور داشت و هیات داوران جشنواره به خاطر به تصویر کشیدن وحشی که گروه تروریستی داعش در منطقه کردستان عراق ایجاد، پرداختن به مهم‌ترین بحران انسانی جهان امروز و نشان دادن شهامت به مخاطبان، جایزه «نگاه ویژه» را به بهروز نورانی پور اعطا کردند. فیلم سینمایی «دایان» اولین ساخته بهروز نورانی پور پس از مستند «A157» درباره جنگ سوریه است، که به موضوع ترس و وحشت اقدامات گروه تروریستی داعش در کردستان می‌پردازد. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «دایان» روایتی از اسارت قریب به چهار هزار پناهجوی زنی است که در جریان جنگ هرگز نتوانستند دیگر به خانواده‌هایشان در آن سوی مرزها ملحق شوند و در این راه بسیاری از این خانواده‌ها در دل بحران مجبور به انتخاب و تصمیم شدند... لازم به ذکر است، فیلم «دایان» در شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم چنای هند و بیست و دومین جشنواره تریو میلنیوم ایتالیا به نمایش در خواهد آمد.



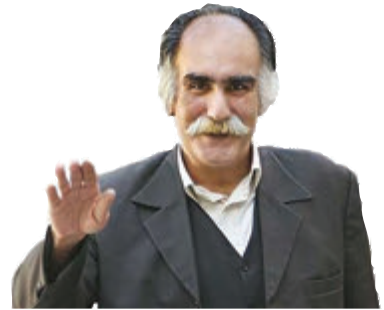
«اسکی باز» بهترین فیلم «المپیا» یونان

فیلم سینمایی «اسکی باز» که پخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری برعهده دارد؛ جایزه بهترین فیلم بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم «المپیا» را دریافت کرد. فیلم سینمایی «اسکی باز» به کارگردانی فریدون نجفی و تهیه‌کنندگی محمد احمدی تنها نماینده سینمای ایران در این رویداد مهم فرهنگی بود که با فیلم‌های سایر کشورها به رقابت پرداخت و جایزه بهترین را از آن خود کرد. مراسم اختتامیه بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم «المپیا» دیشب ۱۷ آذرماه در شهر پیرگوس کشور یونان برگزار شد. فیلم سینمایی «اسکی باز» تا کنون در چندین جشنواره داخلی و خارجی حضور و جوایزی دریافت کرده است و با دریافت هفت پروانه زرین، پرافتخارترین و بهترین فیلم سی امین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و کاندیدای جایزه آکادمی آسیا پاسیفیک شده است. جشنواره فیلم «المپیا» یکی از مهمترین اتفاقات فرهنگی کشور یونان است که هر ساله از ۱۰ تا ۱۷ آذرماه در شهر پیرگوس برگزار می‌شود.



«خانه‌ای برای تو» در جشنواره «سینما حقیقت»

مستند «خانه‌ای برای تو» در جشنواره «سینما حقیقت» اکران شد. «خانه‌ای برای تو» عنوان مستندی از مهدی بخشی مقدم به تهیه‌کنندگی مهدی شامحمدی است که در مرکز مستند سوره حوزه هنری تولید شده و در بخش مسابقه ملی دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» حضور داشت. داستان این مستند ۷۳ دقیقه‌ای به داوود جوان ۳۰ ساله‌ای گیلانی مرتبط می‌شود که، کمتر از یک سال از ازدواجش می‌گذرد و او در شغلش نیز دچار ورشکستگی می‌شود و در این میان متوجه می‌شود که به سرطان پیشرفته‌ای دچار شده است. او در این شرایط برای زندگی‌اش تصمیمات جدیدی می‌گیرد... عوامل تولید مستند «خانه‌ای برای تو» عبارتند از کارگردان: مهدی بخشی مقدم، پژوهشگران: مهدی شامحمدی و مهدی بخشی مقدم، فیلمبردار: محمد حدادی، صدابردار: حسن شبانکاره، صداگذار: حسین ابراهیمی، تدوینگر: عطا مهراد، آهنگساز: افشین عزیزی، مدیر تولید: مرتضی ابراهیمی، عکاس: ایلیا شامحمدی، تهیه‌کننده: مهدی شامحمدی.



تسلیت درگذشت زرویی نصرآباد

خبری تلخ و غیرمنتظره؛ ابوالفضل زرویی نصرآباد شاعر، پژوهشگر و طنزپرداز صاحب نام درگذشت.

یک شاعر خوب، پژوهشگر و طنزپردازی نجیب از میان ما رفت. ابوالفضل زرویی نصرآباد - مردی که با آثارش پیام‌های خوب و ماندگار بر جای گذاشت و با همه تواضع و فروتنی بسپارش، به هیچ وجه نمی‌توان نقش سازنده و تاثیر بی‌ظیرش را در جامعه طنز ایران نادیده گرفت.

سازمان سینمایی حوزه، ضایعه درگذشت این پژوهشگر و طنزپرداز صاحب نام را به اصحاب فرهنگ به ویژه اهالی قلم و ادبیات و نیز به خانواده محترم زرویی نصرآباد تسلیت گفته و از درگاه پروردگار متعال برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان صبر مسئلت می‌کنیم.



مستند «آشنگ» در جشنواره سینما حقیقت

مستند «آشنگ» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی از تولیدات واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان به بخش «مسابقه ملی» جشنواره «سینماحقیقت» راه یافت. مستند «آشنگ» علاوه بر حضور در بخش مسابقه ملی به همراه ۳ فیلم مستند کوتاه به نمایندگی از ایران به بخش «مسابقه بین‌الملل» دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت»

جعفر حسینی کارگاه مجازی آموزش فیلمنامه نویسی برگزار می‌کند.

این کارگاه برای تعداد محدودی از هنرجویان رشته فیلمسازی حوزه هنری استان قم، در قالب یک دوره کوتاه مدت مهارت افزایی برگزار می‌شود.

در این دوره هنرجویانی که قبلاً دوره‌های مختلف سینمایی را طی کرده‌اند، ایده‌ها و طرح‌هایی برای تولید فیلم کوتاه ارائه کرده و روی آن کار می‌کنند تا در پایان به فیلمنامه‌هایی با قابلیت تولید برسند.



کارگاه مجازی آموزش فیلمنامه نویسی

«پلکان» برنده پیچینگ جشنواره فیلم کوتاه تهران



داده است.

همچنین فیلم مستند «جوکر» به کارگردانی سجاد ایمانی و از تولیدات حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد در سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران موفق به کسب تندیس بهترین کارگردانی در بخش مستند شد.

فیلم «جوکر» مستندی ۳۰ دقیقه‌ای با موضوع اجتماعی است که به نقد مسائل روز اجتماعی در قالب یک داستان پر از التهاب می‌پردازد. این فیلم همچنین به جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت راه پیدا کرد.

جایزه سوم مسابقه پیچینگ سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به طرح فیلم‌نامه «پلکان» اثر محسن باقری دستگردی از استان چهارمحال و بختیاری تعلق گرفت. «پلکان» با ۹ طرح دیگر به منظور برخورداری از تولیدات مشترک و سرمایه‌گذاری خارجی، در این جشنواره رقابت و جایزه سوم را از آن خود کرده است. فیلم‌نامه‌های این بخش در گونه داستانی، مستند و انیمیشن به زبان فارسی و انگلیسی مورد ارزیابی قرار گرفته که در گونه انیمیشن اثر «پلکان» این جایزه را به خود اختصاص

نیز حضور داشت.

مستند «آشنگ» پیش از این نیز به بخش مسابقه سیزدهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه مستند و داستانی رضوی و بخش مسابقه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران راه پیدا کرده و همچنین موفق به کسب تندیس بهترین فیلم از جشنواره منطقه ای انجمن سینمای جوانان ایران (اگر) شد.

محمدصادق اسماعیلی پژوهش و کارگردانی، محمدحسین ملکی تهیه‌کنندگی، مهرداد اسکویی مشاور کارگردان، زانیار لطفی مدیر تصویربرداری، میثم شفیع صداپردازی، عارفه رضامند پارسائی مدیر تولید، دانا کریم‌سنه تدوین، حسین قورچیان صداگذاری، حمیدرضا فتورچیان تصحیح رنگ، یاسمین مولایی عکاسی و مجتبی اسدی طراحی پوستر فیلم مستند «آشنگ» را برعهده دارند.

برای سینما تک، جایگاهی را برای نسل دانشگاهی و آکادمیک سینما فراهم کرده است تا بتوانند چالش‌ها و مباحث علمی خود را به سمع و نظر عموم برسانند. وی تصریح کرد: در سینما تک به دنبال بررسی آمیخته شدن هنر و صنعت در سینما و بررسی این دو در کنار هم هستیم. خطیبی افزود: اولین اکران «سینما تک سوره» با نمایش فیلم «تردید» به کارگردانی واروژ کریم‌مسیحی برگزار شد.

تعریف مشخصی دارد و در واقع مکانی برای دیدن، شنیدن و گفت‌وگو در زمینه فیلم و سینما است. در تعریف سینما تک آمده است که مکانی برای گردهمایی و اکران فیلم‌هایی است که اکثراً جریان غالب، آن‌ها را کنار زده و یا مهجور مانده‌اند. علی خطیبی گفت: حوزه هنری اصفهان با در اختیار قرار دادن مکانی

حوزه هنری استان اصفهان برای علاقه‌مندان به مباحث سینمایی و دیدن فیلم‌های اقتباسی سینما، برنامه «سینما تک سوره» را برگزار می‌کند. علی خطیبی مدیر واحد هنرهای تصویری این سازمان گفت: برنامه «سینما تک سوره» به صورت هفتگی برگزار می‌شود. وی افزود: سینما تک



سینما تک سوره مهمان
عمارت سعدی

«تقاص» روایتی تازه از ترورهای دهه شصت



فیلمبرداری فیلم کوتاه «تقاص» به نویسندگی و کارگردانی محسن امانی و تهیه‌کنندگی حسین دارابی به تازگی پایان یافت و هم‌اکنون مراحل فنی خود را سپری می‌کند.

این فیلم طی دو شب در مناطق خزانه، وحدت اسلامی و بازارچه شاپور تهران جلوی دوربین رفت و هم‌اکنون توسط سیاوش کردجان در حال تدوین است.

«تقاص» با موضوع ترورهای دهه شصت و بازتاب آن در زمانه کنونی، سعی دارد با استفاده از جذابیت‌های فرمی، اثری متفاوت ارائه کند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «اینا چند ماه دیگه کارشون تمومه... کافیه به ترس ت غلبه کنی و ماشه رو بکشی... همین».

سیامک ادیب، اکبر مددی مهر، ادیب قریب، سپهر گندمی، سید محمد طاهای سجادی و مجتبی سنجری ترکیب بازیگران این فیلم را تشکیل می‌دهند.

محسن امانی پیش از این کارگردانی فیلم‌های کوتاه «تب تند»، «پرداخت شد»، «برادری»، «مغنایس» و «یه

خواب آروم» را برعهده داشته است.

«تقاص» محصول جدید گروه هنری کات می‌باشد. کات دو سال پیش توسط باشگاه فیلم سوره برای حمایت از فیلمسازان جوان در عرصه تولید فیلم‌های کوتاه و نیمه بلند تشکیل شد.

عوامل فیلم کوتاه «تقاص» عبارتند از؛ نویسنده و کارگردان: محسن امانی، تهیه‌کننده: حسین دارابی، مدیر تصویربرداری: احمد گودرزی، تدوین: سیاوش کردجان، صداگذار: احسان افشاریان، صدابردار: امین جعفری، طراح صحنه و لباس: جعفر محمدشاهی، طراح چهره‌پردازی: امید گل زاده، مدیر تولید: محمد گودرزی، مدیر تدارکات: امید لطیف‌زاده، دستیار کارگردان و برنامه ریز: پویان درزی، عکاس: مهدی خالیدی زاده، مجری طرح: محمدجواد موحد، تهیه‌شده در گروه هنری «کات».



«بیست و یک روز بعد» برگزیده جشنواره فیلم رشد

با اعلام برگزیدگان چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» در بخش داستانی فیلم بلند موفق به دریافت تندیس سیمین بهترین فیلم شد.

این فیلم به کارگردانی سید محمدرضا خردمندان و تهیه‌کنندگی محمدرضا شرفاء پیش از این دریافت ۷ پروانه زرین از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و کسب عنوان بهترین فیلم از جشنواره‌های جهانی کینولوب لهستان، کیندرکینو آلمان و تاملیل نروژ را در کارنامه افتخارات خود دارد.





«این و آن» به «برادر» تغییر نام داد

تدوین و صداگذاری فیلم کوتاه «برادر» با نام قبلی «این و آن» به کارگردانی مهدیه محمدی و تهیه کنندگی محدثه پیرهادی به پایان رسید. «برادر» محصول جدید گروه هنری کات می‌باشد.

کار تدوین و صداگذاری این فیلم به ترتیب توسط امید میرزایی و رامین ابوالصدق انجام شد و هم‌اکنون امید روشن بین مشغول آهنگسازی آن است. همچنین بطور همزمان کار جلوه‌های ویژه رایانه‌ای و اصلاح نور و رنگ آن توسط سعید خلیلی و یحیی علیی پیش می‌رود تا بزودی آماده نمایش شود.

این فیلم یک اقتباس آزاد از داستان «این و آن» به قلم مریم السادات زکریایی است و قصه‌ای در بستر ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی را روایت می‌کند. مهدیه محمدی پیش از این کارگردانی فیلم کوتاه «چرخ» را برعهده داشت. در خلاصه داستان «برادر» آمده است: «در التهاب ماه‌های منتهی به انقلاب، جوانی که روز مهمی انتظارش را می‌کشد، باید میان خود و غریبه‌ای دست به انتخاب بزند...». سجاد بابایی، مجتبی واشیان و اکبر مددی مهر ترکیب بازیگران این فیلم را تشکیل می‌دهند.

عوامل فیلم کوتاه «برادر» عبارتند از: کارگردان: مهدیه محمدی، تهیه کننده: محدثه پیرهادی، نویسنده: یاسین پورعزیزی، مدیر تصویربرداری: احمد گودرزی، تدوین: امید میرزایی، صداگذار: رامین ابوالصدق، صدابردار: هادی معنوی پور، آهنگساز: امید روشن بین، طراح صحنه و لباس: صدرا صدری، گریم: امیر ترابی، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای: سعید خلیلی، اصلاح رنگ و نور: یحیی علیی، مدیر تولید: ابوالفضل نوری، عکاس: زینب بدری، تهیه شده در گروه هنری کات

حضور کات با ۶ اثر در جشنواره فیلم رشد

گروه هنری کات با ۶ اثر در بخش بین‌الملل چهارم و هشتمین جشنواره فیلم «رشد» حضور داشت. در بخش داستانی کوتاه بین‌الملل چهارم و هشتمین جشنواره فیلم «رشد» ۶ اثر از گروه هنری کات در میان ۳۸ فیلم ایرانی راه یافته به بخش مسابقه این رویداد حضور داشتند. اسامی فیلم‌های راه یافته از کات: «خاطره» (رضوانه فتحی)، «دوئل» (محمد رضا خردمندان)، «گزارشگر» (محمد رضا خردمندان)، «مادر» (رضا زهتابچیان)، «همکلاسی» (مجتبی حیدری)، «خطی» (محمد سعید غلامی) لازم به ذکر است، وحید نیک‌خواه آزاد، دبیر چهارم و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در آئین اختتامیه این جشنواره اعلام کرد: امسال ۷ فیلم خوب از یک مجموعه به جشنواره رسیده بود و لذا تصمیم گرفتیم از باشگاه فیلم سوره که سازنده این آثار بود تقدیر کنیم. در ادامه حسین دارابی مدیر گروه هنری کات و نماینده باشگاه فیلم سوره پس از دریافت جایزه ویژه، از هیات داوران این جشنواره و حوزه هنری برای حمایت از این مجموعه تشکر کرد.



«فیلشاه» در شبکه نمایش خانگی

نسخه نمایش در شبکه خانگی انیمیشن سینمایی «فیلشاه»، توسط موسسه هنرهای تصویری سوره توزیع شد.



این اثر ۷ آذرماه در فروشگاه‌ها و مراکز فرهنگی عرضه شد. «فیلشاه» جدیدترین محصول گروه «هنرپویا» به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه‌کنندگی حامد جعفری است که با قصه‌ای کودکانه، ماجراجویی تاریخی را روایت کرده و در نهایت به میلاد رسول اکرم (ص) می‌پردازد. انیمیشن سینمایی «فیلشاه» در اکران نوروزی ۹۷ با شعار «فرزندانتان را آسوده خاطر به سینما بیاورید» روی پرده سینماها رفت. شایان ذکر است در عرصه سینما یکی از قدرتمندترین ابزارهای تاثیرگذاری بر انسان انیمیشن‌ها هستند که مرزهای علاقه‌مندی را در تمام گروه‌های سنی در نور دیده است. نزدیک به یک دهه است که سینمای انیمیشن ایران آرام آرام گام برداشته و حالا کمی بزرگتر شده است و می‌تواند در مهمانی‌های خارجی‌ها عرض اندام کند. این مهم مدیون جوانان دلسوز، و خوش فکر سینما است. یکی از این گروه‌های جوان عوامل سازنده انیمیشن‌های سینمایی چون «شاهزاده روم» و «فیلشاه» بوده‌اند. آنها نشان داده‌اند که می‌توانند با مفاهیم انسانی نیز از مرزهای جغرافیایی عبور کنند، تاثیر بگذارند و گامی در جهت کرامت انسانی بردارند.



روایت اعضای سابق منافقین در «به نام خلق»

مجموعه مستند تلویزیونی «به نام خلق» اثر ایمان گودرزی در شبکه سوم سیما پخش خواهد شد.



این مجموعه مستند تلویزیونی که به روایت اعضای سابق سازمان مجاهدین (منافقین) خلق از ابتدای شکل‌گیری تا امروز آن می‌پردازد از شنبه ۲۴ آذر ماه هر شب ساعت ۱۸ از شبکه سوم سیما پخش خواهد شد. این مجموعه مستند ۲۸ قسمتی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی ایمان گودرزی، تصویربرداری احمد گودرزی، و حید نجف‌زاده؛ نویسندگی سیدحامد قریشی؛ گویندگی داود نماینده و تدوینگری کوروش نمازی است. گفتنی است این مستند که تولید آن دو سال زمان برده است محصول مشترک مرکز مستند سوره حوزه هنری و بسیج سارمان صدا و سیما است.

به نام خلق

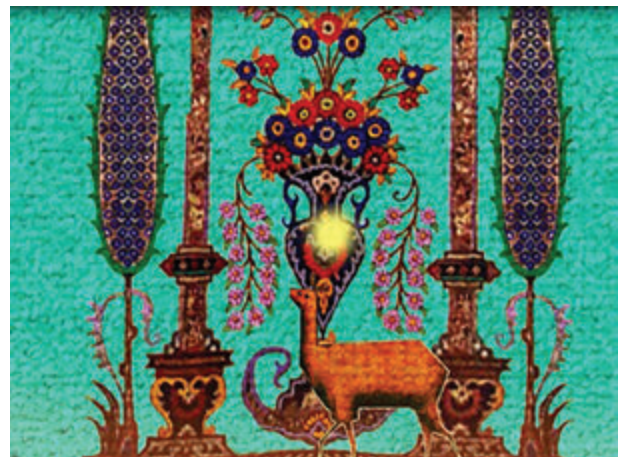
انیمیشن «محراب آرامش» در جشنواره اسپانیا

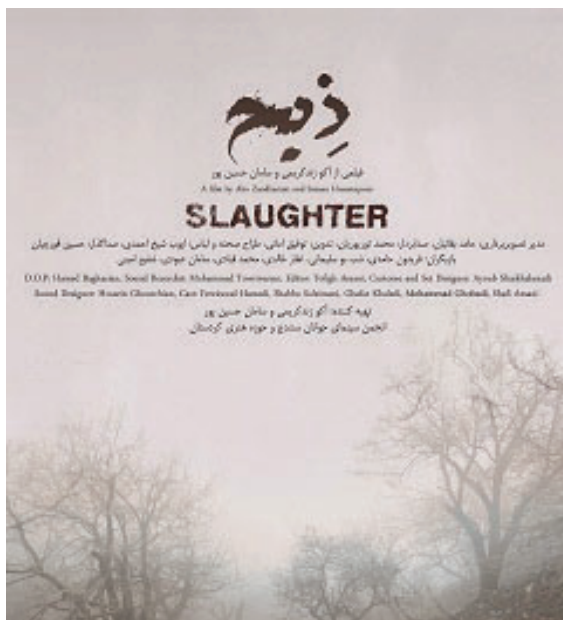
رئیس حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد گفت: انیمیشن «محراب آرامش» ساخته زیبا ارژنگ به بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان سینما Crianza اسپانیا به نمایش درآمد.



وی با بیان اینکه این دومین دوره‌ای است که این جشنواره در اسپانیا برگزار می‌شود، بیان کرد: انیمیشن «محراب آرامش» با تکنیک دو بعدی ساخته شده و داستان آهوی بارداری است که برای نجات جان بچه‌اش از فرش‌هایی با نقوش مختلف می‌گذرد و این داستان در چهار دقیقه و با استفاده از نقوش گلیم روایت می‌شود.

اسلامی عنوان کرد: انیمیشن «محراب آرامش» توسط حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد تولید شده و تاکنون به ۳۴ جشنواره بین‌المللی راه یافته است. لازم به ذکر است، انیمیشن «محراب آرامش» و فیلم کوتاه «دا» از تولیدات حوزه هنری این استان در چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد نیز به نمایش درآمدند.





«ذبح» در جشنواره فیلم‌های آسیایی

فیلم کوتاه «ذبح» به نویسندگی و کارگردانی آکو زندکریمی و سامان حسین پور از تولیدات حوزه هنری کردستان، در هفدهمین جشنواره فیلم‌های آسیایی «چشم سوم» حضور داشت.



این فیلم که اولین ساخته مشترک آکو زندکریمی و سامان حسین پور است داستان خانواده‌ای است که برای گذران یک زمستان سخت باید گاو خود را بفروشند، اما پسر خانواده از این اتفاق خوشحال نیست و تصمیم می‌گیرد گاو را فراری دهد.

این جشنواره که مختص فیلم‌های کارگردان‌های آسیایی است، در این دوره میزبان پنج فیلم کوتاه ایرانی «دوستت دارم» ساخته بابک حبیبی فر، «گسل» ساخته معین حیدری، «تقدیر» ساخته آذر فرامرزی، «ذبح» ساخته مشترک سامان حسین پور و آکو زندکریمی و «distant sound of the wind» ساخته مهدی غضنفری؛ بود.

لازم به ذکر است فیلم کوتاه «ذبح» به نویسندگی و کارگردانی آکو زندکریمی و سامان حسین پور و به تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوانان سنندج و حوزه هنری کردستان تولید شده است و در اولین حضور بین‌المللی خود در جشنواره فیلم دانشجویی بلغارستان، توانست جایزه بهترین فیلم خارجی را از آن خود کند.



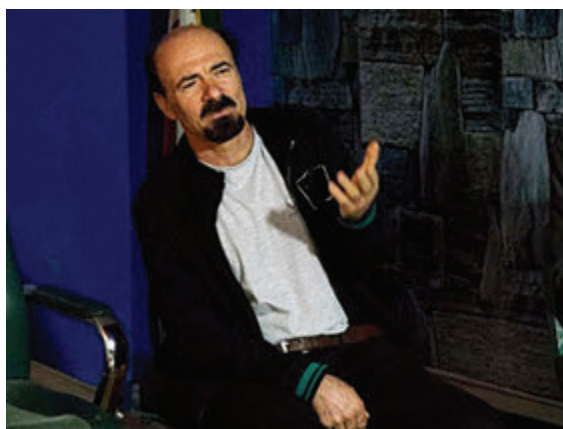
مستندهای خیالی سازی در قلمکار در اصفهان

در پی برگزاری نمایشگاه خیال سازی در قلمکار که در موزه گرمابه علیقلی آقا به نمایش درآمد، سه فیلم با این موضوع در سالن سوره حوزه هنری اصفهان به نمایش درمی‌آمد.



فیلم «سرو» به کارگردانی غلامرضا مهیمن و فیلم «پرده» به کارگردانی مصطفی حیدری، هر دو به زندگی یکی از اساتید مطرح خیالی سازی در قلمکار می‌پردازد و فیلم «صورت خوانی» به کارگردانی هادی آفریده در مورد پرده خوانی است.

نقاشی قلمکار یکی از هنرهای مخصوص اصفهان است و خیالی سازی در قلمکار نوعی از نقاشی روی پارچه محسوب می‌شود که از هنرهای رو به فراموشی در اصفهان است و آخرین هنرمند این رشته استاد «عباس گیاهی» با عشق و علاقه، چندین دهه به این حرفه مشغول بود. این فیلم‌ها به زندگی این استاد فقید، نحوه کار و نیز هنر پرده خوانی که در ارتباط با خیالی سازی بوده است، می‌پردازد.



سینمای مستند مستلزم مطالعه و پژوهش است

نشست هفتگی یک فیلم یک فیلم‌ساز، با حضور خسرو حیدری مستندساز و حمیدرضا صفایی منتقد تئاتر و سینما در حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد.

در این نشست که جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان به فیلم مستند و داستانی حضور داشتند، مستندی از خسرو حیدری مستندساز پخش شد و حمیدرضا صفایی منتقد سینما و تئاتر به تحلیل این اثر پرداخت.

در این برنامه خسرو حیدری درباره آثارش با مخاطبان به گفت‌وگو نشست و با بیان اینکه سینمای مستند مستلزم مطالعه و پژوهش است بیان کرد: اگر قرار باشد به یک واقعه تاریخی بپردازیم نباید اصل واقعه را زیر سؤال ببریم و نباید تاریخ را تحریف کنیم.

در این برنامه قرار است طی سه ماه هر هفته یکی از آثار فیلم‌سازان استان با حضور فیلم‌ساز و منتقدین مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

تولید مستند «عاطفه» در حوزه هنری خوزستان

اشاره کرد و افزود: این فیلم روایت زندگی عاطفه بعیات، قهرمان المپیک کاراته ناشنویان جهان، است.

شهریار قلی‌گشتی با اشاره به اینکه تهیه‌کنندگی فیلم مستند «عاطفه» را حوزه هنری خوزستان بر عهده دارد، اضافه کرد: کار تحقیق و فیلم‌نامه‌نویسی توسط فرهاد عزیزی یکتا انجام شده است.

دیگر عوامل فیلم شامل تصویربرداران: محمدرضان احمدی و بهنام بیرموند، تدوین: بهنام بیرموند، مدیر تولید: احمد خنیفر، عکاس: عرفان ساربان، مشاور: ایوب مروانی، طراح پوستر: افروز گوهربخش و برنامه‌ریز: امینه بروایه می‌شوند.

معاون فرهنگی و هنری حوزه هنری خوزستان، از تولید فیلم مستند «عاطفه» به کارگردانی فرهاد عزیزی یکتا در دفتر هنرهای تصویری حوزه هنری استان خبر داد.

معاون فرهنگی و هنری خوزستان، گفت: این فیلم با هدف کشف و پرورش استعدادهای هنرمندان جوان و حمایت از آثار آن‌ها تهیه و تولید شده و مدت زمان این فیلم مستند ۳۰ دقیقه است. وی به موضوع این فیلم مستند



افسانه بایگان در نشست با هنرمندان حوزه هنری یاسوج عنوان کرد:

لزوم توجه به عطر جاودانگی در آثار هنری و سینمایی

چون با عشق شروع کرده‌ایم و با عشق هم‌نوا شده‌ایم، اما اگر برعکس این باشد می‌آییم و به سرعت می‌رویم.

بایگان بر راه‌اندازی کلاس‌های تربیت معنوی و ارزیابی خلاقیت هنرمندان در دانشگاه‌ها تأکید کرد و گفت: کسانی که وارد عرصه هنر و بازیگری می‌شوند باید مراقب حاشیه‌ها نیز باشند.

وی با بیان اینکه برای خلق آثار هنری فاخر نیاز به حمایت نیروهای سیاسی، دولتی و اجتماعی است، گفت: هر جایی که با کمبود بودجه مواجه می‌شویم بدون تعارف از حوزه فرهنگ برمی‌داریم و هزینه می‌کنیم که برق فلان روستا یا فلان موضوع از حوزه فرهنگ واجب‌تر است.

بایگان عنوان کرد: وقتی به حوزه فرهنگ توجه نشود با یک نسیم ریشه‌ها قطع می‌شود و دیگر به طوفان نیازی نیست و ضرورتی وجود ندارد که بگوییم دهکده جهانی و فضای مجازی و اینستاگرام ما را از فرهنگ کشورمان جدا کرده است.

این بازیگر سینما و تلویزیون ادامه داد: هنرمندان این استان پتانسیل‌های زیادی دارند، اما برای اینکه این پتانسیل‌ها به فعل تبدیل شود نیاز به توجه جدی و همدلی در این استان است.

افسانه بایگان در حاشیه چهاردهمین جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس در یاسوج ضمن بازدید از نمایشگاه



تجسمی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد در نشست با هنرمندان حوزه هنری به گفتگو نشست. وی در این بازدید با اشاره به تلاش‌های حوزه هنری استان در راستای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری، بر توسعه زیرساختی و توجه به هنرمندان تأکید کرد.

بایگان، در ادامه، در نشست با هنرمندان حوزه هنری با بیان اینکه خوانندگی، بازیگری و فوتبالیست بودن سه عرصه برای دیده شدن است اما این عرصه‌ها هم آفاتی دارد گفت: کسانی که چهره می‌شوند و خیلی زود از عرصه کنار می‌روند به دلیل این است که در کارهای خود عطر جاودانگی ندارند، زیرا برای رسیدن به خلق نیامده‌اند و نتوانسته‌اند خداگونگی خود را به منصفه ظهور برسانند، بلکه آمده‌اند تا بیشتر دیده شوند و درگیر فضای مجازی و اینستاگرام شوند و فالوورهای بیشتری داشته باشند.

وی اشاره کرد: اگر پایه را بر اساس جاودانگی و خلق و خداگونگی وجودمان بگذاریم و اجازه دهیم وجودمان مجرایی شود تا آن خلاقیت هنری از آن عبور کند، طبیعتاً مشهور و محبوب هم می‌شویم





آهنگین برای پیشگیری از کاهش تصادفات رانندگی در جاده‌های استان سمنان، نحوه اجرای طرح جاده آهنگین و روند آماده‌سازی آن بررسی و در خصوص ساخت فیلم مستند برای معرفی و آشنایی عموم مردم با این طرح، به بحث و تبادل نظر پرداخته شد.

ساخت فیلم مستند از

اولین جاده آهنگین کشور در استان سمنان

جلسه بررسی و تبادل نظر به منظور ساخت فیلم مستند «جاده آهنگین»، به میزبانی حوزه هنری استان سمنان در محل حوزه هنری برگزار شد.



با توجه به اجرای طرح جاده آهنگین در امیرآباد شهرستان دامغان، جلسه بررسی و تبادل نظر به منظور ساخت فیلم مستند «جاده آهنگین» به پیشنهاد معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان سمنان و همکاری و مشارکت دستگاه‌های اجرایی مرتبط، با حضور داوود یاراحمدی رئیس حوزه هنری استان سمنان، علی دارینی معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان سمنان و نمایندگان از پلیس راهور استان سمنان و دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری سمنان در حوزه هنری استان سمنان برگزار شد.

در این جلسه ضمن تاکید بر گسترده‌تر شدن اجرای طرح‌هایی چون جاده



تمجید گوهر خیراندیش از ظرفیت بالای هنری در کهگیلویه و بویراحمد



در حاشیه چهاردهمین جشنواره دانش آموزی فیلم دفاع مقدس، گوهر خیراندیش بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون با هنرمندان استان به گفت‌وگو نشست و از حوزه هنری



کهگیلویه و بویراحمد دیدار کرد.

گوهر خیراندیش در نشست با هنرمندان، کارگردانان، پیش‌کسوتان تئاتر، بازیگران و نویسندگان را افرادی با استعداد و فرهیخته و کاربلد دانست که در حوزه کاری تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک دارند. وی گفت: هنرمندان این استان علاوه بر اینکه کارهای خود را به صحنه برده‌اند در بیشتر نقاط ایران و حتی کشورهای خارجی اجرا داشته‌اند که این موضوع مرا شگفت‌زده کرد. ظرفیت هنری بالایی در کهگیلویه و بویراحمد وجود دارد و این هنرمندان با ورود به این عرصه کارهای بسیار قوی و با انگیزه ارائه داده‌اند.

خیراندیش افزود: حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد جای ثابتی ندارد تا هنرمندان استان را سامان‌دهی کند و این موضوع جای تامل دارد. بازیگر سینما و تلویزیون بیان کرد: آثار هنری و کارهای گرافیکی هنرمندان این استان را مشاهده کردم و کتابی از قبرهای ایران و استان کهگیلویه و بویراحمد چاپ کرده‌اند که علاوه بر قدمت تاریخی از ترکیب‌بندی و تصاویر و مباحث زیبا برخوردار بود و با این ظرفیت‌ها به این نتیجه رسیدم که چقدر در رسیدگی به این شهر در بخش فرهنگی و هنری کوتاهی شده است.

خیراندیش در بخش دیگری از صحبت‌های خود به وضعیت تئاتر در کشور اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی تئاتر در کشور قابل مقایسه با گذشته نیست و امروزه تئاتر جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و سالن‌های نمایش با استقبال چشمگیر مردم مواجه می‌شود. بازیگر سینما و تلویزیون کشور گفت: بسیاری از هنرمندان در فیلم‌های

سینمایی و تلویزیونی بازی می‌کنند و به دلیل عشق و علاقه‌ای که به کار تئاتر و بازیگری دارند در سالن‌های نمایش تئاتر به ایفای نقش می‌پردازند.

وی در این نشست پای صحبت‌های هنرمندان تئاتر کهگیلویه و بویراحمد نشست و در خصوص تکنیک‌های بازیگری و مسائل مربوط به این حوزه مباحثی را مطرح کرد.

همچنین، این بازیگر توانمند از حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد دیدار کرده و با هنرمندان و کارکنان این مرکز به گفت‌وگو نشست و از نزدیک در جریان تولیدات و آثار تولیدی این مرکز قرار گرفت. وی با بیان اینکه از این همه تولیدات ارزشمند در حوزه هنری شگفت‌زده شده‌ام، گفت: علی‌رغم ظرفیت بالای هنری هنرمندان جای تأسف است که حوزه هنری در این استان هنوز ساختمان و فضای ثابت و مناسبی برای فعالیت‌های خود ندارد و تاکنون در ساختمان استیجاری به سر می‌برد.

نشست هنرمندان یاسوجی با فاطمه معتمد آریا

جوانان نیاز به سینما دارند

یک امتیاز محسوب می‌شود. تا توسعه فرهنگی ایجاد نشود هر چقدر جاده و پل بسازیم تاثیر چندانی ندارد. شریف اسلامی، رئیس حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد، نیز در این نشست گفت: اگر امروز شهر ما سینما و سالن تئاتر خوبی ندارد، مقصر ما هستیم که نتوانسته‌ایم این نگرش را در ذهن مسئولین ایجاد کنیم که شهر نیاز به سینما دارد و زیربنای توسعه فرهنگ است.

اسلامی افزود: تا توسعه فرهنگی ایجاد نشود هر چقدر جاده و پل بسازیم تاثیر چندانی ندارد و اگر سینما و فرهنگ‌سرا نداریم مقصر ما مدیران فرهنگی هستیم؛ چه کسانی که در گذشته مسئول بوده‌اند و چه کسانی که الان مدیر هستند.

این مسئول ادامه داد: مشکل ما تنها سالن پلاتو و سینما نیست؛ زیرا در دهه ۶۰ تا ۷۰ تئاتر داشتیم، تئاتری که سه ضلع دارد و اکنون این سوال مطرح می‌شود که آیا ضلع سوم آن که تماشاگر است فعال است؟ آیا همانند آن دوران ارتباط با تماشاگر برقرار است؟ و می‌توان گفت ارتباط با جامعه قطع شده و تاثیری بر روی توسعه فرهنگی و اجتماعی نداریم.

وی با بیان اینکه وقتی ارتباط با جامعه نداشته باشیم هویت‌های قومی و قبیله و عشیره‌ای از بین می‌رود، عنوان کرد: خیلی از ماها با فرزندانمان فارسی صحبت می‌کنیم و وقتی هویت ما از بین می‌رود نیاز به مطالبه‌گری داریم. جوانان ما نیاز به سینما دارند؛ زیرا روزانه در حال قدم زدن در خیابان‌ها هستند و باید فکری به حال پر کردن اوقات فراغت آنان کرد.

وی گفت: روزانه پوستر جوانان زیادی که بر اثر اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی جان خود را از دست داده‌اند در سطح شهر نصب می‌شود و ما به عنوان یک هنرمند در قبال جامعه مسئولیم و مسئولیت ما نسبت به باقی افراد سنگین‌تر است.

رئیس حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد در پایان عنوان کرد: دانش به تنهایی مهم نیست؛ زیرا در همه حوزه‌ها دانش حرکت ایجاد می‌کند اما آیا هر حرکتی مفید است؟ در کنار دانش نیازمند به بینش هستیم تا چیزی را که وضعیت نامطلوب دارد تغییر دهیم.

نشست صمیمی هنرمندان کهگیلویه و بویراحمد با فاطمه معتمد آریا، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون کشور در حاشیه چهاردهمین جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس در یاسوج برگزار شد.

معتمد آریا در این نشست خطاب به هنرمندان کهگیلویه و بویراحمد که مشکلات خود را مطرح می‌کردند، گفت: خاصیت بومی شما در این منطقه امتیاز بزرگی است؛ زیرا هیچ‌کس به اندازه شما رسوم و آیین‌های این منطقه را نمی‌داند، پس انسان‌های منحصر به فردی هستید.

وی بیان کرد: اینکه نمی‌توانید با هم متحد شوید به این دلیل است که هر یک در درون خود خدایی دارد و حاضر نیستید این خدا را با دیگران تقسیم کنید و این خدا دانش و آگاهی است. اگر این دو را در کنار هم قرار دهید، ارزش درونی خود را دریافت کرده‌اید. وقتی ارزش درونی خود را دریافت کردید ارتباط گسترده‌تری خواهید داشت. پس اولین قدم و راهی که می‌توان به هم نزدیک شویم این است که دانش و آگاهی خود را نسبت به پیرامون افزایش دهیم.

معتمد آریا ادامه داد: کار تئاتر کردن موضوع ساده‌ای نیست و من هیچ وقت پولی از تئاتر به دست نمی‌آورم و در بیشتر مواقع از منزل شخصی خود برای اجرای تئاتر استفاده می‌کنم.

این بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون خطاب به هنرمندان استان افزود: از نقطه محکمی شروع و به جلو حرکت کنید؛ زیرا قدرت جمعی مخصوصاً در تئاتر بسیار زیاد است. اگر بخواهیم منتظر کسی بنشینیم هیچ‌کس کمک نخواهد کرد و اگر درخواست داشته باشیم راهی پیدا خواهد شد.

وی در پاسخ به یکی از هنرمندان استان که نسبت به وضعیت موجود حوزه هنر معترض بود، گفت: از کسانی که نسبت مشکلات اعتراض می‌کنند خوشم می‌آید؛ زیرا ساز مخالف زدن باعث می‌شود که ساز موافق زدن را یاد بگیریم.

معتمد آریا بیان کرد: اعتراض به شرایط برای دگرگونی است و تا وقتی اعتراض نکنیم نمی‌توانیم شرایط بهتری برای کارهایی که آرزوی انجام آن‌ها را داریم به وجود بیاوریم.

وی خاطر نشان کرد: به نسبت جمعیت استان کهگیلویه و بویراحمد تعداد زیادی هنرمند فرهیخته دارید و این





در رثای سینماگر جوان و متعهد

«رؤیاهای ناتمام» رحیم ذبیحی

کرده بود مستندی ۴۰ دقیقه‌ای از زندگی خانواده شش شهید دفاع مقدس قادرخان زاده‌ها بود. زمانی که از ساخت این فیلم صحبت می‌کرد، بدون هیچ گونه دسته‌بندی‌های متداول از رسالت هنرمندان در خصوص معرفی و ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه سخن می‌گفت و صبر و مقاومت این خانواده را شایسته والاترین احترام و تکریم می‌دانست که در راه حفظ و کیان ایران اسلامی تلاش کرده‌اند.

ذبیحی یک فیلم‌ساز گرد و به تمام معنی عاشق ایران و کردستان بود که در آثارش این ویژگی بارز کاملاً مشهود است.

فیلم «هاوار» آغازی بود برای ۱۶ سال تلاش و فعالیت فیلم‌سازی که در همان اثر ویژگی و استعداد بالای خود را به رخ جهانیان کشاند. حضور موفق در جشنواره فیلم کوتاه تهران، وارش، حسنات اصفهان، فرانسه، هامبورگ آلمان، سائوپولوی برزیل و ... همه این فیلم را تحسین کردند و یک پدیده دیگر فیلم‌سازی کردستان را آفرین گفتند.

ستلایت، گریز، پایان جنگ، استرس، مردی که به گردش رفت در کنار همکاری و همراهی با بسیاری از فیلم‌سازان گرد و غیر گرد و حضور در محافل و جشنواره‌های داخلی و خارجی فیلم با پشتوانه اجتماعی خاص در زادگاهش بانه از او شخصیتی قابل وثوق در فعالیت‌های اجتماعی و متخصص در عرصه فیلم و فیلم‌سازی ساخته بود.

واژه تسلیت را بعد از تقدیم کردن به پدر داغدارش که مرگ هم‌زمان دو فرزند را نظاره می‌نشیند به چه کسی باید گفت؟ به شهر بانه، به کردستان، به ایران یا به ... باور اینکه کسی بتواند چنین وحشیانه انسانی را که مؤلف و شناسنامه فرهنگ و هنر یک ملت است به کام مرگ بکشد بسیار سخت است. نمی‌دانم آن زمان که شعله‌های آتش او و برادرش را می‌سوزاند «هاوار»

رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان نوشت: رحیم ذبیحی فیلم‌ساز متعهد، با اخلاق و ایده پرداز سینمای کردستان درگذشت. خبری کوتاه و بسیار شوک آور و غیر قابل باور. امین مرادی در ادامه نوشته آورده است: چند روز قبل از این اتفاق ناگوار بواسطه تدوین اثر پویا نمایی «رؤیاهای ناتمام» به کارگردانی «رضا محمدی» یکی دیگر از فیلمسازان توانمند بانه‌ای تولید حوزه هنری کردستان به صورت تلفنی با هم صحبت کردیم.

با همان گویش شیرین بانه‌ای و سرشار از مهر و مهربانی که یکی از ویژگی‌های بارز این هنرمند بود از کارها و برنامه‌هایش برای آینده نه چندان دور توضیحاتی داد و از آرزویش برای ساخت فیلم سینمایی بمباران ۱۵ خرداد ۱۳۶۳ بانه گفت.

قبلاً به واحد هنرهای تصویری مأموریت داده بودم تا به منظور آشنایی مخاطبین با آثار این هنرمند بتوانند مروری بر آثارش را در پردیس سینمایی بهمن سنندج برنامه‌ریزی کنند و در این دیالوگ در این خصوص هم بحث کردیم. با تواضع و فروتنی این حق خود را لطف می‌دانست و بسیار تشکر کرد و قرار شد در اواخر همین ماه این جلسه برگزار شود که متأسفانه دست تقدیر مهلت حضورش را نداد.

اولین بار که با رحیم ذبیحی دیدار کردم، انگار سال‌هایتمادی بود او را می‌شناختم؛ انسانی متواضع و شیرین‌سخن که لبخند مخصوصی را همیشه با خود همراه داشت. بر خورده‌اش به گونه‌ای صمیمی بود که قابل وصف نیست.

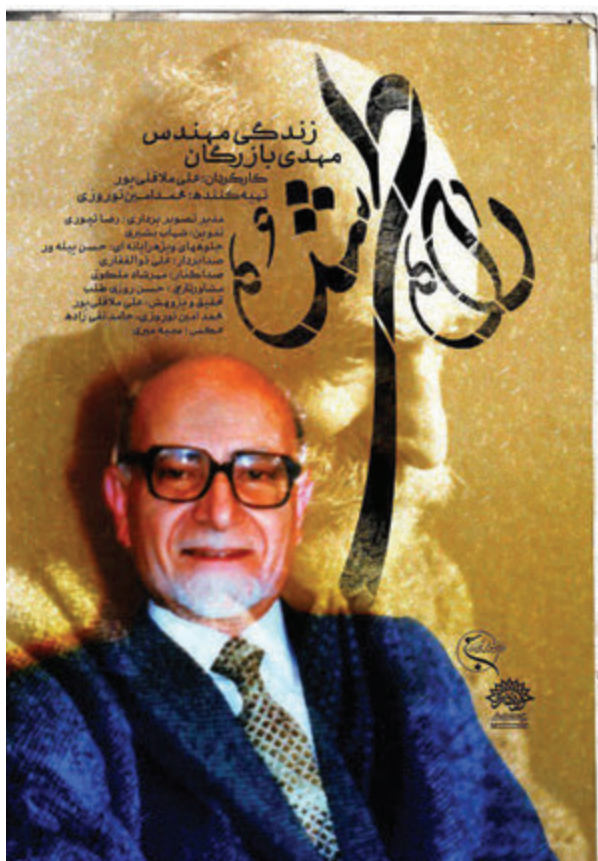
فیلم «سنگ مزاری برای برادر شهیدم» و حضورش در هشتمین جشنواره فیلم‌های کوتاه دینی رویش در مشهد مقدس فرصت بیشتری را برای تحکیم دوستی‌ها فراهم آورد.

این فیلم که در بخش ملی این جشنواره و همچنین جشنواره مقاومت عنوان برتر را از آن خود

ش را چگونه خالی کرده است داغ برادر دیدن سخت است آن هم برادر کوچک‌تر را که شاهد بزرگ شدنش بوده‌ای و بارها او را از زمین بلند کرده‌ای. قطعاً او مثل دیگر اوقات که همه چیز را برای دیگران می‌خواست به دستان بسته سر برادر را بر روی سینه‌های خود فشرده تا شعله‌های آتش صورتش را بیشتر از این نسوزاند.

بنده از طرف خود و به نمایندگی از همکاران و هنرمندان عرصه‌های مختلف هنری حوزه هنری استان کردستان این ضایعه جبران‌ناپذیر را به اصحاب فرهنگ و هنر و مردم شریف استان تسلیت می‌گویم و برای روح بلند کاک رحیم و برادرش کیوان، طلب آمرزش و مغفرت و قرار گرفتن در جوار رحمت حضرت حق طلب کرده و برای پدر داغدار و دیگر بازماندگان صبر و بردباری مسئلت می‌کنم و باور دارم راه و آثار رحیم ذبیحی در طول تاریخ جهان به یادگار خواهد ماند و چراغی خواهد شد برای دیگر پویندگان عرصه هنر و مهرورزی.

لازم می‌دانم از اقدام سریع نیروهای انتظامی و قضایی در شناسایی قاتل این جنایت هولناک تقدیر و تشکر کرده و امیدوارم در سریع‌ترین زمان ممکن قاتل و مسببین این حادثه به سزای اعمال جانی‌تکارانه خود برسند.



رونمایی از مستند سیاسی «راه طی شده»

ابتدا با شما مطرح کردیم که او قبول کرد. خانم بنی اسدی نوه بازرگان نیز زمانی که پرسید قرار است چه حرفی در مستند زده شود، گفتیم قرار است از بازرگان انتقاد کنیم، مگر پدر بزرگ شما انتقادپذیر نیست؟ او این مساله را قبول کرد اما درباره چرایی انتقاد سوال داشت. به او گفتیم بنده طرفدار امام خمینی (ره) هستم و به صراحت به شما می گویم که بعد از این همه سال اگر ما نسل های جوان نتوانیم با هم حرف بزنیم بسیار بد است. نه ما عضو حزب جمهوری اسلامی و نه شما عضو حزب نهضت آزادی هستید که بخواهیم با یکدیگر دعوا کنیم، بلکه شما یک دیدگاه و ما نیز یک دیدگاه داریم و الان این مستند می تواند فرصتی برای گفت و گو باشد. در واقع دنیای امروز اصلا جایی نیست که بتوان سلیقه و نظر

آن ها خیلی صریح صحبت کرد و خوشحالم پس از مستند «قائم مقام» این حصار درباره آقای بازرگان شکسته شده است.

علی ملاقلی پور نیز درباره تازه ترین اثر خود بیان کرد: مستندسازی درباره شخصیت هایی مثل بازرگان یا دکتر شریعتی و استاد مطهری کار سختی است، چرا که آنها صرفا چهره های سیاسی نبودند.

وی همچنین درباره پرداخت به بحث نهضت آزادی اظهار کرد: این نهضت با وجود انحلال، هنوز حالت حزبی خود را حفظ کرده است. وقتی سراغ افرادی از این حزب رفتیم، گفتند باید سوالات مان را در اختیارشان بگذاریم و پرسیدند که قرار است چه حرفی گفته شود؟ اصلا چرا بازرگان انتخاب شده است؟ چرا حوزه هنری سراغ بازرگان آمده است؟ بعد از ۲ ماه آقای بدیع زادگان که مسؤول بنیاد فرهنگی بازرگان است، گفت تحقیق کرده ایم که نظر شما با ما همخوانی ندارد و ما همان جا گفتیم که این مساله را از همان

مستند سینمایی «راه طی شده» ساخته علی ملاقلی پور با موضوع روایت اندیشه و عملکرد مهندس مهدی بازرگان ۲۹ آبان ماه در تالار سوره حوزه هنری رونمایی شد و با استقبال گسترده علاقمندان بویژه از طیف های مختلف قرار گرفت. این مستند سیاسی از معدود آثاری است که در سالجاری با اقبال فراگیر مشتاقان مستند بویژه مستندهای سیاسی قرار گرفته و فضای تازه ای از بحث و گفتگو را در محافل نخبگان و محیط های دانشگاهی رقم زد. کارگردان این اثر با اشاره به اینکه ساخت مستند دغدغه شخصی اش بوده و برخی یاران و نزدیکان مهندس بازرگان هم اذعان دارند که این مستند برآمده از یک نسل جدید است؛ همه را به تماشای صبورانه «راه طی شده» دعوت کرد.

محمد حسن روزی طلب پژوهشگر این اثر نیز بعد از نمایش این فیلم درباره قابل قبول بودن این مستند گفت: بعضی شخصیت ها در تاریخ انقلاب تابو شده اند و نمی شود در موافقت یا مخالفت



لیبرال‌ها نیز بایکوت می‌کنند و تنها در حرف از آزادی اندیشه می‌گویند ولی آزادی اندیشه را برای مخالفان خود قبول نمی‌کنند. واقعیت ماجرا آن است که به دلایل مختلف این مساله رخ داده و احساس می‌کنم هیأت انتخاب تصور می‌کند علی ملاقلی‌پور اصلاً مستندساز نیست و از سوی دیگر فیلمی که دیده شود و جایزه بگیرد، الگو نیز خواهد شد. نه تنها درباره این اثر، بلکه حس می‌کنم باز هم اگر فیلمی بسازم، باز این ممنوع‌الجشنواره‌ای وجود دارد مگر اینکه یک فیلم خنثی بسازم یا اینکه جریان مقابل عوض شود.

شاید علی ملاقلی‌پور برای بخش عمده‌ای از مخاطبان هنوز هم به واسطه نام پدرش مرحوم رسول ملاقلی‌پور شناخته شود، ولی حالا و پس از تجربه ساخت فیلم سینمایی «قندون جهیزیه» و مستند «راه طی شده»، دیگر می‌توان او را یک کارگردان آینده‌دار دانست. ملاقلی‌پور در مستند «راه طی شده» سعی کرده از زاویه نگاه اندیشه و تفکر مهندس بازرگان به نقد و بررسی عملکرد سیاسی نخست‌وزیر دولت موقت بپردازد. «راه طی شده» به تهیه‌کنندگی محمدامین نوروزی از تازه‌ترین تولیدات مرکز مستند سوره حوزه هنری است.

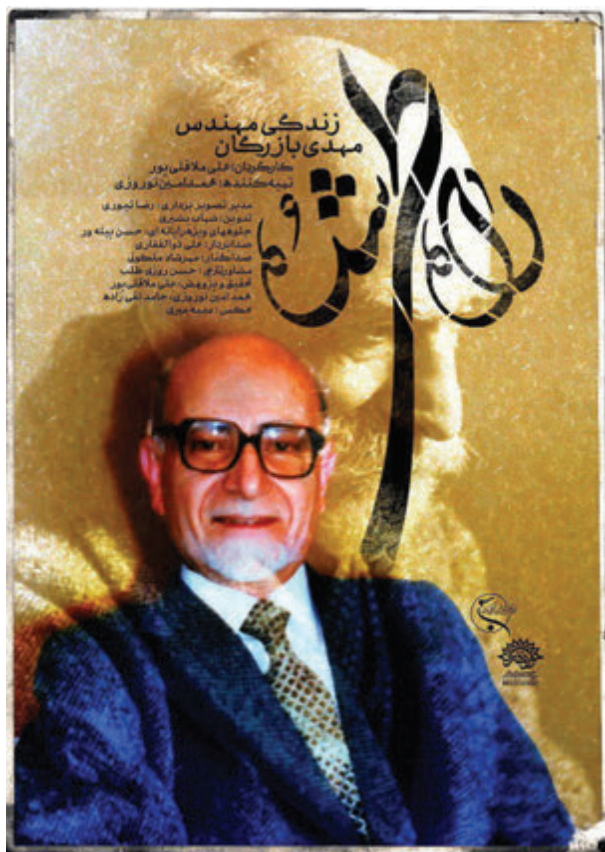
می‌کنیم. بالاخره این «به نام خدا و به نام خلق» و این تقاطع فکری از کجا آمده است؟ اینکه می‌شود افکار مادی را همپای افکار الهی بدانیم، از کجا آمده است؟ این از راه طی شده آمده است که بشر با عقل خود و با همه اشتباهات خود می‌تواند با عقل بی‌نهایت خداوند برابری کند و این در «راه طی شده» وجود دارد؛ نه اینکه تنها بنده بگویم، بلکه دکتر نوید بازرگان فرزند او نیز همین مساله را می‌گوید. مستند درباره بازرگان و البته راه طی شده او است و ما درباره تأثیرات مثبت و منفی یک جریان فکری صحبت می‌کنیم.

ملاقلی‌پور درباره عدم پذیرش این اثر از سوی جشنواره حقیقت نیز گفت: احساس می‌کنم بنده ممنوع‌الجشنواره هستم! سال گذشته همین کار را با مستند «قائم‌مقام» که درباره مرحوم منتظری بود نیز انجام دادند و عنوان شد جشنواره کار سیاسی را قبول نمی‌کند. در حالی که الان مستند «پدر طالقانی» در جشنواره وجود دارد و به نظرم اصلاً چنین بحثی وجود ندارد. باید اعتراف کنم همیشه فکر می‌کردم بایکوت از طریق مارکسیست‌ها رخ می‌دهد، چرا که در زندان‌های قبل از انقلاب این اتفاق بسیار رخ می‌داد اما در مطالعات تاریخی متوجه شدم

را پنهان کرد. بنابراین آنها از همان ابتدا دیدگاه و نظر ما را می‌دانستند.

وی افزود: بالاخره نهضت آزادی حزبی است که جمهوری اسلامی تاکنون ورود چندانی به آن نداشته است و اگر هم در شرایط فعلی حرفی درباره‌اش زده شود، بحث دولت موقت است، از این نظر مستند ما برای این گروه فرصتی برای طرح مجدد نام‌شان بود. از طرفی واقعا نیاز بود برای یک بار هم که شده با بازرگان مواجهه فکری و اندیشه‌ای نیز صورت گیرد و اتفاقاً بخش زیادی از انتقاداتی که در کار وجود دارد، در همین مقطع است. من با اکثر افراد حاضر در مستند بحث کردم و آنها می‌دانند که ما با گروه آنها (نهضت آزادی) درباره موضوعات مختلفی مثل سازمان مجاهدین، جنگ و ولایت فقیه چالش داریم. البته این مستند مهندس بازرگان را تکمیل نمی‌کند، بلکه بخشی از این شخصیت است؛ چرا که یک اثر بیشتر از این گنجایش ندارد و ما هر جنبه دیگری را نیز انتخاب می‌کردیم، باز کار تکمیل نمی‌شد.

وی با اشاره به اینکه مستند فقط درباره بازرگان نیست، گفت: این اثر درباره «راه طی شده» از سوی او است. البته سازمان مجاهدین را هم از دریچه ارتباط با نهضت آزادی بررسی



خسته نباشید آقای ملاقلی پور!

متن نامه محمد نوید بازرگان به علی ملاقلی پور

و خرسند کند، نهایتاً هم پیداست کزین میان چه بر خواهد خواست: بازرگان، شیفته و خود باخته غرب معرفی می شود و تسخیر و استثمار ملل دیگر توسط اروپاییان را عادی تلقی می کند! بی آنکه به دانش حوزوی مسلط باشد جسارت می ورزد و پای در کفش مفسران و دین پژوهان می برد. خدماتش نیز در جنب انحراف فکری او که ... منافقین مولود آن اند رنگ می بازد. از صفحات کتابش شعله ها می خیزد و از آموزه های فتنه ها می ریزد.

در جایی راوی به تلویح می گوید نگارش کتاب راه طی شده در سن چهل سالگی بر ادعای رهبری جامعه و یا نوعی خود پیامبر بینی او صحنه می گذارد! و این است خوانش بی غرض آقای ملاقلی پور از کتاب زندگی مهندس بازرگان! بقول مولانا: چون غرض آمد هنر پوشیده شد/ صد حجاب از دل بسوی دیده شد

در این فیلم نکته تازه ای نیست. کارگردان همان اتهامات قدیمی و بیات را بار دیگر بر سفره می چیند، اما این بار نکته ای

این سخن را به آقای نوروزی هم که عقل منفصل این مجموعه بودند متذکر شدم. اکنون آنچه به تماشای آن نشستم روایتی است در اکثر بخش ها یکسویه و گاهی مغرضانه. فیلم به انعکاس تحولات، فعالیت های اجتماعی و سیاسی مهندس بازرگان نظیر تأسیس شرکت انتشار، ریاست هیئت خلع ید، تشکیل جبهه ملی و نهضت آزادی و نیز خدمات او در زمینه لوله کشی آب تهران و سپس قبول نخست وزیری و نمایندگی مجلس بی تفاوت نیست و آن ها را گاه به شتاب و گاهی بدقت به تصویر می کشد اما آنچه عجیب می نماید شخص راوی است که از همان ابتدا میدان را در اختیار گرفته و هر سخنی را از مصاحبه شونده به خواش دل خود تعبیر و تفسیر می کند، گاهی روانشناس و گاهی معلم اخلاق می شود و در اثنای تصاویر، حکمت و فلسفه می ورزد و چون طلبه ای نوآموز درس دینداری می دهد و نهایتاً لحافی چهل تکه بر هم می دوزد تا حوزه هنری و دست اندر کاران و سرمایه گزاران مادی و معنوی فیلم را دلگرم

با سلام. یکی از دوستان نسخه ضبط شده ای از صدا و بخشی از تصاویر فیلم «راه طی شده» را برایم فرستاد. باید بگویم شنیدن و دیدن این نسخه مرا اندوهناک و متأسف کرد. مایلم اولین گفتگویی را که پس از اصرار شما بر مصاحبه با هم داشتیم بیادتان بیاورم. گفتید که قصد ساخت مستندی منصفانه در باره مهندس بازرگان دارید و گفتید چون یک پژوهشگر صرف، ورود کرده اید و از تمایل خود به انتقاد نیز سخن گفتید. همانجا به شما عرض کردم شرط یک پژوهش علمی یا تاریخی، بی طرفی است، همینکه پژوهشگری به قصد انتقاد یا برعکس به نیت مداحی به کاری وارد شد اولین شرط تحقیق را که فقدان پیش داوری است نقض کرده است.

همکاری ما با شما از قبول این اصل آغاز شد. دیگر آن که عرض کردم شما وارد کاری خطیر شده اید، اگر به سفارش قدرت و با کلیشه های مرسوم فیلم بسازید مهندس بازرگان را کوچک نمی کنید بلکه با آبروی هنری و فرهنگی خود قمار کرده اید. بنظرم

تازه بدان می‌افزاید: آموزگار بازرگان در دارالفنون یعنی سید ابوالحسن خان فروغی فراماسون بوده است! او شیفتگی به غرب را در بازرگان تقویت می‌کند و هموست که با گرایش به علم تجربی بذریعۀ انحرافی را در ضمیر شاگردش می‌کارد تا روزی منافقین از خوشه‌های آن سر برکنند! من حقیقتاً با خود فکر می‌کنم چطور می‌شود آدمی که صدق و اخلاص در پژوهش دارد زندگی ابوالحسن خان فروغی این معلم بی‌ادعا را که ادب درس و ادب نفس را توأمان داشته مرور کند و از آن همه خدمات فرهنگی، از مترجمی، روزنامه‌نگاری، معلمی دارالفنون، تاسیس دانشسرا برای تربیت معلم و تبیین روش‌های نوین تربیتی گرفته تا نمایندگی ایران در سازمان ملل و نیز نگارش آثاری در علم هیئت، زمین‌شناسی، فلسفه، قرآن، روانشناسی و حتی نمایشنامه‌نویسی صرف نظر کند و بر جبین هویت او بی‌هیچ مدرک معتبری انگ فراماسونری بزند. نمی‌دانم از نظر شما این چگونه با عدل و تقوا منطبق است؟ این گونه از شکر، شوکران بیرون کشیدن البته صنعتی است که نحله فکری شما دیری است در آن به استادی رسیده‌اند.

در اثنای فیلم متوجه می‌شویم که شما کتاب راه طی شده را درست نفهمیده‌اید. هیچ معلوم نمی‌شود که از کدام جمله آن کتاب بر می‌آید که اشراف خالق با اشراف خلق و یا بینش انبیا با بینش بشری برابر است؟ و از کتابی که سعی دارد بگوید: «گام‌های بشر، افتان و خیزان نهایتاً به راه انبیاء الهی صحنه می‌گذارد» چگونه اندیشه مبارزه مسلحانه در میاید؟ (۱)

شما از یک خاطره مغشوش یکی از مصاحبه شوندگان و برش‌هایی که به مجموعه‌ای از گفتارها زده‌اید مکرراً پنداری خطا را لباس تصویر می‌پوشانید و بر همه این‌ها چنان که در صحبت‌های اخیرتان در اکران خصوصی شنیدم مباحثات می‌کنید که این همه اقرار را از زبان نزدیکان مهندس بازرگان بیرون کشیده‌اید! خوب برادر عزیز! این چه افتخاری است که کارگردان ابتدای سناریویی در ذهن طراحی کند و بعد مصاحبه‌هایی را به نیت این هدف پس و پیش کرده، خود به ساحل مقصود سکانداری کند؟ مثل شما مثل آن آشپزی است که از بهترین مصالح،

خوان و خوراکی ناساز ترتیب می‌دهد و دست آخر زهری نیز بدان می‌افزاید سپس گناه را بگردن مواد غذایی می‌اندازد...

فیلم شما البته بزودی به حوزه محبوب خود که نیت اصلی تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار است وارد می‌شود و گفتمان منافقین و شرح ستیز و آویز با آنان را از خلال میتینگ‌ها و سخنرانی‌های رجوی مکرر زنده می‌سازد. روشن است که همه مساعی دست‌اندرکاران نهایتاً برای به کرسی نشاندن این فکر قدیمی بوده که منافقین فرزندان فکری مهندس بازرگان‌اند. مستند شما با خیال این توفیق که از بازرگان و نهضت آزادی او چیزی بر جای نگذاشته به پایان می‌رسد. مغلطه‌هایی آن چنان روشن که بنظر نمی‌رسد نیازی باشد به یک یک آن پاسخ گفت. اما این فیلم نهایتاً یک سوال را در ذهن مخاطب شما باقی می‌گذارد: پرسشی که مایلیم در پایان سخنم کمی بسط دهیم:

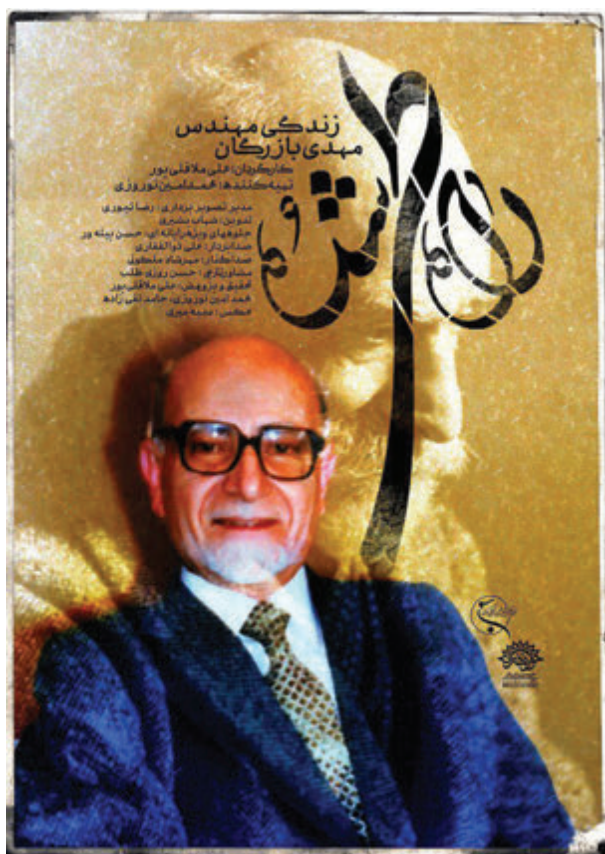
جناب کارگردان، آقایان مشاوران محتوایی فیلم! مستند تأثیرپذیر شما را دیدیم! خدا را شکر می‌کنیم که همفکران و پدران فکری شما خیلی زود جلو ضرر را گرفتند و بازرگان و همفکرانش را از صحنه سیاست کنار نهادند. بحمدلله از آن زمان تا به امروز کار یکپارچه و بلارقیب بدست حوزویان، فقیهان و پیروان مخلص آنان بوده است، شکر خدا را که توصیه‌های بازرگان برای توقف جنگ پس از فتح خر مشهر گوش شنوایی نیافت همچنان که اعتراض او بر اعدام‌های بعضاً بی‌محاکمه و بی‌هیئت منصفه در پگاه انقلاب مسموع نیفتاد، هم‌چنانکه اعتراض او بر گروگانگیری نیز به سمع قبول نشست و همچنان که مخالفت او بر بسیاری مسایل اجتماعی سیاسی محلی از اعراب نیافت. اما اکنون به لطف خدا سی و هشت سال از آن روزگاران فتنه‌خیز می‌گذرد و ما این‌جا ایستاده‌ایم! با کارنامه‌ای گویا در اقتصاد و معیشت، آزادی‌های اجتماعی، اخلاق، اعتماد عمومی، اقبال به دین، امید به زندگی و محبوبیت بین‌المللی... که شاید موضوعی مهم و پر معنا برای ساخت مستندی واقعی و بی‌طرف باشد. آیا توان ساخت چنین فیلمی را دارید؟ گمان نمی‌کنم. بدون قصد توهین عرض می‌کنم که مستند راه طی شده در سطح فکری و به اندازه‌ای که تصاویر آن را دیده‌ام بلحاظ هنری بسیار تنک مایه است و

لازم است که جنابعالی بیشتر، آثار مستند مطرح و مشهور را مرور کنید و توصیه می‌کنم تا مدت‌ها فعلاً چیزی نسازید. به باور من این فیلم به مدد تبلیغات صدا و سیما و رسانه‌های نظام و سازمان تبلیغات اسلامی یک دوچندی انجمن آرای می‌کند، و توسط دیگر همفکران شما و دشمنان روشنفکری دینی ارج می‌بیند و بر صدر می‌نشیند اما این فروغی گریز پا است و چون ذغال سنگ فروخته‌ای بزودی خاموش می‌شود. آن چه می‌ماند باز هم حقیقت است. (۲) این سخن را از استاد فقید، صنعتی زاده کرمانی در روزگار جوانی و در ایامی که در منابر و صدا و سیما، ناسزا به شادروان دکتر محمد مصدق سکه‌ای رایج شده بود، بخاطر دارم. پیرمرد در برابر بارش تهمت‌ها به لبخند می‌گفت: «پسر جان! نگران چیزی مباش؛ گر کائنات مغلطه در کار حق کنند حق هست و حق به مغلطه باطل نمی‌شود».

با احترام/ محمدنوید بازرگان

(۱) گیرم که طبق فرض خطای شما مجاهدین اولیه از آموزه‌های کتاب راه طی شده مکتبی مسلحانه برای خود اختیار کردند، در مثل مناقشه نیست اما مگر قرآن کریم، خود دستمایه سلفی‌ها و طالبان و داعش نشده است؟ مگر آن‌ها برای توجیه خود به کتاب خدا استناد نمی‌کنند و یا مبانی خود را بدان نسبت نمی‌دهند؟ وقتی کتاب خدا دستخوش چنین کج فهمی‌هایی است، تکلیف کتاب بشری روشن است. بعلاوه من هنوز متوجه نشدم که از چه وقت مبارزه مسلحانه در مقابل رژیم پهلوی در نظام فکری دوستان شما خطا تلقی می‌شود؟ آیا این درباره فداییان اسلام، مولفه و گروه‌هایی چون صف، منصورون، موحدین و دیگران نیز صادق است؟

(۲) به تعبیر قرآن کریم: ما عندکم یفند و ما عندالله باقی و لتجزین الذین صبروا و اجرهم باحسن ما کانوا یعملون - نحل ۹۶



پاسخ کارگردان «مستند راه طی شده» به محمد نوید بازرگان

طی شده» و عدم حضور جوانان و هواداران نهضت آزادی در جبهه‌ها حتی در دو سال ابتدای دفاع مقدس و قبل از آزادسازی خرمشهر و یا مسائلی مثل آیه مربوط به ولی امر و ... همه انتقادهایی است که بنده در مقابل دوربین نزد شما و دیگر نزدیکان مهندس بازرگان مطرح کردم و چه چیز شفاف تر از آینه؟ البته باید پذیرفت که شاید نهضت آزادی کمتر خودش و تفاوت آرای میان افراد خودش را در قالب یک فیلم تا به حال دیده بود و انکاری نیست که بنده و همکارانم از این تفاوت و تضاد آرا میان افراد استفاده کرده و از خودشان در نقد خودشان هم استفاده کردیم و نظرات متضاد را در کنار هم گذاشتیم. اما بالاخره باید نقد پذیری را از جایی شروع کرد و چه کسی بهتر از نهضت آزادی و نزدیکان مهندس بازرگان که مدعی نقد پذیری هستند.

اما درباره رابطه پدر و فرزند مهندس مهدی بازرگان با سازمان مجاهدین خلق گویا هنوز شک دارید و در نامه اتان نوشته‌اید فیلم صرفاً به یک خاطره مخدوش استناد

البته شما هم می‌دانستید قرار است انتقاد و تعریف از شخصیت مهندس بازرگان با هم در مستند «راه طی شده» شکل بگیرد چرا که بسیاری از انتقادهای را در حضور خود شما و دیگر مصاحبه شونده‌ها در همان هنگام ضبط گفتگوها مطرح کردم و آنجا مشاوره همراه من نبود بلکه سوالات و ضدو نقیض‌های کتابهای مهندس بازرگان بود که نه تنها در ذهن بنده بلکه در ذهن هر جوانی که کتب ایشان را می‌خواند به شکل طبیعی اتفاق خواهد افتاد و برای اینکه متهم نشویم این انتقادهای را دیگران بعداً به ما گفته‌اند در فرم کار و ضبط مصاحبه‌ها آینه استفاده کردیم و کنار هر مصاحبه شونده آینه‌ای گذاشتیم تا پشت دوربین (بنده) و مقابل دوربین (شما) بدون تقطیع نماها هم حرف و هم انتقادهای بصورت شفاف مشخص باشد و هر دو در یک نما باشیم و مسائل مختلفی مثل عدم توجه مهندس بازرگان به روح عمل و یا ایجاد چالش درباره مشی جوانان نهضت آزادی (سازمان مجاهدین خلق) و ریشه یابی التقاط و ارتباط آن با کتاب «راه

عرض سلام جناب آقای دکتر محمد نوید بازرگان
نامه شما را خواندم و طبق نوشتار خودتان تعجب کردم چگونه فرد دنیا دیده‌ای مثل شما تنها با شنیدن صدا و بخشی از تصاویر فیلم حاضر شدید دست به انتقاد درباره اثری بزنید که هنوز کامل آنرا ندیده‌اید! ما برای ساخت این مستند نزدیک به دو سال کار مطالعاتی و تحقیق داشتیم ای کاش شما هم کمی صبور بودید و فیلم کامل را که به زودی بصورت وی‌اودی در اختیار عموم گذاشته می‌شود تماشا می‌کردید سپس دست به نامه نگاری می‌زدید. اما درباره اینکه سعی کردید این فیلم را ارگانی جلوه دهید باید خدمتتان یادآور شوم هم شما و هم تمام اعضای قدیمی نهضت آزادی که مقابل دوربین ما حاضر شدند می‌دانستند فیلم را چه سازمانی می‌سازد که این گفته به هیچ وجه قابل انکار نیست چرا که اساساً مهندس محمد توسلی و مهندس فریدون سحابی در سالن ماه حوزه هنری حاضر شده و گفتگوی آنها در این سازمان ضبط شد.

کرده. باید گفت متأسفانه چون فیلم را کامل ندیده‌اید دچار اشتباه شده‌اید چون این خاطره و ارتباطات را دیگر یاران مهندس بازرگان هم نقل کرده‌اند. به عنوان مثال مرحوم بسته نگار می‌گوید: بنده خودم در زندان برازجان (دهه چهل) از دو لب مهندس بازرگان شنیدم که گفت تنها راه مبارزه فقط مبارزه مسلحانه است منتها باید جوانان وارد عرصه مبارزه مسلحانه شوند. و یادآوری می‌کنم که شما هم در مصاحبه‌ها مرحوم بسته نگار را از صادق ترین افراد نهضت آزادی به ما معرفی کردید و یا در جایی از فیلم مهندس توسلی می‌گوید تأسیس سازمان مجاهدین خلق به هیچ وجه انشعاب از نهضت آزادی نیست چون اینها از ما جدا نشدند. البته چون شما فرزند مهندس مهدی بازرگان هستید بنده از نوشتار پدر بزرگوارتان مثال می‌آورم که در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۲ با عنوان فرزندان مجاهد و فرزندان مکتبی عزیزم که آن را در روزنامه حزبشان یعنی همان روزنامه میزان هم چاپ کردند.

ایشان در آن مقاله اینگونه نوشتند: (مجاهدین خلق شما فرزندان نهضت آزادی هستید. در سال ۱۳۴۳ که در زندان بودیم به دنیا آمدید و راه خود را پیش گرفتید. بدون آنکه از خانه فرار کرده یا اخراج شده باشید. مبانی فکری و تعلیمات اولیه را کتابها و بحث و تحلیل‌ها و تجربیاتی که از نهضت گرفتید تشکیل می‌داد. اگر بعداً به لحاظ ایدئولوژی و تاکتیک فاصله‌ها و اختلاف‌هایی پیش آمد و از خود شما کسانی جدا و مخالف شدند اینها مانع و منکر رابطه پدر فرزندی نمی‌تواند بشود)

آقای دکتر محمد نوید بازرگان کمی تاریخ‌ها و مطالب را با وقایع بررسی کنید. با اینکه در زیر پرچم و آرم سازمان مجاهدین خلق تاریخ تأسیس آن ۱۳۴۴ قید شده ولی مهندس بازرگان تاریخ به دنیا آمدن آنرا ۱۳۴۳ بیان فرمودند یعنی دقیقاً از زمان شکل‌گیری این نطفه التقاطی پرده بر می‌دارند و اینجاست که نه تنها خاطره آقای محمد مهدی جعفری مخدوش نیست بلکه باید گفت دقیق است چرا که دقیق‌تر این خاطره که پدر شما به محمد حنیف نژاد گفته: دیگر باید اسلحه برداری را ایشان (آقای جعفری) در کتاب سه هم پیمان عشق تعریف کرده و آنجا آقای جعفری دقیق توضیح می‌دهد که خاطره را خودش از حنیف نژاد شنیده. و حتماً بهتر از بنده و شما که در آن سال ۱۳۴۳ تنها یک سال داشته‌اید این آقایان بسته نگار و جعفری هستند که خاطرات زندان دهه چهل مهندس بازرگان و محمد حنیف نژاد را بهتر می‌دانند چون آنها در آن دوران یارگار مرحوم مهندس بازرگان بودند.

البته باید توجه کنید یک طرف نامه فرزندان مجاهد و فرزندان مکتبی عزیزم را مهندس بازرگان در اردیبهشت سال شصت به مسعود رجوی نوشته یعنی کمی قبل‌تر از اینکه منافقین دست به عملیات ترور و جنگ شهری بزنند اما در نامه ایشان به وضوح مساله فرار یا اخراج اینها از ایران را مطرح می‌کند که کاملاً قابل تأمل است. چرا که

در این تاریخ هنوز مجاهدین خلق شروع به جنگ افروزی و خروج از ایران نکرده‌اند. حتماً نمی‌خواهید بگویید که مهندس بازرگان فرار مجاهدین خلق را صرفاً حدس زده چرا که مرحوم ابراهیم یزدی و مهندس توسلی بارها مصاحبه کرده‌اند و گفته‌اند قبل از درگیری خرداد سال شصت مسعود رجوی این مساله جنگ شهری و ترور را به شکل مشورتی پیش اعضای ارشد نهضت آزادی مطرح کرده بوده.

البته تشویش و نگرانی اعضای فعلی نهضت آزادی پس از دیدن مستند راه طی شده بدیهی است چرا که برای تاریخ هم که شده این مستند باید مطالبی را که نهضت آزادی عمری در پستونگه می‌داشته یک بار عیان می‌کردیم. اما در جایی دیگر از نامه خودتان نوشته‌اید چرا راوی (یعنی بنده) هم نقد فکری می‌کند هم دینی و هم سیاسی و ادبی؟ به نظر من سوال خوبی مطرح کردید چرا که نقد بنده بر اساس کتب مختلف و حتی متضاد مهندس بازرگان مطرح شده و این اساس حرف مستند ما بود که چگونه کسی مانند مهندس مهدی بازرگان چگونه می‌تواند بدون تخصص لازم در امور مختلف دینی و قرآنی اظهار نظر کند و راهکار بدهد؟ البته شما به گونه‌ای در نامه خود مطرح کردید گویی اینها نقد شخصی بنده است اما باید گفت در همان زمان چاپ کتاب راه طی شده اولین انتقاد را استاد مرتضی مطهری کرد و راه طی شده را بیراهه نامید و در کتاب اصول فلسفه و رئالیسم اینگونه می‌نویسد:

حقیقت این است راهی که مؤلف دانشمند «راه طی شده» با کمال صفا و خلوص نیت طی کرده است آنچنان بیراهه است که مجالی برای استدلال از راه «نظام غائی» که دانشمندان به اقتباس از قرآن مجید آن را راه «اتقان صنع» اصطلاح کرده‌اند نمی‌گذارد.

اما بی‌تعارف با خودمان فکر کنیم چرا کسانی که «راه طی شده» زیر بغل شان می‌زدند سر از رفاقت با صدام درآوردند و یاران مکتب اسلام و امام خمینی هشت سال تمام عیار مدافع تمام مرزهای مادی و معنوی بودند.

نکته آخر که در نامه‌اتان نوشتید درباره دیگر گروههای مسلحی چون فدائیان اسلام و منصورون و ... باید عرض کنم خدمتتان که چون باز هم مستند را کامل ندیدید دچار اشتباه شدید زیرا این مستند دنبال نفی یا تأیید مبارزه مسلحانه نیست بلکه بحث بر سر این است انقلاب درونی افراد با سلاح میسر نمی‌شود و کار فرهنگی و فکری می‌طلبد و این خون است که بر شمشیر پیروز است. راهی که باورش سخت است اما تاریخ و قرآن نوید این پیروزی را بر مردم می‌دهد.

علی ملاقلی پور ۱۳۹۷/۹/۸



تهیه کننده مستند «راه طی شده»:

قدیس سازان از مهندس بازرگان با دیدن مستند شو که می شوند

مراسم رونمایی از مستند «راه طی شده» که نگاهی به زندگی مهندس مهدی بازرگان، سیاستمدار و نخست وزیر دولت موقت دارد، باعث ایجاد تنش هایی میان موافقان بازرگان و سازندگان مستند شد. طرفداران نهضت آزادی به عوامل «راه طی شده» حمله کرده اند و آن ها را به پول گرفتن، سفارشی ساختن و تحریف تاریخ متهم کرده اند. محمد امین نوروزی، تهیه کننده این مستند در گفت و گو با «جوان» درباره حاشیه های به وجود آمده برای «راه طی شده» و ریشه های آن پرداخته است.

عمومی استفاده کرده ام و حق مردم است بدانند که چقدر پول بوده است. من هنوز دارم هزینه می کنم، در حالی که شاید در انتهای کار ۱۲ میلیون هم برای من نماند. با آنکه حداقل یک سال به طور کامل و قتم را برای این مستند گذاشته ام و در آخر بعد از دو سال کار به اندازه حقوق یک کارگر هم برای من نمانده است.

برای اکران عمومی مستند چه برنامه ای دارید؟ فعلاً اکران های دانشگاهی مان شروع شده است و تا امروز ۴۰ دانشگاه برای اکران ثبت نام کرده اند. برای اکران سینما هم سراغ سیستم «هنر و تجربه» نرفته ایم، چون فکر می کنیم از نظر مخاطب اتفاقی در آن نمی افتد. خیلی ها هم منتظر نسخه vod هستند که پیگیر آن هستیم.

برای پخش تلویزیونی طرحی دارید؟ به پخش تلویزیونی هم فکر می کنیم، اما نه در زمانی نزدیک.

درباره بازرگان، حرف ناگفته ای در مستند باقی مانده است؟

فکر می کنم حداقل سه تا چهار مستند دیگر می توان درباره مهندس بازرگان ساخت. ما در «راه طی شده» با موضوعات زیادی روبه رو بودیم که به خاطر محدودیت زمان آگاهانه از کنار آن ها عبور کردیم. موضوعات دیگری هم هست که جای پرداخت دارد.

به فکر ساخت قسمت دوم از «راه طی شده» هستید؟

اگر حمایت شود، حتماً این کار را می کنیم، چون بخش زیادی از تحقیقات و مصاحبه ها انجام شده است.

در صورت ساخت قسمت بعدی، چه موضوعی درباره مهندس بازرگان را زیر ذره بین می برید؟ به احتمال زیاد به «دولت موقت» خواهیم پرداخت. در «راه طی شده» وقت نشد به دولت موقت بپردازیم و از آن عبور کردیم.

منبع: روزنامه جوان

را در حد اولیای الهی بالا می برند. این تفکر از مهندس بازرگان قدیس می سازد و برای همین وقتی مستندی غیر از آن بگوید، دوست ندارند به حرف آن گوش کنند. به نظرم حداقل جا داشت که تا امروز پنج مستند درباره بازرگان با نگاه های متفاوت ساخته می شد.

بعد از مستند «قائم مقام»، مستند «راه طی شده» سراغ چهره ای جنجالی از انقلاب رفته، چه شده که بعد از سال ها میل به پرداختن به سال های ابتدایی انقلاب زیاد شده است؟

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند «از گذشته های دنیا برای باقیمانده آن عبرت آموز زیرا پاره های دنیا شبیه یکدیگرند»، به نظرم خیلی از اتفاقات سال های اول انقلاب، حتی شعارها و جناح بندی ها به نوعی در سال های ۸۸ و ۹۶ تکرار و باز تولید شده است. طبعاً این اتفاق برای نسل امروز جذاب است و باید از آن آگاه شود. تا کی ما باید تاوان تکرار تجربه های گذشته را بدهیم؟

برسیم به این موضوع که می گویند شما و علی ملاقلی پور کار سفارشی ساخته اید! در این باره توضیح می دهید. این طرح پیشنهاد خودم بود و آن را به علی ملاقلی پور گفتم. علت اینکه سراغ ملاقلی پور رفتم این بود که از مدت ها قبل دوست داشتم یک کار سیاسی داستانی بسازد و حتی اگر شده در قالب یک سریال داستانی به شخصیت های تاریخ انقلاب بپردازد، چون می دانستم به تاریخ انقلاب علاقه دارد و درباره آن مطالعه کرده است. اینکه می گویند حوزه هنری این کار را به من پیشنهاد داد، قضیه کاملاً برعکس است، من بودم که طرح را به حوزه هنری پیشنهاد دادم و آن ها قبول کردند.

در نقدهای طرفداران نهضت آزادی بر اینکه پول گرفته اید هم پافشاری می شود، چقدر برای ساخت این مستند بودجه در نظر گرفته شده بود؟

برای ساخت این مستند حمایتی از ما نشد. من در سال ۹۵ برآورد ۹۰ میلیونی برای ساخت مستند به حوزه هنری دادم، آن ها در نهایت با ۷۰ میلیون تومان بودجه موافقت کردند. بعد از آن به گرانی های سال ۹۷ خوردیم، درخواست کردم که هزینه ها رفته بالا و آن ها با ۱۵ میلیون افزایش موافقت کردند که هنوز هم پرداخت نکرده اند. آن هایی که می گویند ما پول گرفته ایم، اگر می توانند بیایند با دو یا سه برابر این بودجه فیلم بسازند! من این ارقام را گفتم، چون از بودجه

در مستند «راه طی شده» چه چیزی وجود دارد که طرفداران نهضت آزادی تا این حد از تماشای آن عصبانی شده اند؟

نه از نظر من به عنوان تهیه کننده بلکه از نظر کسانی که این مستند را دیده اند، «راه طی شده» دارای جسارتی است و حرف هایی می زند که برای آقایانی که چهره صلح جو و آزادی منش از مرحوم مهندس بازرگان ترسیم کرده اند، غیرمنتظره است و با دیدن آن جا می خورند. چه قبل و چه بعد از جلسه اکران مستند هم با این افراد بحث داشته ایم، مثلاً آن ها می گفتند شما فلان کتاب را درباره بازرگان ننخوانده اید و ما جواب می دادیم که اتفاقاً آن را هم خوانده ایم و پاسخ ادعایی را که در آن کتاب مطرح شده است داده ایم. نه تنها این مستند تحریف تاریخ نیست، بلکه مستند و مستدل حرف می زند و از زبان خود اعضای نهضت آزادی درباره بازرگان صحبت شده است. در این مستند علی ملاقلی پور در نقش راوی مستند صرفاً به ارزیابی چیزی که آن ها درباره بازرگان گفته اند پرداخته است.

چرا طرفداران بازرگان این مستند را غیرقابل قبول می دانند؟

مثلاً ما در این مستند نشان داده ایم مهندس بازرگان جوانان نهضت آزادی را تشویق می کند که وارد فاز مسلحانه شوند. این موضوع را هم دو تن از اعضای نهضت آزادی بیان می کنند. ما مستدل حرف زده ایم و فکر می کنم «راه طی شده» از فرم کلیشه ای مستند پیروی نمی کند. کار کاملاً جنبه تحقیقاتی دارد و به خاطر همین است که شاید بعضی ها که از بازرگان خوششان می آمده نسبت به آن واکنش نشان داده اند.

پس به «راه طی شده» نقدی وارد نیست؟ نه این را نمی گویم که هیچ نقدی به کار ما وارد نیست، ولی اینکه می گویند مستند دروغ می گوید، متصفانه نیست و غرضدار است. آن ها می خواهند با این حرف ها مستند را از جریان تأثیر گذاری خارج کنند. آن ها نمی توانند چیزی غیر از علائق خود را درک و هضم کنند.

پیش از «راه طی شده» اثر قابل توجهی درباره شخصیت و زندگی مرحوم بازرگان ساخته شده بود؟

چند کار کوتاه ۲۰-۳۰ دقیقه ای که بیشتر جنبه گزارشی داشت ساخته شده است. نهضت آزادی هم دو مستند به نام های «نقشی به یاد ۱» و «نقشی به یاد ۲» ساخته است که در آن مهدی بازرگان

اما ریشه این همه تکاپو و بعضا عصبیت کجاست؟

محمد زعیم زاده
جانشین سردبیر فرهیختگان

مسعود بهنود در بی بی سی سعی کرد رندانه و در شجوی هماهنگ با مجری از کنار طوطی و بازرگان و «راه طی شده» عبور کند هر چند باز هم نتوانست و دو دقیقه‌ای فحش داد. پیرمردهای نهضت به مراسم رونمایی مستند رفتند و با عصبانیت از خجالت علی ملاقلی پور در آمدند. سمپات‌ها و حامیان نهضت در جراید و کانال‌های تلگرامی و سایت‌ها هم به قدر قوه، از غبار روبی چهره مهندس بازرگان شاکی شدند و غبار روبان را نواختند.

اما ریشه این همه تکاپو و بعضا عصبیت کجاست؟

علی ملاقلی پور در مستند «راه طی شده» این بار از زبان خود نهضتی‌ها این حرف را به گوش مخاطب رسانده که بازرگان موافق اقدام مسلحانه توسط سازمان بود و این حرف مهمی است چون هم بازرگان نماد است و هم رجوی و دار و دسته‌اش.

آنها سعی می‌کنند القا کنند بازرگان نه تنها موافقتی با این مسئله نداشت بلکه صریحا مخالف بود. کاش دوستان برای سنجش این ادعا حداقل داده‌ای هم داشتند و چه خوب است این ادعا آزمون شود. دوستان معتقدند نهضت در دهه شصت مرزبندی صریح و مخالفت جدی و عملی با سازمان داشته بنده ایشان را به یک چالش دعوت می‌کنم:

سازمان منافقین در سالهای پس از انقلاب بیش از ده‌هزار ایرانی را ترور کرده، از روسای قوا و وزرا تا امرای ارتش و سپاه و البته مردم عادی، سازمان در میان طیف موسوم به حزب الهی حتی به بقال و قصاب و بنا هم رحم نمی‌کرد.

اما آیا دوستان نزدیک به نهضت می‌توانند چند نمونه از اعضای حزب یا سمپات‌ها یا اعضا عادی‌شان را معرفی کنند که دار و دسته رجوی به آنها تعرضی کرده است؟



چرا از «راه طی شده» دفاع می‌کنم؟

مهدی دزفولی

افکار مهدی بازرگان به عنوان یک روشنفکر دینی است. بازرگان اهل تساهل و تسامح در دینداری بود. فردی بود که گمان می‌کرد می‌توان از دین تفسیر بسیار علمی و مادی گرایانه داشت و به همین دلیل کتاب «راه طی شده» را نیز به رشته تحریر در آورد و با انتقادات جدی شهید مرتضی مطهری در دهه ۳۰ مواجه شد. اصلاح طلبان امروز نیز بارها اعلام کرده‌اند که مرشد و مراد آن‌ها در سیاست ورزی و اندیشه ورزی مهدی بازرگان است.

محمد قوچانی به عنوان روزنامه نگار برجسته اصلاح طلب بارها در دهه هشتاد و نود، مقالاتی در تأیید روش و منش بازرگان نگاشت و عبدالکریم سروش نیز به عنوان ایدئولوگ فکری اصلاح طلبان در دهه هفتاد و هشتاد، سخنرانی مشهوری در سال ۱۳۷۳ با عنوان «آنکه به نام بازرگان بود نه به صفت» انجام داد و از افکار بازرگان دفاع کرد.

حقیقت این است که نقد بازرگان نقد فکر اصلاح طلبی و منش سیاسی جاری است که در این طیف سیاسی که دارای اندیشه خاصی نیز می‌باشد می‌بینیم.

به همین دلیل از مستند «راه طی شده» دفاع می‌کنم و معتقدم دیدن این مستند برای جوانان امروزی بسیار واجب است تا با آبشخور فکری جریانات سیاسی بیشتر و بهتر آشنا شوند.

یکی از مستندهایی که این روزها مطرح و جریان ساز شده است مستند «راه طی شده» ساخته علی ملاقلی پور است. مستندی درباره فراز و نشیب‌های زندگی تاریخی و سیاسی مهندس مهدی بازرگان که از روز گذشته نیز فروش آن در سایت سینمامارکت آغاز شده و موجی از موافقت‌ها و مخالفت‌ها را شکل داده است. اوج نقدها و مسائل درباره بازرگان در این مستند وابستگی فکری وی به ابوالحسن خان فروغی یکی از اعضای لژ فراماسونری در ایران و همچنین وابستگی فکری اعضای اولیه سازمان مجاهدین خلق به بازرگان در دهه ۴۰ بود که خروجی نهایی آن ارتباطات ترورها و مبارزه مسلحانه بود.

دو مورد فوق از بدیهیات تاریخی است که همواره مورد انکار و تکذیب اعضای نهضت آزادی و اعضای خانواده بازرگان قرار گرفته است اما در مستند فوق الذکر وقتی به آن‌ها اشاره شده است باعث اعتراض و نقد هواداران مهدی بازرگان قرار گرفته است به طوری که نشریه‌های «صدا» و «سازندگی» در دو روز اخیر این مستند را با تمام قدرت مورد تخریب و تهاجم خود قرار داده‌اند. اما بازرگان یک وجهه پنهان دیگر دارد که ناخواسته مستند آن را هم مورد هدف قرار داده است و شاید به همین دلیل باشد که نشریات اصلاح طلب این مستند را با تمام توان تخریب می‌کنند و آن نکته پنهان این است که اصلاح طلبی امروز وامدار و دارای خاستگاهی در

اثری فراجناحی

واکنش ناطق نوری به مستند «راه طی شده»

حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری پس از تماشای «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی پور پرهیز از افراط و تفریط در این مستند را ستود.

حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از تماشای مستند «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی پور، ضمن تشکر و ابراز خرسندی از تیم تحقیق و تهیه این مستند نکاتی را درباره آن مطرح کرد.

ناطق نوری با اشاره به اینکه «در ساخت این مستند افراط یا تفریطی مشاهده نشده و موضع گیری جناحی نیز به چشم نمی خورد»، گفت: در مستند فوق ضمن پرهیز از مبالغه یا جفا نسبت به نهضت آزادی به خوبی مواضع و رویکردهای آن تبیین شده است هر چند بیان حقایق به طور طبیعی، مخالفان یا موافقانی نیز خواهد داشت.

وی درباره شخصیت مهندس مهدی بازرگان که سوژه مستند «راه طی شده» است، توضیح داد: بنده شخص مرحوم آقای بازرگان را متدین، مسلمان، صادق و متعهد می دانم اما علی رغم داشتن ارتباط با ایشان، از ابتدا بعضی تفکرات و مواضعشان را قبول نداشته و نوع نگاهشان، موجب شده بود با ایشان زاویه فکری داشته باشم.



چرا اینقدر برآشفته و نگران شده اید؟

اکبر نبوی

علی ملاقلی پور یک فیلم مستند ساخته به نام «راه طی شده» در باره زندگی، اندیشه ها و تأثیرات سیاسی و فکری مرحوم مهندس مهدی بازرگان.

من این مستند را دیده ام. فعلا نمی خواهم در باره ی قوت ها، ضعف ها، رویکردها و بینش های آن سخن بگویم. اما در عجبم از کسانی که ادعاهای گوش خراش شان در باره ی آزادی و تحمل آراء و اندیشه های دیگران (حتی اگر غلط باشد و ...) سال هاست برای فضای اجتماعی کشور آلودگی صوتی و تبلیغاتی ایجاد کرده است اما یک فیلم مستند را که حرف و نگاه و واکاوی تازه و جدیدی در باره مرحوم بازرگان دارد، تحمل نمی کنند.

آقایان و خانم های بسیار محترم! چه خبر شده؟ چه خبرتان شده؟ چرا اینقدر برآشفته و نگران شده اید؟ نکند بیم آن دارید که جوان و جوانان دیگری، از سر کنجکاوی و تحقیق، افکار و اندیشه های شما را هم در مستندهایی دیگر، به نقد و تحلیل بنشینند و چهره بی نقابتان بر مردم و بویژه جوانانی که می کوشید مواضع و شخصیت واقعی تان را از آنها پنهان نگه دارید، آشکار شود؟



پس کوا این آزادی؟

محمد رضا کردلو - وطن امروز

«تناقض»، نشانه مشترک رفتارشناسی همه فرصت طلب های سیاسی است. درباره «آزادی» به کرات با همین تناقض از سوی کارگزاران، اصلاح طلبان، شبه روشنفکران، تجدیدنظرطلبان و نومحافظه کاران یا هر اسمی که روزنامه های زنجیره ای سابق، امروز آن را نمایندگی می کنند.

چرا مستندی که همه گفت و گو شوندگان در آن از اعضای اولیه نهضت آزادی یا از بستگان خانوادگی مهدی بازرگان هستند، به «تحریف» متهم می شود؟

آنچه علی ملاقلی پور در راه طی شده می گوید، نقد «راه طی شده» بازرگان است. این کتاب باز تعریفی از نوع نگرش و رویکرد مهدی بازرگان به عرصه سیاست، مبارزه و امر اجتماعی و برداشتی است که او در دهه ۲۰ از اینها داشته است.



اینجا پیش ما هستید روحیه داوود فوق العاده خوب می‌شود. این خبر برای تیم ما یعنی خبر بسیار خوب؛ چرا که ما بار روانی برای خانواده داوود نیستیم و برعکس داوود با بودن ما انرژی و روحیه فراوان می‌گیرد.

در مدتی که با داوود (سوژه اصلی مستند) و خانواده‌اش در ارتباط بودید، مطمئناً تصاویر زیادی را جمع‌آوری کردید. ملاک‌تان برای انتخاب تصاویر چه بود؟

ما اتاق فکری برای تیم‌مان داشتیم که دائم با جلسه گذاشتن و راش دیدن کارها نمی‌گذاشتیم از نقشه‌راهی که برای خودمان ترسیم کرده بودیم، فاصله بگیریم. برای همین بعد از هر جلسه ضبط‌مان دو تا سه جلسه اتاق فکر داشتیم تا فاصله از هدف اصلی فیلم بگیریم. البته این تعداد از جلسات در زمان تدوین فیلم خیلی بیشتر می‌شد تا در بهتر شدن مستند به ما کمک کند.

اگر بخواهید کوتاه «خانه‌ای برای تو» را معرفی کنید چگونه تعریف می‌کنید؟

بخواهم در یک کلمه یا جمله مستندمان را تعریف کنم مطمئناً آن واژه «امید» است، اما از روزی که «مرگ آگاهی کیفیت حضور است» چراغ راهنما شد در این مستند به جرأت می‌توانم بگویم که این امید بود که همانند یک مساوی در کنار مرگ آگاهی نشسته بود.

این تجربه را ادامه خواهید داد؟

قرارمان بود که یک سه‌گانه سرطان بسازم که اولینش را با لقمان خالدي «فصل هرس» را ساختیم. دومین کار را قرار بود با مرتضی پایه‌شناس بسازم که با این پروژه سرطان و مرگ آگاهی گره خورد و مطمئناً سومین اثر این سه‌گانه را با کمک حوزه هنری خواهیم ساخت.



تهیه‌کننده مستند «خانه‌ای برای تو»:

ایده اصلی را از «مرگ آگاهی» شهید آوینی گرفتیم

ساخت این پروژه استقبال کرد و با بخشی مقدم این کار را آغاز کردیم.

برای شروع کار به چند نفر نیازمند بودیم که مطلع باشند برای چند ماه دیگر از دنیا خواهند رفت تا با این حال و روز بیشتر آشنا شویم. برای همین باید به چند مرکز که بیماران سخت را پذیرش کرده بودند و احتمال مرگشان زیاد بود، ملاقات می‌کردیم و به سوپروایزرهای بیمارستان‌هایی که بخش آنکولوژی داشتند، سپردیم تا اینکه از بیمارستان مسیح دانشوری با ماتماس گرفتند و داوود قصه ما را معرفی کردند. البته قصه داوود را همزمان با چند نفر دیگر جلو بردیم، اما بعد از مدتی کوتاه متوجه شدیم که باید قصه پیرامون داوود بچرخد. البته ناگفته نماند که همین روایتی کوتاه از ابتدای این پروژه که خدمتتان گفتم خودش روایتی سنگین و سخت بوده است.

تصویربرداری این مستند چه میزان زمان برد؟

از آغاز تصویربرداری پروژه تا پایان آن ۲۶ ماه به طول انجامید و در این ۲۶ ماه با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کردیم اما پشت سر گذاشتن این مشکلات جز با تلاش و سختکوشی دوستانم در عوامل این مستند به دست نمی‌آمد. حین تولید عکس‌العمل خانواده داوود با تیم تولید چگونه بود؟

در این مستند ما از عواملی بهره بردیم که هر کدام از آنها در بخش خود بهترینند و در سینما مستند ایران جزو بهترین‌ها به حساب می‌آیند. در طول این مدت، رفاقت و همدلی فراوانی بین تیم ما و خانواده داوود شکل گرفت که در داوود قصه ما نیز خیلی تأثیر می‌گذاشت تا جایی که خواهر داوود با ما تماس می‌گرفت و می‌گفت چرا شما دیگر پیش داوود نمی‌آیید؟ چرا که هرقت شما

«خانه‌ای برای تو» روایت داوود جوان ۳۰ ساله گیلانی است که کمتر از یک سال از ازدواجش می‌گذرد و در شغلش دچار ورشکستگی شده است. او همزمان متوجه می‌شود که به سرطان پیشرفته‌ای دچار شده و در این شرایط برای زندگی‌اش تصمیمات جدیدی می‌گیرد.

این مستند به کارگردانی مهدی بخشی مقدم و تهیه‌کنندگی مهدی شاه‌محمدی در مرکز مستند سوره حوزه هنری تولید شده است. به همین مناسبت با مهدی شامحمدی، تهیه‌کننده این مستند به گفت‌وگو نشستیم تا از چند و چون تولید این مستند باخبر شویم.

ایده خانه‌ای برای تو از کجا آمد و اصلاً چرا خانه‌ای برای تو؟

ایده اصلی خانه‌ای برای تو از مرگ آگاهی مرتضی آوینی می‌آید که دورانی را با همین موضوع مرگ آگاهی به عنوان دغدغه ذهنی‌ام پشت سر گذاشته بودم؛ تا آنجایی که به کلام امیرالمومنین برخورد کردم که می‌فرمودند: مرگ آگاهی کیفیت حضور است و این کلام از این بزرگوار بر دغدغه‌های من افزود که به دنبال این موضوع بروم و معمولاً این مرگ آگاهی کیفیت حضور است بر کسانی متجلی می‌شود که می‌فهمند تا چند روز دیگر بیشتر زنده نیستند.

هدف شما از ساخت این مستند چیست؟

من به دنبال تولید فیلمی بودم که مخاطب و بیننده فیلمم وقتی سالن سینما را ترک می‌کند، «مرگ آگاهی کیفیت حضور است» را تجربه کرده باشد.

فرایند تولید این مستند چگونه بود؟

بعد از ساعت‌ها و روزها تأمل با آقای یزدی، مدیر مرکز مستند سوره به این جمع‌بندی رسیدیم که این پروژه را شروع کنیم که مهدی بخشی مقدم با ساخت مستند موفق «۱۰۶ روز بعد» برای



در نشست خبری ویژه افتتاحیه پردیس سینمایی ساحل در اصفهان مطرح شد:

سینما سازی را به شهرهای بزرگ محدود نکرده ایم

فعالیت می کنیم. مدیر عامل موسسه بهمن سبز در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره هزینه ساخت پردیس ساحل گفت: قبلاً پیش بینی شده بود این پروژه با نه میلیارد تومان ساخته شود اما نوسان قیمت باعث شد هزینه به یازده میلیارد تومان برسد. این که طبق برنامه نتوانستیم سینما را افتتاح کنیم مربوط می شود به گرانی تجهیزات صوت و تصویری که در ایران وجود نداشت و باید صبر می کردیم تا تجهیزات کامل شود. افزایش قیمت ها در همه بخش ها وجود دارد و سینما سازی در این فضا واقعاً سخت است. او گفت: یکی دیگر از مسائلی که باید عنوان کنم این است که سینما به فیلم خوب زنده است. با پخش فوتبال یا برگزاری کنسرت سینما پرمخاطب نمی شود. سینما با تولیدات خوب که حال و هوای ایرانی و اسلامی داشته باشد زنده می ماند. سید مصطفی حسینی مدیر امور سینمایی استان اصفهان و اسماعیل هویدا مدیر بازرسی موسسه بهمن سبز و اهالی رسانه های شهر اصفهان در این مراسم حضور داشتند. در پایان اهالی رسانه از پردیس ساحل که فردا چهارشنبه به طور رسمی و در مراسمی با حضور رییس حوزه هنری،

مدیر عامل موسسه بهمن سبز ادامه داد: همچنان مایلیم در نقاط دور و نزدیک همه شهرها سینماهایی مناسب مردم داشته باشیم و تلاش می کنیم این هدف را محقق کنیم. حتی در اصفهان هم به دنبال بازسازی سینما سپاهان هستیم. به نقاط دیگر شهر هم خواهیم رفت و سینماهایی در این مناطق خواهیم داشت. در کاشان هم برنامه هایی داریم. کاظمی افزود: در مراغه پردیس خواهیم ساخت و در سیاهکل که فاقد سینما بوده سینما ساخته ایم. مقام معظم رهبری فرموده اند که هیچ هنری به اندازه سینما تاثیر گذار نیست. برای موفقیت ما که خدمت رسانی به مردم است نیازمند کمک همه نهادها و ارگانها هستیم. او ادامه داد: شهرداری، ارشاد و دوستانمان در اصفهان به ما کمک کردند. مهندس مسچی در سینما شهر همواره به ما کمک کرده است. ما بودجه ای برای سینما سازی نداریم. هزینه هایمان را از بلیت فروشی و برنامه هایمان تامین می کنیم. مسوولان باید کمک کنند چراغ سینما خاموش نشود. کاظمی گفت: با توجه به افزایش قیمت ها هزینه ساخت و ساز و نگهداری سینماها بالا رفته و کار در این حوزه سخت شده اما ما با عشق و اراده

مدیر عامل موسسه بهمن سبز با اشاره به روند بازسازی ها در چهار سال اخیر، تاکید کرد حوزه هنری ۱۱ هزار صندلی در این مدت بازسازی کرده است. محمود کاظمی مدیر عامل موسسه بهمن سبز روز سه شنبه ۲۷ آذرماه در نشست خبری ویژه افتتاحیه پردیس سینمایی ساحل اصفهان گفت: در ابتدا از اهالی رسانه تشکر می کنم که همواره با نقدها و نظریاتشان همراه بوده اند. موسسه بهمن سبز از نیمه دوم سال ۹۲ و بر اساس مسوولیت های تازه اش وارد حوزه سینماداری به شکل تخصصی تر و جدی تر شد. ما تحقیق و پژوهش جدی درباره سینماها را شروع کردیم و وضعیت سینماهای حوزه هنری را بررسی کردیم. او ادامه داد: اولویت بندی ها را تعیین کردیم و سپس وارد فاز اجرایی شدیم. از نیمه دوم سال ۹۴ شروع کردیم به نوسازی، تجهیز و ساخت و ساز در همه شهرها و به یک منطقه و استان محدود نشدیم. کاظمی گفت: در این سالها ۱۱ هزار صندلی بازسازی و ۴۵۰۰ صندلی به ظرفیت نمایشی کشور افزوده شد. سهم اصفهان از این بازسازی ها ۳۶۴۷ صندلی بوده. ۲۶۹۷ صندلی به ظرفیت سینماهای این استان افزوده شده است.



شهر اصفهان، سینما فرهنگ در فولادشهر و سینما فرهنگ میمه تکمیل و راه اندازی شده و سینما فلسطین بروجرد با ظرفیت ۷۵۰ صندلی و پردیس سینمایی ساحل واقع در اصفهان با دارا بودن ۹ پرده نمایش بزودی به بهره برداری خواهند رسید.

به گفته وی، نهضت بازسازی و نوسازی ناوگان سینماهای حوزه هنری که در دو سال اخیر اوج گرفته، در سال ۹۷ برغم محدودیت‌ها و مشکل منابع با قدرت و جدیت بیش‌تری ادامه می‌یابد. کاظمی همچنین خاطر نشان ساخت: سالن شماره ۲ سینما بهمن تهران و توسعه پردیس فرهنگی سینمایی سپیده تهران به ۳ سالن نمایش، سینما بهمن اصفهان، مجتمع فرهنگی تجاری سیاهکل با ظرفیت ۲۸۰ صندلی، سالن ۲ و ۳ سینما سپهر ساری، سالن سینما بهمن علویچه، سالن ۲ سینما بهمن شهرکرد و پردیس ۲۹ بهمن تبریز نیز از جمله پروژه‌هایی است که ان شاء الله به همت بهمن سبز برای استفاده در اختیار سینما دوستان قرار خواهد گرفت.

شایان ذکر است پردیس سینمایی ساحل فردا ۲۸ آذر با حضور محسن مومنی شریف، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری و جمعی از سینماگران و مدیران فرهنگی از جمله: بیژن امکانیان، مجید مظفری، علیرضا تابش، تینا پاکروان، حبیب ایل بیگی، حبیب اسماعیلی، محمد حسین قاسمی، سید محمود رضوی، علی سرتیپی، غلامرضا فرجی، محمد رضا صابری، و ... تعدادی دیگر از سینماگران و مسئولان استان اصفهان به صورت رسمی افتتاح شد.

از ضرورت‌های مهم جزو سیاست‌ها و اولویت فعالیت‌های سازمان سینمایی حوزه هنری در سالجاری است.

وی یادآوری شد: حوزه هنری در سال گذشته نیز، چندین پروژه بازسازی، نوسازی و سینماسازی را به سرانجام رسانده که بازسازی سینما آفریقا مشهد، بازسازی و توسعه سینما قدس تبریز، بازسازی کامل سینما «فلسطین» همدان به صورت دو سالنه، بازسازی و بهره برداری سینما «فلسطین» اصفهان و اولین پردیس سینمایی اصفهان به نام «خانواده» با چهار سالن، بازسازی سینما «آزادی» ارومیه، بازسازی سینما «آزادی» آبادان، بازسازی سینما بهمن تهران و ... از جمله نمونه‌های آن است.

به گفته وی؛ معضل کمبود سالن استاندارد در کشور یکی از مهم‌ترین مشکلات سینمای ایران است و طبیعی است با تسریع روند بازسازی سالن‌ها، می‌توان گام مؤثری در اعتلای سینمای ایران برداشت.

✱ یک سینما به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر مدیرعامل موسسه بهمن سبز خاطر نشان ساخت: در حالی که بر اساس حداقل استانداردها باید به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر یک سالن سینما وجود داشته باشد امار سالن‌های سینمایی موجود در سطح کشور بسیار پایین‌تر از این استاندارد‌هاست. تمام تلاش حوزه هنری در سالجاری این است که مطابق برنامه ریزی ۱۴ سالن سینمایی را به ناوگان سینمایی کشور اضافه کند که از این تعداد، دو سالن سینمایی در شهر تبریز، سالن ۲ سینما یاسمن شاهین

رئیس سازمان سینمایی سوره مهر، اهالی سینما و مسئولان استان و شهر اصفهان افتتاح خواهد شد، بازدید کردند.

محمود کاظمی مدیرعامل موسسه «بهمن سبز» با اعلام این خبر افزود: عملیات احداث دومین پردیس سینمایی شهر اصفهان با نام «ساحل» با موفقیت به پایان رسید و این پردیس معماری ایرانی و ویژگی‌هایی منحصر به فرد در میان سینماهای کشور دارد.

وی با اشاره به ساختار پردیس سینمایی «ساحل» که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی نسبت به سینماهای کشور است، یادآور شد: دو سالن سینمایی این پردیس برای نخستین بار در سطح کشور ویژه کودکان و سینمای انیمیشن طراحی شده، ضمن اینکه سینما ساحل مجهز به مهد کودک است. یعنی فردی که به سینما می‌آید فرزند خود را به سینما کودک تحویل می‌دهد که لابی این سالن‌ها به شکل مهد کودک خواهد بود. همچنین، پردیس سینمایی ساحل دارای یک سالن روباز با نمای ۳۳ پل است که صدا از طریق هدست به گوش مخاطبان خواهد رسید و در این شرایط مخاطب در حین غذا خوردن از تماشای فیلم هم لذت خواهد برد.

کاظمی با اشاره به روند فعالیت این نهاد هنری در عرصه فرهنگ، هنر و سینما عنوان کرد: حوزه هنری به صورت جدی برای توسعه و تقویت زیرساخت‌های سینما و ارتقای سالن‌های سینمایی در قالب نوسازی، تجهیز و بهسازی سینماها در تهران، مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها ورود کرده و «سینماسازی» را به عنوان یکی



به انگیزه افتتاح پردیس سینمایی ساحل در اصفهان

اهمیت سینماسازی را جدی بگیریم

استاندارد در کشور یکی از مهمترین مشکلات سینمای ایران است و طبیعی است با تسریع روند بازسازی سالن ها، می توان گام مؤثری در اعتلای سینمای ایران برداشت. در حالی که بر اساس حداقل استانداردها باید به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر یک سالن سینما وجود داشته باشد؛ اما متأسفانه آمار سالن های سینمایی موجود در سطح کشور بسیار پایین تر از این است. تمام تلاش حوزه هنری در سالجاری این است که مطابق برنامه ریزی ۱۴ سالن سینمایی را به ناوگان سینمایی کشور اضافه کند که از این تعداد، دو سالن سینمایی در شهر تبریز، سالن ۲ سینما یاسمن شاهین شهر اصفهان، سینما فرهنگ در فولادشهر و سینما فرهنگ میمه تکمیل و راه اندازی شده و سینما فلسطین بروجرد با ظرفیت ۷۵۰ صندلی و پردیس سینمایی ساحل واقع در اصفهان با دارا بودن ۹ پرده نمایش بزودی به بهره برداری خواهند رسید.

خوشبختانه نهضت بازسازی و نوسازی ناوگان سینماهای حوزه هنری که در دو سال اخیر اوج گرفته، در سال ۹۷ برغم محدودیت ها و مشکل منابع با قدرت و جدیت بیش تری ادامه می یابد. سالن شماره ۲ سینما بهمن تهران و توسعه پردیس فرهنگی سینمایی سپیده تهران به ۳ سالن نمایش، سینما بهمن اصفهان، مجتمع فرهنگی تجاری سیاهکل با ظرفیت ۲۸۰ صندلی، سالن ۲ و ۳ سینما سپهر ساری، سالن سینما بهمن علویجه، سالن ۲ سینما بهمن شهرکرد و پردیس ۲۹ بهمن تبریز نیز از جمله پروژه هایی است که ان شاء الله به همت بهمن سبز برای استفاده در اختیار سینما دوستان قرار خواهد گرفت.

آنچه مسلم است اینکه برای اعتلای فرهنگ و هنر یک مملکت نمی توان انتهایی قائل شد و سینماسازی امری مهم برای رسیدن به اعتلای فرهنگی است. در حال حاضر آمار ارائه شده از نسبت ظرفیت سینما به جمعیت نشان می دهد همچنان راه درازی پیش رو داریم و باید این روند علی رغم همه سختی ها و معضلاتی که بیشتر در حوزه اقتصادی گریبانگیر شده؛ اهمیت سینماسازی را جدی گرفته و این راه را تا زمان برابری عرضه و تقاضا ادامه دهیم.

دغدغه های این موسسه است چرا که اعتقاد دارد تمامی مردم در دور افتاده ترین شهرها نیز باید به این هنر دسترسی داشته باشند. به همت حوزه هنری و تلاش موسسه بهمن سبز طی این سالها ۱۱ هزار صندلی بازسازی و ۴۵۰۰ صندلی به ظرفیت نمایشی کشور افزوده شده است. سهم اصفهان نیز از این بازسازی ها ۳۶۴۷ صندلی بوده و در مجموع ۲۶۹۷ صندلی به ظرفیت سینماهای این استان افزوده شده است. البته تلاش ها به همین جا ختم نمی شود و نه تنها سینما سپاهان این شهر در دستور کار پروژه های بعدی است بلکه سایر نقاط این استان نیز در آینده از ظرفیت ها و تجهیزات نمایشی بهره مند خواهند شد.

به عنوان مثال شهر کاشان در سال آینده شاهد اخبار خوشی در این حوزه خواهد بود و مراغه نیز از داشتن پردیس بی نصیب نخواهد ماند. مناطقی چون سیاهکل که تا کنون سازه ای به نام سینما را در تاریخ خود نداشت در آینده ای بسیار نزدیک می تواند برای تامین خوراک فرهنگی مردم خود فضایی مناسب ایجاد کند. هر چند که این روزها به تنهایی نمی توان همه بار را به دوش کشید و کمک نهادها و سازمان های دیگر را از نظر دور داشت. افزایش قیمت ها، هزینه ساخت و ساز و نگهداری سینماها بالا رفته و تنها عشق به انجام خدمات فرهنگی امور دشوار را ممکن خواهد کرد.

البته سینما به فیلم خوب زنده است و این همه تلاش و زحمت با پخش فوتبال یا برگزاری کنسرت سینما پر مخاطب نمی شود. سینما با تولیدات خوب که حال و هوای ایرانی و اسلامی داشته باشد زنده می ماند. با این حال حوزه هنری در سال گذشته نیز، چندین پروژه بازسازی، نوسازی و سینماسازی را به سرانجام رسانده که بازسازی سینما آفریقا مشهد، بازسازی و توسعه سینما قدس تبریز، بازسازی کامل سینما «فلسطین» همدان به صورت دو سالنه، بازسازی و بهره برداری سینما «فلسطین» اصفهان و اولین پردیس سینمایی اصفهان به نام «خانواده» با چهار سالن، بازسازی سینما «آزادی» ارومیه، بازسازی سینما «آزادی» آبادان، بازسازی سینما بهمن تهران و... از جمله نمونه های آن است. علی رغم همه این تلاش ها معضل کمبود سالن

با گذشت یک قرن از ورود اولین دستگاه سینما توگراف به ایران توسط مظفرالدین شاه قاجار، دغدغه و تفریح رفتن به سینما نه تنها از رونق نیفتاده بلکه با پیشرفت علم و ظهور تکنولوژی جذابیت آن را صدچندان کرده است. طی این سال ها تعداد سینما روها بارها کم و زیاد شد و اگرچه امروزه با آمدن شبکه نمایش خانگی و VOD دسترسی مردم به تولیدات هنر هفتم آسان تر است اما هیچ وقت ارزش تماشای فیلم روی پرده نقره ای در سالن تاریک از سکه نیفتاد. کشور هنردوست ایران سینما را یکی از مهمترین عوامل جریان سازی فرهنگ می داند و ناگفته های بسیاری را از زبان فیلم ها به گوش میلیون ها نفر رسانده است. حرف هایی که گوش شنوا بسیار دارد و فضای شنیدن کم. به همین خاطر در سال های اخیر مسئولان فرهنگی کشور همه تلاش شان را جهت ایجاد فضایی مطمئن کرده اند تا آثار قابل توجه تولید شده در سینما به سمع و نظر مردم برسد و میان این سازمان ها و نهادهای فعال سینمایی؛ حوزه هنری هر ساله با افتتاح سالن هایی در اقصی نقاط کشور سهم قابل توجهی در حرکت رو به جلوی سینماسازی برداشته است.

این نهاد فرهنگی اهمیت سینماسازی را جدی گرفته و با جدیت بازسازی سینماهای قدیمی و ساخت سالن های جدید سینمایی را در دستور کار قرار داده تا جایی که با در اختیار داشتن بیش از ۱۰۰ سالن سینما به یکی از مهمترین سینما داران ایران تبدیل شده است. بنابر آمار رسمی حوزه هنری با تاسیس موسسه بهمن سبز از دهه هفتاد تا کنون خدمات بسیاری را در این عرصه انجام داده و در چهار سال اخیر توانسته است با تلاش شبانه روزی در شهرهای مختلف ایران بازسازی چندین سینمای کشور و احیای ۱۱ هزار صندلی را به سرانجام برساند.

از نیمه دوم سال ۹۲ تا کنون موسسه بهمن سبز بر اساس مسئولیت های تازه اش علاوه بر بحث ساخت و تجهیز؛ حوزه سینماداری را به شکل تخصصی تری پیگیری و با تحقیق و پژوهش های جدی در این باره وضعیت سینماهای حوزه هنری را بررسی می کند و بر اساس اولویت وارد فاز اجرایی می شود. محدود نشدن به تهران و شهرهای بزرگ جهت ایجاد سالن های تازه از



«مقاومت» در برابر چه چیز؟

امید سهرابی

فیلمی با نام مقاومت به نمایش درنیاید. دقتی که باعث شده است، جشنواره فیلم مقاومت به برندی بدل شود که مخاطبان از آن رضایت دارند؛ رضایتی که چند وقتی است که از خاطر مخاطبان سرسخت سینما بیرون رفته است؛ عدم رضایت از فیلم‌هایی که با تبلیغات به اصطلاح رنگی مخاطب را به سینما می‌کشاند اما وقتی مردم آنها را تماشا می‌کنند فقط یک کلمه در ذهنشان نقش می‌بندد و آن کلمه «هیچ» است، فیلم‌هایی که این روزها باعث دلزدگی بسیاری از سینما دوستانی شده است چندین سال است که فیلم‌های سینما ایران را دنبال می‌کنند.

در پایان - جشنواره فیلم مقاومت، جشنواره‌ای که هر ساله باعث قوت قلب فیلمسازانی می‌شود که به دور از ساخت فیلم‌هایی زرد، هنوز کار حرفه‌ای خود را پیش گرفته‌اند و سعی می‌کنند با ساخت فیلم‌های خود بخشی از فرهنگ، تاریخ را زنده کنند یا حرفی تاثیرگذار را با آثارشان در سطح کشور مطرح کنند. فیلم‌هایی که تاثیری آنها نه تنها درون کشور، بلکه بیرون از مرزهای کشور صدا به پا می‌کنند و سر زبان‌ها می‌افتند. حرف آخر اینکه نیاز وجود جشنواره‌هایی مانند مقاومت، در کشورمان بسیار حس می‌شود، جشنواره‌هایی که گرچه باید به مقاومت‌های گذشته‌مان بپردازند؛ اما باید سعی کنند گامی روی به جلو بردارند و خود ترسیم کنند و خط فکری باشند برای مقاومت‌های حال حاضر، مقاومت در برابر تهاجمات نرمی که برای کشورمان ایران برنامه‌ریزی می‌کنند، تا جمهوری نباشیم و از همه مهمتر اسلامی نباشیم.

تزریق کرده است؛ حرفی که از مقاومتی تازه می‌آید، مقاومت در برابر ضربه‌هایی از پشت سر، مقاومت برابر هجمه‌های فرهنگی. هجمه‌هایی که با بی‌تفاوتی می‌تواند بسیار مهلک باشد. در سال جشنواره‌های بسیاری برگزار می‌شود؛ جشنواره‌هایی که گرچه در سالهای اولیه برگزاریشان با فکر جلو می‌رفتند و برنامه ریزی داشتند؛ اما در حال حاضر با قطور و تناور شدنشان بی‌هدف جلو می‌روند و به اصطلاح نان قدمشان را می‌خورند.

جشنواره «مقاومت» چندین سال است با برنامه‌ریزی‌های جز به جز و شیوه‌ای جدیدی از مدیریت، باعث حیرت بسیاری از فیلمسازان مطرح کشور شده است تا جایی که بسیاری از آنها را مشتاق ساخته تا آثار تازه خود را در این جشنواره رونمایی کنند. اشتیاق بسیاری که باعث شد جشنواره مهمی چون جشنواره فیلم «فجر» که هر ساله حواس بسیاری از مردم و دوستداران سینما به خود متمرکز می‌کند اعلام کند که فیلم‌هایی که در جشنواره مقاومت رونمایی شوند می‌توانند در جشنواره «فجر» بار دیگر رونمایی شود و در بخش مسابقه و سودای سیمرغ شرکت کنند.

سوم - تاثیر جشنواره‌ای انقلابی روی مردم و سینما دوستان، تاثیری که هر ساله افراد بسیاری را جذب خود می‌کند و باعث شده است تا جدا از کاخ جشنواره، سینما فلسطین به کاخ اکران مردمی فیلم‌ها بدل شود. بسیاری از مخاطبانی که فیلم‌های جشنواره مقاومت را تماشا می‌کنند رضایتمند از سالن‌های سینما بیرون می‌آیند چرا که انتخاب فیلم‌های جشنواره مقاومت با دقت بسیاری صورت می‌گیرد و این دقت باعث شده است تا هر

نخست - پیش از انقلاب سینما مترادف بود با سرگرمی؛ البته نمی‌توان برخی از فیلم‌های با ارزش آن زمان را نیز نادیده گرفت، اما بعد از انقلاب ادبیات سینما تغییر کرد. لازم بود حرف‌هایی که چندین سال در گلو مردم رسوب کرده بود از زبان هنرمندانشان بیرون بریزد و فریاد فرهنگی دیگر را در حوزه هنر هفتم گسترده کنند. جشنواره‌ای راه‌اندازی می‌شود، فجر گونه، جشنی می‌شود برای هنر؛ و در سینما محدود نمی‌ماند، همه می‌آیند، با هر تفکری و هر نگاهی.

در این فضای جشن گونه سینمایی، لازم بود برخی مفاهیم به صورت مجزا پرداخته شود تا فراموش نکنیم مقاومت را. جشنواره‌ای لازم بود مقاومت گونه تا یادآوری کند در برابر چه چیز مقاومت می‌کنیم. زمانی شاه بود و زمانی دشمن بعثی، حالا در برابر چه چیز و چه کس باید مقاومت کرد؟

امروز سوژه مقاومت مشخص نیست، دشمن، شخص و کشور نیست، امروز باید در برابر هجمه تفکرات غلط و فرهنگ ضد انسانی که با گسترش نرم‌افزارهای ارتباط جمعی در حال گسترش است مقاومت کرد.

دوم - جشنواره فیلم مقاومت که امسال پانزدهمین سال خود را پشت سر می‌گذارد. جشنواره‌ای که در طی این چهارده سال برگزاری‌اش هر سال رنگی تازه بر رخسار سینمای امروز کشور جلوه گر می‌کند و باعث غنا بخشیدن به سینما کشور می‌شود؛ سینمایی که در سالهای گذشته گام‌های بسیار ارزشمندی در زمینه مقاومت برداشته است و امروز کمی از آن فاصله گرفته است. جشنواره مقاومت امروز حرفی تازه را به کالبد جشنواره‌های کشور



جشنواره فیلم مقاومت و نقش پررنگ حوزه هنری

انتخاب و داوری همچون: مرتضی سرهنگی، حبیب احمدزاده، بهروز نورانی پور، مهدی نقویان و ... تا همکاری‌ها و تعاملات گسترده دیگر در زمینه اطلاع‌رسانی، گفتمان‌سازی و حمایت‌های رسانه‌ای رسانه‌های حوزه هنری از این رویداد نهادینه شده در فرهنگ این مرز و بوم.

علاوه بر همه اینها، حوزه هنری در این دوره با ارائه دو فیلم سینمایی و تعدادی فیلم کوتاه و مستند حضور چشمگیری در بخش‌های محتوایی آثار و مسابقات هم، داشته است. در بخش فیلم‌های سینمایی، فیلم سینمایی «دایان» ساخته بهروز نورانی پور حضور داشت که علاوه بر دریافت تندیس بهترین بازیگر جشنواره در چهار بخش مسابقه: بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر نامزد برترین‌ها بوده است. همچنین، فیلم سینمایی تحسین شده «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر محصول مشترک حوزه هنری نیز در

جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی بعد از انقلاب است. این جشنواره در سال‌های اخیر با روند بالندگی و شکفتگی چشمگیر به یکی از اتفاقات تاثیرگذار و جریان ساز در عرصه منطقه و بین‌الملل تبدیل شده است. برای برگزاری این جشنواره مراکز و سازمان‌های مختلفی همواره، مشارکت داشته و دارند. حوزه هنری یکی از مهم‌ترین نهادهای حامی در حمایت معنوی و بعضاً، منابع نسبت به این جشنواره بوده است.

در چندین دوره جشنواره، برگزاری آئین‌های رسمی جشنواره در تالار اندیشه حوزه هنری صورت می‌گرفته و در دوره اخیر، نیز، حوزه هنری به اشکال گوناگون از این جریان فرهنگی و سینمایی حمایت کرده است.

از حضور موثر مدیران این نهاد در سازمان جشنواره مانند: یزدان عشیری مدیر روابط عمومی جشنواره، سیدمحمد حسینی مدیر بخش اسلام هراسی و ایران هراسی در سینمای غرب، دکتر وحید یامین پور مدیر بخش گفتمان فرهنگی انقلاب تا بعضاً، حضور مدیران و مستندسازانی نام آشنا در اضلاع هیات‌های



«مقاومت» قابل توجه است.

همچنین، حوزه هنری استان اصفهان در کنار برگزاری جشنواره در تهران متولی برگزاری جشنواره در استان اصفهان بوده است. جشنواره‌ای که با حضور سینماگران و هنرمندان و با پیش‌بینی برنامه‌های متعدد و متنوع از سطحی چشمگیری برخوردار بوده است. حضور چهره‌های ماندن: محمدعلی باشه آهنگر و نادر طالب‌زاده در اصفهان در کنار ده‌ها چهره سینمایی و هنری و مدیران فرهنگی استان به برگزاری این جشنواره در اصفهان غنای مضاعفی بخشیده است. حوزه هنری، همچنین، یک شب، میزبان میهمانان بین‌الملل جشنواره مقاومت در این دوره بوده است. میهمانانی چون: لوئیس کاسترو، دنیل کوهن، جان جیابویتو، رامش نارایان، و... که با گزینش درست و هدفمند تیم بین‌الملل جشنواره همگی از سرآمدان سینمای مستقل، ضدسلطه و ضدصهیونیسم بوده‌اند. بازدید این سینماگران از مهم‌ترین نهاد هنری و سینمایی انقلاب و حضور در گنجینه هنر انقلاب اسلامی، گالری‌ها و نمایشگاه‌های حوزه هنری به طور قطع، خاطرات و اثرات فکری و معنوی بسیاری را در اذهان این عزیزان ثبت کرده است.

جشنواره حضور داشته که علاوه بر انتخاب برای همزمانی جشنواره در لبنان، جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره و بهترین تصویربرداری را نیز، از آن خود کرده است. ضمن اینکه در اغلب بخش‌ها هم، نامزد برترین‌ها بوده است. در کنار این دو فیلم سینمایی، حضور آثاری چون: مستند سینمایی «ادوارد» به کارگردانی محمدباقر شاهین از محصولات مرکز مستند سوره حوزه هنری، سه فیلم کوتاه «تراس» محمد علیزاده فرد، «کانتینر ۴۰۱» امید میرزایی، «پنجشنبه» رضوانه فتحی از آثار گروه هنری کات وابسته به باشگاه فیلم سوره حوزه هنری، فیلم کوتاه «لوتوس» ساخته محمدرضا وطن‌دوست از محصولات حوزه هنری استان مازندران و فیلم کوتاه داستانی «ماجرای آن روز» به کارگردانی حسین شیخ از تولیدات حوزه هنری استان سمنان در بخش «روایت نو» جشنواره



حفظ هویت و فرهنگ

این کار به انجام رسید و فیلم انیمیشنی متولد شد.

ایده ساخت انیمیشن محراب آرامش چگونه شکل گرفت؟

با توجه به رشته تحصیلی‌ام که صنایع دستی بوده همیشه نقش‌هایی که بر روی آثار صنایع دستی می‌دیدم توجه من را به خودش جلب می‌کرد و کارهایی که ساخته‌ام بیشتر نقوش آثار صنایع دستی ایران هستند که جان گرفته‌اند و داستانی را برای ما روایت می‌کنند، این داستان هم درباره نقش قالی‌های مختلف است البته ایده اولیه این داستان برگرفته از داستان مذهبی یا ضامن آهوست که تغییر بسیاری کرده و متفاوت از حکایت اولیه آن است. انیمیشن محراب آرامش داستان آهوئی بارداری است که برای نجات جان فرزندش از فرش‌هایی با نقوش مختلف عبور می‌کند تا بالاخره در میان قالی با نقش محرابی به آرامش می‌رسد. «محراب آرامش» انیمیشنی است که برای مخاطب کودک ساخته شده هر چند انیمیشن هنری تاویل‌پذیر است و کاراکترهای داستان می‌توانند نماد و سمبل مضامین دیگری هم باشند. داستان یک کاراکتر اصلی و یازده کاراکتر فرعی دارد. این انیمیشن دو بعدی به صورت دستی و سنتی کار شده و با استفاده از نقوش سنتی و اصیل قالی و گلیم ایرانی روایت می‌شود.

رمز موفقیت این انیمیشن به نظر شما چیست؟ شاید وجود هویت در این کار مهم‌ترین نکته‌ای بوده که باعث شده انیمیشن محراب آرامش در کشورهای دیگر مورد توجه قرار گیرد. من سعی کردم در طراحی شخصیت‌ها، فضاسازی و انتخاب موسیقی کار همه هویت ایرانی احساس شود و داشتن هویت ایرانی نه در این کار که در ساخت همه فیلم‌هایی که تا به حال به انجام رسانده‌ام دغدغه اصلی‌ام بوده، هر چند متأسفانه در کار بسیاری از دوستان هنرمند می‌بینم سعی

انیمیشن «محراب آرامش» روایتی برگرفته از داستان «ضامن آهوست» که در قالبی بدیع و نو تولید شده و قصه آهوئی بارداری است که از فرش‌هایی با نقوش مختلف می‌گذرد تا در محرابی به آرامش می‌رسد. این انیمیشن از تولیدات حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد و به کارگردانی زیبا ارژنگ توانسته با حضور در ۳۵ جشنواره بین‌المللی بدرخشد و از این حیث رکورددار باشد. به همین بهانه گفت‌وگو با خالق این اثر را در زیر می‌خوانید:

در ابتدا خودتان را معرفی کنید:

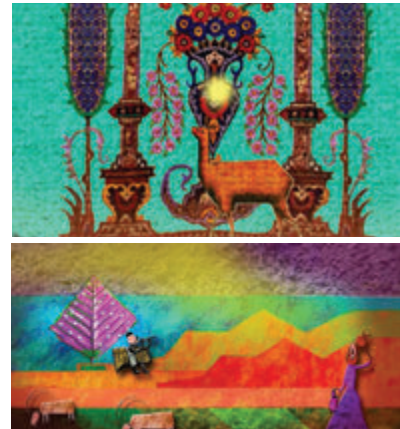
زیبا ارژنگ هستم. در خانواده‌ای اهل هنر و دوست‌دار هنر به دنیا آمدم. از پنج سالگی و شاید وقتی کوچک‌تر بودم تنها علاقه و سرگرمی‌ام نقاشی بود که این علاقه تا به امروز ادامه پیدا کرده با این تفاوت که امروز نقاشی‌های من در دنیای انیمیشن زنده شده‌اند و حرکت می‌کنند. من لیسانس صنایع دستی دارم، البته دوره انیمیشن موسسه فرهنگی هنری صبا که وابسته به صدا و سیما هست را گذرانده‌ام، همین‌طور از دوره فیلم‌سازی انجمن سینمای جوانان ایران و دوره تدوین مدرسه اینورس و دوره کارگردانی مدرسه ایده بسیار آموخته‌ام.

چند سال هست که به طور تخصصی در این رشته هنری مشغول هستید و چه آثاری را تولید کردید؟ از سال ۸۱ وارد حیطه انیمیشن شدم، ۷ سال به عنوان طراح و انیماتور در شرکت حور و صبا برای تلویزیون ایران کار کردم که شامل چهار مجموعه ۲۶ قسمتی برای کودکان بود، ماجراهای کوشا ۱، ماجراهای نیکی و نیکان، ماجراهای کوشا ۲، ماجراهای کوشا ۳، بعد از آن یک انیمیشن کوتاه با نام نقش با زمان ۷ دقیقه برای صداوسیما می‌مهاباد کار کردم. کار بعدی من انیمیشن «این پشه مزاحم» ۲ دقیقه برای دفتر مطالعات انقلاب اسلامی بود. فیلم بعدی من انیمیشن «پاتو بردار» با زمان دو دقیقه بود و انیمیشن بعدی من «شهر من سردشت» با زمان ۳ دقیقه را با تهیه‌کنندگی

انجمن سینمای جوانان ایران کار کردم. انیمیشن «محراب آرامش» را در ۴ دقیقه به سفارش حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد کار کردم. در حال حاضر مشغول ساخت مراحل پایانی انیمیشن «خورشید آسمان، خورشید کاشی» برای مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هستم. تاکنون با انیمیشن محراب آرامش در کدام جشنواره‌های استانی، ملی، بین‌المللی شرکت کردید؟

انیمیشن محراب آرامش تاکنون به ۳۵ جشنواره ملی و بین‌المللی راه یافته است که می‌توان به جشنواره آمریکا، گرجستان، چین، اسپانیا، هند، انگلستان، ایرلند، ونزوئلا، اوکراین، کره جنوبی، روسیه و ... اشاره کرد.

حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد چه حمایت‌هایی برای آموزش و تولید آثار هنری از شما داشته است؟ جا دارد از حمایت‌های حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد در ساخت این فیلم کمال تشکر را داشته باشم. آقای محمد شریف اسلامی رئیس حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد و اسحاق آقایی که بدون حمایت‌های ایشان بدون شک این کار ساخته نمی‌شد و به انجام نمی‌رسید. من فیلم‌نامه محراب آرامش را سه سال قبل نوشته بودم در سال ۹۵ فیلم‌نامه محراب آرامش جایزه سوم جشنواره روح‌الله را به عنوان فیلم‌نامه برتر انیمیشن از آن خود کرد. خوشحالم که با حمایت‌های حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد



می‌کنند از گرافیک و فضا سازی کارهای خارجی تقلید کنند.

در تولید آثار خود به تنهایی همه کارها را انجام می‌دهید یا کار گروهی هست؟

بله، مرحله پیش تولید و تولید کار که شامل طراحی کاراکتر و استوری‌برد و طراحی فضا و انیمیت و رنگ و کامپوزیت می‌باشد را به تنهایی انجام می‌دهم، اما در قسمت پس تولید که شامل تدوین و صداگذاری و موسیقی هست از دوستان متخصص کمک می‌گیرم. تدوین انیمیشن محراب آرامش را آقای بنیامین قچاق انجام دادند و زحمت طراحی صدای فیلم برعهده آقای علی‌دوستی بود.

چه کسانی در موفقیت شما نقش داشته‌اند؟
حتما حمایت‌های معنوی خانواده و تشویق‌های پدرم کلا همه اعضای خانواده ما به نوعی دل‌مشغولی و تفریحشان انجام یک کار هنری بود. مثلا خواهرم نقاشی می‌کشید، یکی از برادرهایم به صورت جدی می‌نوشت و ... همه این‌ها برای من که کوچک‌ترین عضو خانواده بودم یک جور موتور محرک بود و از هر کسی یک چیزی یاد می‌گرفتم و شاید ترکیب همه آن‌ها تبدیل به هنری شد که من شيفته آن شدم. انیمیشن هنری که ترکیبی از نقاشی و سینما و موسیقی و داستان است. در مورد اینکه حرفی بزنم و به علاقه‌مندان این رشته چیزی بگویم با همه سختی‌هایی که در راه هنر برایشان پیش می‌آید مخصوصا رشته انیمیشن دلسرد نشوند؛ همان‌طور که من بارها و بارها سعی کردم و دلسرد نشدم.

مهم‌ترین مشکلات بر سر راه فعالیت شما کدامند و چه نیازهایی را به لحاظ تامین مالی و حمایت معنوی دارید؟

حمایت مالی برای ساخت اثر، مهم‌ترین مشکل همه دوستان عرصه فیلم‌سازی است. من خیلی از کارهای مختلف فیلمم را به خاطر همین مسئله به تنهایی انجام می‌دهم و همین باعث

کند شدن روند تولید فیلم می‌شود. ایدئال‌ترین حالت ساخت انیمیشن به صورت گروهی است و متأسفانه بدون بودجه مناسب این مسئله امکان‌پذیر نیست.

حضور اثر شما در جشنواره‌های جهانی چه بازتاب‌هایی داشته است؟

بازتاب خوبی داشت و تا حدودی با دوستانی که در صنف انیمیشن در کشورهای دیگر فعال هستند آشنا شدم. افرادی که تا به امروز برای من ناشناس بودند، اما به واسطه حضور در جشنواره‌های مختلف با آن‌ها و هنرشان آشنا شدم.

چه صحبتی با مسئولان یا هر فرد دیگری که فکر می‌کنید در حوزه فرهنگ و هنر تاثیرگذار است دارید؟

افرادی که مثل من شغلشان ساختن فیلم کوتاه انیمیشن هست به حمایت و کمک‌های مسئولان و مدیران حوزه فرهنگ و هنر احتیاج دارند. از آنجا که نهادهای سفارش دهنده و حمایت‌کننده ساخت اثر در کشور ما محدود هستند پس ما بدون شک برای ادامه زندگی هنری خود و خلق اثر جدید به حمایت‌هایشان نیاز داریم.

اساتید شما چه کسانی بودند و در حوزه هنر به دنبال رسیدن به چه چیزهایی هستید؟

اولین استاد من پدرم بودند و با اینکه شغلشان ارتباطی به هنر نداشت طراح بسیار خوبی بودند. بعد از آن استاد هرمز حقیقی اولین استاد من در حیطه انیمیشن بودند در مرکز هنری صبا. همین‌طور در حیطه کارگردانی از استادانی چون بابک نکویی، داوود رضایی، کاوه قهرمان و آرمین ایثاریان بسیار آموختم. در حوزه هنر دوست دارم اندیشه و رویاهایم را به تصویر بکشم و ذهنیتی که دارم را به عینیت تبدیل کنم.

بیشترین موضوعاتی که در جامعه امروز نیاز به کنکاش دارند و نیاز هست از طریق زبان هنر به آن‌ها پرداخته شود کدامند؟

موضوعات بسیاری هست، تمام مشکلات و معضلات موجود در جامعه جای پرداختن دارد؛ از جمله آلودگی هوا، محیط زیست و ... ولی برای من هویت و فرهنگ ایرانی اهمیت بسزایی دارد چون احساس می‌کنم در حال فاصله گرفتن از هویت و داشته‌های باارزش فرهنگیمان هستیم.

شایان ذکر است وی با آثاری چون: انیمیشن شهر من سردشت (سه دقیقه‌ای)، انیمیشن پاتو بردار (دو دقیقه‌ای)، انیمیشن این پشه مزاحم (دو دقیقه‌ای) و انیمیشن نقش در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی حضور پیدا کرد و

جوایزی متعددی را از آن خود ساخت از جمله: برنده جایزه دوم بهترین انیمیشن برای فیلم «محراب آرامش» از جشنواره Acharya Tulsi Short Film Festival هند

۲۰۱۸ برنده بهترین انیمیشن جشنواره BRADFORD SMALL WORLD

FILMFESTIVAL انگلستان ۲۰۱۶

دریافت تندیس و دیپلم افتخار و کسب رتبه

اول بخش انیمیشن جشنواره روح‌الله برای

انیمیشن «شهر من سردشت» ۱۳۹۵ اصفهان /

دریافت تندیس و دیپلم افتخار و کسب رتبه

سوم برای فیلم‌نامه پویانمایی «محراب آرامش»

از جشنواره روح‌الله اصفهان ۱۳۹۵ / دریافت

نشان صلح و دوستی و دیپلم افتخار از هشتمین

جشنواره بین‌المللی فیلم وارث برای «شهر

من سردشت» ۱۳۹۳ / دریافت دیپلم افتخار

بهترین کارگردانی پویانمایی از اولین جشنواره

سما برای انیمیشن «شهر من سردشت» ۱۳۹۴ /

کسب رتبه اول انیمیشن جشنواره شمس برای

انیمیشن «پاتو بردار» ۱۳۹۳ / دریافت تندیس

و دیپلم افتخار کسب رتبه اول بهترین فیلم‌نامه

پویانمایی از هفتمین جشنواره حسنات اصفهان

برای نگارش فیلم‌نامه «پرند آرزوها» ۱۳۹۷ /

دریافت تندیس و دیپلم افتخار کسب رتبه اول

بهترین فیلم‌نامه پویانمایی از پنجمین جشنواره

حسنات اصفهان برای فیلم‌نامه «خورشید

آسمان، خورشید کاشی» ۱۳۹۴ / دریافت دیپلم

افتخار برای فیلم‌نامه پویانمایی «گلایه اما سیاه»

از چهل و چهارمین جشنواره منطقه‌ای کومش

سمنان ۱۳۹۵ / دریافت دیپلم افتخار برای

انیمیشن «نقش» از جشنواره منطقه‌ای سینمای

جوانان دنا ۱۳۹۱ و ...





مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری:

جای خالی قصه‌های «داستان راستان» در صنعت انیمیشن

مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری معتقد است داستان‌های دینی ما اگر به زبان انیمیشن برای کودکان روایت شوند، اثرگذاری تربیتی بسیار بالایی دارند.

«احسان کاوه»، مسؤولیت‌های مختلفی را در سازمان صداوسیما تجربه کرده و در طراحی و راه‌اندازی شبکه‌های افق، آی فیلم، تهران اچ دی و پرس تی‌وی نیز نقش داشته است. او این روزها مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری است و برنامه‌های متعددی برای تلویزیون تدارک دیده که عمده آنها ویژه نوجوانان بوده است. در ادامه گفت‌وگوی فارس با احسان کاوه را می‌خوانید:

چنین روندی کم پیدا می‌شوند که لازم است این موضوع به عنوان یک تخصص آموزش داده بشود.

در حال حاضر در این حوزه بیشتر به تربیت هنرمند نیاز داریم یا تکنیسین؟

واقعیت این است که به صورت کلان ما در حوزه هنر یک مشکل جدی داریم؛ در قدیم وقتی می‌خواستند، هنر را منتقل بکنند رابطه شاگردی استاد و مرید مرادی بود هم روش و هم منش منتقل می‌شد. استادی مثل ابوالحسن صبا پنج شاگرد داشت که همه آنها به شهرت رسیده‌اند؛ اما در حال حاضر دانشگاه‌های ما در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری تخصصی در حال تربیت هنرمند هستند.

در دانشگاه‌ها رشته‌های هنری وجود دارد که فارغ التحصیلان آن بین هنرمند بودن یا تکنیسین بلا تکلیف هستند که می‌شود چیزی که رخ داده است میل به هنرمند بودن در بین فارغ التحصیلان بیشتر است، در صورتی که تکنیسین واقعا لازم است. به طور مثال یک دانش آموز از دبیرستان به دانشگاه صدا و سیما می‌رود و گرافیک می‌خواند، خودش را با مرتضی ممیز مقایسه می‌کند. بعد در سازمان صدا و سیما مشغول به کار می‌شود و اوپراتور دستگاه‌های

به این عرصه سخت‌تر می‌کند.

معضلات و مشکلات انیمیشن زیاد است؛ اما من فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین مشکلات این حوزه آموزش است. دانشگاه‌های ما، فقط از دانشگاه کارگردان فارغ التحصیل می‌کنند؛ این در حالی است که یک پروژه انیمیشن بیش از سی وهفت تخصص مشغول به کار است. هیچ کدام از این تخصص‌ها به صورت آکادمیک هویت به آنها داده نشده به نظر من تحصیلات آکادمیک، دو سمت دارد اول اینکه یک تخصصی را به دانشجوی می‌دهد و دوم اینکه یک هویتی را به او می‌دهد. من وقتی سینما می‌خوانم و از دانشگاه می‌آیم بیرون دیگر خودم را جزو خانواده سینما حس می‌کنم.

یکی از معضلاتی که انیمیشن ایران درگیر آن است، افراد به آن بعنوان یک کار حرفه‌ای نگاه نمی‌کنند. در انیمیشن ایران؛ تعداد شرکت‌های فعال این حوزه، به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد، ما تیم تشکیل نمی‌دهیم و بیشتر انفرادی و موقتی فعالیت می‌کنیم و اگر تیمی هم داریم فقط در طول انجام پروژه وضعیت خوبی دارد و بعد از پایان پروژه تیم از هم می‌پاشد. شرکت‌ها و یا افرادی مثل تیم شاهزاده روم کم پیدا می‌شود که بعد از ساخت، شاهزاده روم به سراغ فیلیشاه بروند و بعد پروژه دیگر را آغاز کنند. چنین افرادی با

آقای کاوه اوضاع انیمیشن ایران را نسبت به جهان در حال حاضر چطور می‌بینید؟

فضای انیمیشن کشور دست جوان‌هاست. سینما وقتی در دنیا به وجود آمد؛ مدت زمان زیادی طول نکشید که در ایران هم سینما وارد شد. و ما جزو پیشگامان در این عرصه بودیم فرهنگ شفاهی در ایران بسیار قوی است زیرا ما آدم‌های مکتوبی نیستیم. جنس تصویر، به فرهنگ شفاهی ما خیلی نزدیک است به همین خاطر من فکر می‌کنم خیلی سریع سینما وارد ایران شد و تلویزیون نیز در ایران خوب شکل گرفت.

تقریبا در تمامی تکنیک‌های انیمیشن ما آدم‌های درجه یکی را در ایران داریم. بعضی از این افراد به دلیل کمبود پروژه از ایران رفته‌اند و الان در کمپانی دیزنی مشغول به کار هستند به خصوص در تکنیک دو بعدی دستی که آثار کمی تولید می‌شود؛ اما افرادی که در ایران حضور دارند، واقعا افراد درجه یکی هستند. اگر بخواهیم با کل دنیا مقایسه کنیم ما در هیچ زمینه‌ای چیزی کم نداریم و در عرصه هنرهای تصویری واقعا حرفی برای گفتن داریم و انیمیشن هم از این قاعده مستثنی نیست.

ولی تقریبا بر هیچکس پوشیده نیست که دنیای انیمیشن مشکلاتی دارد که ورود غیرمتخصص‌ها را

کاراکتر جنراتور (اسم را تایپ می کند روی کامپیوتر و می رود روی آنتن) می شود.

مشکلی که در اکثر حوزه های تخصصی وجود دارد این است که متخصصین بعد از فارغ التحصیلی سر جای خود قرار ندارند.

در رشته های هنری تخصص و نیاز سرچایش نیست و این ماجرا خیلی جدی است. یک کار انیمیشن که می خواهد تولید شود به طور مشخص، یک سینمایی نیاز به دو یا سه نفر آرتیست دارد. کسی که یک جوشش دورنی باعث می شود یک متن عجیب و غریب، یک کاراکتر زیبا را خلق کند مابقی تیم سی و هفت نفره همگی تکنیسین هستند.

فارغ التحصیلان دانشگاهی از دانشگاه که بیرون می آیند خود را آرتیست می دانند، و به همه آنها عنوان کارگردان هم می دهند. فرض کنید دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه هنر، صدا و سیما و سوره دانشجوی انیمیشن فارغ التحصل کنند؛ اگر این ها ده تا دانشجو فارغ التحصیل کنند در سال یعنی سالی ۴۰ نفر فارغ التحصیل شده اند و ما بعد از ۵ سال دویست نفر فارغ التحصیل انیمیشن داریم که همه آنها عنوان کارگردان دارند؛ اما در ایران دویست پروژه انیمیشن تولید نمی شود. اگر به این ها تخصصی تر نگاه می شد به جای اینکه فوق لیسانس باشد کاردانی بود و این دویست نفر فارغ التحصیل در سی و شش پروژه مشغول به کار می شدند. و ما به جای اینکه که کارگردان فارغ التحصیل بکنیم، تکنیسین فارغ التحصیل می کردیم این ها هویست دارند. مثلا فارغ التحصیل می گوید من کارم طراحی هویت صحنه یا فیلم نامه نویسی در انیمیشن است.

آقای کاوه شما فکر می کنید می توان صنعت انیمیشن را دانش بنیان دانست؟

موافق لفظ صد در صد انیمیشن دانش بنیان نیست. اما اگر به این صنعت با این دید که در تولید آثار انیمیشنی حداقل ها مانند یک رایانه متصل به جریان الکتریسیته لازم است؛ نگاه کنیم متوجه کم مصرف بودن این صنعت می شویم.

در این تولید خبری از مصرف سایر انرژی ها و سخت ها نیست در حقیقت صنعت کم مصرف و پربازده. در مثال عینی تر ما در شهرهای مختلف ایران که مشکل کمبود آب داریم؛ تیم های انیمیشن خوبی داریم. به عنوان مثال در شهرهای خوزستان، آذربایجان، کاشان و به طور مثال در کرمان سه شرکت انیمیشن در حال فعالیت است که ما انیمیشن سینمایی لوپتو را در کرمان با مشارکت شرکت فراسوی ابعاد در حال تولید هستیم. همه توان و تلاش ما

بعنوان یک نهاد دولتی باید این باشد که کمک کنیم؛ اگر بتوانیم با دید اشتغال زایی به ماجرا نگاه کنیم حتما اتفاقات خوبی برای مملکتمان رقم می خورد. در هر کار انیمیشن، حدود بیست و پنج نفر با آن مستقیم در ارتباط هستند و از هر کار سینمایی حدود یک و نیم تا دو سال به بیست و پنج خانواده ارتزاق می رسانند.

این در حالی است که ما از لحاظ محتوا هم جایگاه خوبی داریم.

بله. فرهنگ و زندگی از ایده های واقعی و ارزشمند برای تولیدات فاخر انیمیشن ما پر است. خردسالان و کودکان سه تا پنج سال ما زمانی که زبان، باز می کنند به آنها می آموزیم، زمانی که می خواهند از پله بالا بروند یا علی (ع) بگویند ما سرشار از محتوا هستیم. اگر کودک به درستی هدایت شود می تواند در ده سالگی نهج البلاغه بخواند. یکی از خطبه های حضرت علی (ع) برابری می کند با آن چیزی که تفکر غرب بر روی آن بنا شده است.

گاهی نگاه ما به تاریخ تحولات بشریت از غرب می آید و غرب هم ادوار مختلفی چون قرون وسطی، رنسانس و ... را سپری کرده است. در چنین شرایطی ما خودمان را با آنها مقایسه می کنیم در حالی که تاریخ ما اصلا این میزان بدبختی را نداشته است. من نمی خواهم وارد بحث جامعه شناسی بشوم ما خیلی غنی هستیم و گنج های گرانباتری را داریم، حتما باید به آن توجه بکنیم.

در حالی که هالیوود این میزان از محتوا را ندارد و بیشتر بر روی پردازی بنا نهاده شده است.

بله. هالیوود با رویا پردازی برای خود تاریخ ساخته است. غرب می آید؛ یک کارتن می سازد به نام خانواده کروودز (The Croods) و قصه در مورد یک خانواده در عصر هجر است. این خانواده شامل پدر، مادر و فرزندان است، پدر نماد زور است و دختر خانواده عاشق پسری می شود که نماد عقل است. پدر در تمام قصه سعی دارد با زور همه چیز را حل کند اما قدرت پدر در همه جا پاسخگو نیست و عقل پسر پیش برنده است در نهایت پدر می فهمد که عقل مهم است. تمدن غرب بر پایه عقل بنا شده است. این فیلم ایدئولوژی می گوید عقل برای ما حجت است. عقل برای شیعه یکی از حجت هاست. ما قرآن، عترت، ائمه اطهار و اجماع را داریم این ها حجت ما برای تصمیم گیری است. کجا باید این حجت ها را به بیان قابل درک برای کودک تبدیل کنیم؟ ما دو چالش در این زمینه داریم یکی تبدیل این حجت هاست و دومی وجود تیم سازنده است که بتواند آن را تولید کند.

فانتزی یکی از زیر ساخت های حیات دنیا دینی است از حوزه علمیه توقع داریم به این حوزه ها ورود بکند و متنی را برای کودک آماده کند. مثل کاری که شهید مطهری در کتاب داستان راستان انجام داد. انیمیشن مال کودک و نوجوان است. حیات دینی کلماتی مثل تسوکل کردن، قناعت کردن، برکت داشتن و ... اساسا فانتزی است؛ می گویند هزار تومان بابرکت و بی برکت و زنش با هم فرق می کند این آخر فانتزی است.

راه حل شما برای این موضوع چیست؟

راه حل برون رفت از این ماجرا اول آگاهی است و بعد ترمیم زیر ساخت ها، آموزش و هویت دادن به عوامل و تثبیت شغل آنهاست. مثلا انیمیشن فیلشاه، ایده یک خطی آن را وقتی دو الی سه سال پیش یکی برای من تعریف کرد لذت بردم. سپاه ابابیل؟! یک فیل در سپاه ابرهه سر پیچی می کند، از این زاویه تا حالا به ماجرا نگاه نکردیم بعد چه اتفاقی می افتد در فیلم نامه، تدوین، دکوپاژ دچار مشکل می شود به خاطر اینکه ما متخصص های آن عرصه را نداریم.

نقش تلویزیون در تولید این انیمیشن ها چیست؟

در ایران بین کسی که خلاقیت و ایده اش را را می خواهد بروز بدهد و آن کسی که می خواهد سرمایه گذاری کند هیچ حوضی وجود ندارد که این افراد در کنار هم قرار بگیرند. پیچینگ کاری است که تولید کننده انجام می دهد برای اینکه خریدار یا سرمایه گذار را مجاب بکند با او همکاری کنند. در تمام دنیا و در صنایع خلاق این اتفاق می افتد ولی در ایران در حوزه انیمیشن این اتفاق نیفتاده است و تا الان به این گونه بوده کسانی که دسترسی به صبا و امثال من داشته اند کار را تولید می کردند و حق آنها را که ما مارفیک نیستند ضایع می شد. از آن بدتر فساد و لابی این مدلی رخ می دهد. قیمت ها شفاف نیست و هر کسی با رقم های مختلف پیشنهاد تولید را می دهد. پیچینگ عمده این مشکلات را حل می کند که انشاء الله اسفندماه در ایران با نما نام رویازی به معنی زیست رویاها همزمان با دوسالانه انیمیشن، پیچینگ برگزار خواهد شد. انیمیشن لوپتو، انیمیشن کوتاه آقای گوزن و برنامه های تلویزیونی همچون فاز و مکث که از رسانه ملی پخش شد و چه برنامه های که مثل در حلقه رندان، هنر بین، و ... در حال پخش از رسانه است همه در همین راستا گام برداشته اند و ما ملکف به تکلیف هستیم. این برنامه ها در جریان است و تعریف کردنی ها هم کم نیست؛ اما آنچه که ماندنی است و قائل به شخص نیست رویازی است.



قربانی، دبیر جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰»:

جشنواره «فیلم ۱۰۰» در خدمت مردم و مسئولان

در سینما «برای ایجاد فضاهای خبری، تبلیغی و ترویجی باید در خدمت بسیاری از دستگاه‌ها و سازمان‌هایی نظیر: راهنمایی رانندگی، بهزیستی، محیط زیست یا فدراسیون فوتبال، و... قرار گیرد خاطر نشان ساخت: هر کدام آنها می‌توانند از طریق حمایت در تولید به این جشنواره حمایت کنند تا به واسطه ساخت فیلم‌ها، پیام‌های اخلاقی دستگاهشان به مردم انتقال پیدا کند.

قربانی با بیان اینکه در دوره دوازدهم این جشنواره در قالب بخش‌های مسابقه سینمای ۱۰۰ ثانیه ای ایران شامل: بخش اصلی، بخش مسیر تجربه (مسابقه فیلم‌های مستند، داستانی و پویانمایی)، مسابقه سینمای ۱۰۰ ثانیه‌ای جهان در زمینه فیلم‌های داستانی، مستند و پویانمایی برگزار می‌شود عنوان کرد: همزمان با سال حمایت از تولید ملی و حمایت از کالای ایران بخش ویژه جشنواره در این دوره به این موضوع اختصاص داده شده است.

وی اضافه کرد: حمایت از تولید ایرانی (ایران ساخت)، حمایت از تولید کالا و خدمت دانش‌بنیان ایرانی، فرهنگ تولید محصولات باکیفیت ایرانی، پویای ملی و حمایت مردمی از تولید کالا و خدمات دانش‌بنیان باکیفیت ایرانی، تأثیرات مخرب خرید کالاهای خارجی، واردات بی‌رویه و غیرقانونی (قاچاق کالا)، معرفی کسب و کارهای نوین و استارت‌آپ‌ها، تولید ثروت از علم و فناوری و معرفی اقتصاد دانش‌بنیان از جمله موضوعاتی است که در این بخش ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد.

دبیر جشنواره «فیلم ۱۰۰»، اخلاق و سبک زندگی، ترویج مفاهیم اخلاقی همچون قانون‌مداری، گذشت، سعه صدر، ایثار، ترویج الگوی انسان انقلاب اسلامی، خانواده الگوی ایرانی اسلامی، فرهنگ اصیل ایرانی و نگاه دوباره به زندگی و زدودن غبار روزمرگی از موضوعات این دوره جشنواره عنوان کرد و یادآور شد: تلاشمان بر این بود تا سراغ موضوعات و مفاهیمی برویم که در جامعه معاصر کاربردی و اثرگذار باشد.

وی با بیان اینکه جشنواره «فیلم ۱۰۰» با برنامه ریزی منسجم و بلندمدت در حال انجام است یادآور شد: خوشبختانه، از زمان انتشار فراخوان تا آخرین مهلت دریافت آثار یک بازه زمانی مناسب را پیش‌بینی کردیم که این تدبیر می‌تواند کمک کند تا علاقمندان و متقاضیان به شرکت در جشنواره با صبر و حوصله نسبت به تولید اثر یا آثارشان اقدام نمایند. علاقمندان به شرکت در جشنواره تا دی ماه فرصت دارند آثارشان را به دبیرخانه جشنواره ارائه نمایند.

شایان ذکر است دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» به همت حوزه هنری اسفندماه سالجاری در تهران برگزار می‌شود.

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» اسفندماه سال جاری در کشور برگزار می‌شود.

علی قربانی دبیر این رویداد سینمایی با اشاره به استقبال گسترده فیلمسازان و تهیه‌کنندگان حوزه سینمای کوتاه از این جشنواره خبر داد: علاقمندان تا آخر دی ماه فرصت دارند آثارشان را برای دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند. وی افزود: اخلاق، سبک زندگی و خانواده مهم‌ترین رویکرد جشنواره «فیلم ۱۰۰» حوزه هنری است. امیدواریم با بهره‌گیری از تجربه دوره‌های گذشته حرکت مناسب و متفاوتی را رقم بزنیم.

دبیر جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» با اشاره به اهمیت و جایگاه تولیدات کوتاه و فیلم‌های ثانیه‌ای در جامعه امروز خاطر نشان ساخت: در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که نیازمند اشاعه هر چه بیشتر فرهنگ اخلاق‌مداری در جامعه هستیم. متأسفانه در حال حاضر برخی قسمت‌های جامعه ما از بی‌اخلاقی رنج می‌برد. به عنوان مثال: بی‌اخلاقی در آپارتمان‌نشینی، بی‌اخلاقی در رانندگی، برخی مناسبات روزمره و... وظیفه هنرمندان و سینماگران است روی اخلاق جامعه کار کنیم.

قربانی با بیان اینکه سینمای اخلاق سینمای تذکر است و باید روی مخاطب تأثیرگذار باشد گفت: سینما به عنوان رسانه‌ای نافذ، مروج و تأثیرگذار بدون شک، در ترویج بسیاری از هنجارهای اجتماعی و نکات اخلاقی می‌تواند نقش آفرین و تعیین‌کننده باشد. مشکل بی‌اخلاقی در جامعه ما از طریق سینما حل می‌شود و خصوصاً، سینمای کوتاه و یا ۱۰۰ ثانیه‌ای تأثیر خوبی در اشاعه اخلاقیات دارد.

وی این‌گونه آثار را برای شرایط امروز جامعه مفیدتر و موثرتر خواند و عنوان کرد: در جامعه شتابان و عجول امروز که اوقات فراغت معنای واقعی‌اش را از دست داده و چرخه سریع روند فعالیت و روزمرگی اجازه تمرکز و فراغت را نمی‌دهد ضریب وقت‌های خالی و حوصله مردم هم به شدت پایین آمده است. شاید از دلایل دوری بخش‌هایی از مردم با سینما همین باشد. در این شرایط، بسته‌های فرهنگی و تفریحی سهل‌الوصول و فیلم‌های کوتاه و ثانیه‌ای حرف اول را می‌زنند.

وی اضافه کرد: با رشد صنعت الکترونیک و توسعه فضاهای مجازی و گسترش روزافزون دامنه شبکه‌های اجتماعی زندگی پیوندی ناگسستنی با این فضاها دارد؛ پس بهترین، موثرترین و آگاهی‌بخش‌ترین محصول عرضه فیلم‌های کوتاه در این ظرفیت‌هاست. فیلم کوتاه نیاز جامعه امروز است. و جشنواره فیلم ۱۰۰ نسبت به بسیاری از جشنواره‌های کشور با متن زندگی جامعه رابطه عمیق‌تر و کاربردی‌تری دارد.

دبیر جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» با بیان اینکه مدیوم «۱۰۰ ثانیه‌ای

کوچک زاده رئیس حوزه هنری یزد: ضرورت توجه به کارگاه‌های آموزشی



هزینه‌ها می‌توان فیلم‌های خوبی تولید کرد. کوچک زاده افزود: باید با اتخاذ تدابیر مناسب زمینه بازگشت سرمایه در حوزه فیلم کوتاه داستانی، مستند و سینمای تجربی برای فیلم‌سازان و فعالان این عرصه فراهم شود. وی ادامه داد: می‌توان با برنامه‌ریزی هدفمند، بخش عمده‌ای از هزینه جشنواره‌ها را به کارگاه‌های آموزشی، ارتقای دانش فیلم‌سازان جوان، کیفی‌سازی فیلم‌ها و تولید آثار بعدی هنرمندان اختصاص داد. این مقام مسئول با اشاره به مشارکت هنرمندان در برگزاری جشنواره فیلم رضوی گفت: در استان یزد هنرمندان متولی برگزاری جشنواره هستند که این امر موجب بلوغ و تجربه آنان می‌شود. رئیس حوزه هنری یزد در پایان ضمن قدردانی از برگزارکنندگان و دست‌اندرکاران جشنواره فیلم رضوی گفت: بی‌تردید با حمایت ویژه از فیلم‌سازان جوان در سال‌های آینده شاهد آثار خلاقانه و باکیفیت‌تر در این جشنواره خواهیم بود. گفتنی است، سیزدهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه مستند و داستانی رضوی ۲۷ تا ۲۹ آبان و مراسم اختتامیه ۳۰ آبان در یزد برگزار شد.

رئیس حوزه هنری یزد گفت: بیشتر هزینه جشنواره‌ها باید صرف کارگاه‌های آموزشی و پشتیبانی تولیدات بعدی هنرمندان شود. رئیس حوزه هنری یزد برگزاری جشنواره فیلم رضوی به میزبانی یزد را فرصتی برای معرفی ظرفیت‌های استان و استعدادهای هنری جوان دانست. محمدمصدق کوچک‌زاده به نقش مؤثر این جشنواره در تولید آثار ارزشمند و ارتقای توانمندی فیلم‌سازان جوان اشاره کرد و گفت: این جشنواره توانسته در کشور جریان‌ساز باشد و تکرار این گونه جریان‌سازی‌ها در حوزه فرهنگی می‌تواند اتفاق‌های خوبی را رقم بزند. وی با بیان اینکه موضوع این جشنواره بیشتر در مورد فرهنگ رضوی و سبک زندگی اسلامی-ایرانی است، افزود: آثار خوبی در سال‌های اخیر توسط هنرمندان و فیلم‌سازان سراسر کشور در بخش‌های داستانی کوتاه و مستند مرتبط با جشنواره تولید و موجب افزایش اعتبار این رویداد سینمایی شده است. رئیس حوزه هنری استان گفت: هنرمندان، سینماگران و علاقه‌مندان باید با حضور خود بر رونق و گرم‌تر شدن این رویداد هنری در استان بیفزایند. این مقام مسئول، قیمت تمام شده بسیار بالای فیلم را از جمله مشکلات فیلم‌سازان برشمرد و بیان داشت: به‌رغم مشکلات با بهره‌وری و مدیریت

بازیگر فیلم سینمایی «دایان»:

مقاومت تنها در جنگ خلاصه نمی‌شود

مقاومت بر روند تولید فیلم‌هایی از این دست، عنوان کرد: حدود ۱۵ سال از برپایی این جشنواره می‌گذرد و جای کار کردن دارد. مقاومت تنها در جنگ خلاصه نمی‌شود، بلکه در پشت جبهه نیز اتفاق می‌افتد و قرار نیست ما تنها در آتش و دود و گلوله باشیم و من از جایی می‌آیم که این موضوع را لمس کردم. این بازیگر برگزیده در توضیح مفهوم مقاومت گفت: مقاوم یعنی ایستادگی برای یک هدف و این حسی است که بعد از سی سال کار در عرصه هنر و پایداری در این راه در من به وجود آمد.

فیلم منتخب جشنواره بود و حتما چیزی در فیلم دیده شده که من را به عنوان بازیگر برگزیده انتخاب کردند. باباییان افزود: تلاش می‌کنم چیزی که کارگردان می‌خواهد را بازی کنم و خوشبختانه بهروز نورانی پور خیلی به من کمک کرد و این با توجه به تجربه کافی نیست، اما همراه با کارگردانم یکدیگر را درک کردیم و طی چند جلسه‌ای که با آقای نورانی پور داشتیم و بحث کردیم، متوجه ویژگی‌های یکدیگر شدیم. وی در خصوص تأثیر برگزاری جشنواره فیلم

ناصر باباییان برنده تندیس بهترین بازیگر جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت به خاطر بازی در فیلم «دایان» ساخته بهروز نورانی پور گفت: مقاومت تنها در جنگ خلاصه نمی‌شود، بلکه در پشت جبهه نیز اتفاق می‌افتد و قرار نیست ما تنها در آتش و دود و گلوله باشیم. «ناصر باباییان» برنده تندیس بهترین بازیگر در فیلم «دایان» نورانی پور در خصوص اینکه این چندمین تجربه همکاری اوست، گفت: در حال حاضر حدود ۳۰ سال است که در حوزه سینما، تئاتر و تلویزیون در شهر خودمان هستیم. «دایان»

فیلم «پله‌های یک منبر» نشانگر تضاد رژیم پهلوی با مقدسات مردم



عنوان کرد و گفت: امروز به برکت انقلاب اسلامی و خون مطهر شهدا، مراسم سوگواری حضرت امام حسین (ع) نه تنها در ایران بلکه در مناطق مختلف جهان با شکوه خاصی برگزار می‌شود. این هنرمند با بیان اینکه برپایی این عزاداری‌ها به راحتی و آسودگی حاصل نشده، بیان کرد: امروز با توجه به توطئه دشمنان و فضایی که ایجاد کرده‌اند، خاندان پهلوی در پی تطهیر جنایات و بی‌گناه جلوه دادن خود است و اینجاست که ما می‌توانیم نشان دهیم چقدر آنان با اهل بیت (ع) و مقدسات مردم در تضاد بوده و با این همه جنایت و خیانت، امروز حافظه تاریخی خود را فراموش کرده‌اند.

عباسی افزود: این اثر محصول مشترک حوزه هنری استان یزد و مرکز مستند سوره است که تولید آن بیش از دو سال به طول انجامید. نویسنده و کارگردان «پله‌های یک منبر» دلیل طولانی شدن روند تولید فیلم را لزوم بهره‌گیری از کاراکتر اصلی فیلم در مقاطع مختلف عنوان کرد و گفت: ما مجبور بودیم تصویربرداری را در زمان‌های خاص به‌ویژه ماه محرم انجام دهیم که همین عامل موجب طولانی شدن روند پیشرفت کار شد.

این فیلم‌ساز ابرکوهی که هم‌اکنون در حال تولید نخستین فیلم سینمایی خود است، در خصوص لوکشین‌های مستند «پله‌های یک منبر» بیان کرد: با توجه به داستان فیلم که در زمان رضاخان می‌گذرد، بیشتر تصویربرداری کار در بافت سنتی و تاریخی شهرستان ابرکوه انجام شد.

عباسی ادامه داد: تمام لباس‌های بازیگران و آکسسوار صحنه نیز از شهرک سینمایی غزالی تامین شد که با ترکیب گریم و گویش ویژه، دوره زمانی خاصی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند و او را به سال‌های دور می‌برد.

این کارگردان با اشاره به حضور حدود ۶۰ بازیگر، هنرور و عوامل فنی در این اثر گفت: سید نورالله حسینی دوست، ثریا شهبازیان، شهرروز چقازردی، مسیح ریاحی، سید امیرمحمد زارعی و سپیده سادات احمدزاده از جمله نقش‌آفرینان اصلی این مستند داستانی هستند. سایر عوامل فیلم عبارتند از دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: بهناز زحمتکش، مدیر تولید: مجید آزادگان، مدیر تصویربرداری: محمدجواد دهقان، صدابردار: حمید زبیاکلام، منشی صحنه: زهرا اسدی، طراح صحنه: حبیبه گلمکانی، تیراژ و جلوه‌های ویژه بصری: وحید ربانی، طراح چهره‌پردازی: بهناز علیمحمدی، طراحی و ترکیب صدا: امین شریفی، تدوین: علی گورانی، مجری طرح: سید محمد رضا قائم محمدی، طراح لباس: عاطفه صالحی و عکاس: امیر جلالی.



کارگردان فیلم «پله‌های یک منبر» گفت: امروز به برکت انقلاب اسلامی و خون شهدا، مراسم عزاداری حضرت امام حسین (ع) نه تنها در ایران بلکه در مناطق مختلف جهان با شکوه خاص برگزار می‌شود. اصغر عباسی فیلم‌ساز یزدی، در خصوص تازه‌ترین اثرش گفت: این مستند داستانی به ممنوع بودن عزاداری و روضه‌خوانی حضرت سیدالشهدا (ع) در دوره رضاخان و رژیم منحوس پهلوی اشاره دارد و گوشه‌ای از جنایات و برخورد رژیم ستم‌شاهی با برگزارکنندگان مراسم سوگواری اهل بیت (ع) را روایت می‌کند.

وی افزود: موضوع اصلی این مستند، یکی از پیرغلامان و ذاکران اهل بیت (ع) در شهرستان ابرکوه است که در زمان رضاخان دایه‌هایش به جرم روضه‌خوانی و برپایی مراسم عزاداری سید و سالار شهیدان توسط عوامل رژیم پهلوی به قتل رسیدند.

عباسی هدف از تولید این اثر را ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و نشان دادن عشق و ارادت همیشگی مردم ایران به ائمه اطهار (ع) و همچنین دشواری برگزاری مراسم عزاداری در دوران خفقان طاغوت

علی توکلی زانیانی:

فیلم سازی برای مقاومت لزوما پرخاش به جنگ نیست

ما تلاش کردیم تا با کمترین هزینه این فیلم ساخته شود. سکانس گشوده شدن در و ورود دسته عزاداری بدون کات فیلم برداری شده است و بسیاری از کسانی که در این فیلم بازی کرده اند خودشان در پشت صحنه کارهای بسیاری را برای بهتر شدن کار هماهنگی بیشتر و ... انجام می دادند.

توکلی زانیانی با بیان اینکه موضوع مقاومت در این سال ها به ژانر تبدیل شده است، گفت: در سینمای جهان ژانر جنگ و ضد جنگ وجود دارد اما سینمای دفاع مقدس و مقاومت مسئله ای بسیار متفاوت تر از این دو ژانر بیان شده است. امروز سینمای مقاومت به تنهایی یک ژانر به حساب می آید؛ زیرا می توان در این حوزه به موضوعاتی پرداخت که به شکل مستقیم به جنگ ارتباطی نداشته باشد اما در زمره فیلم های مقاومت به حساب بیاید. به عنوان مثال فیلم «تافر دا» از هیچ المان جنگ، نبرد، جبهه، داعش و ... استفاده نکرده است اما به نحوی به موضوع مدافعان حرم پرداخته که در زمره فیلم های مقاومت مطرح می شود در جشنواره شرکت می کند و جایزه نیز کسب می کند. این مسئله نشان دهنده وسعت کار و آزادی عمل در ژانر مقاومت است.

وی درباره اهمیت سینمای مقاومت نیز گفت: سینمای مقاومت به دلیل باز تولید ادبیات مقاومت در جامعه و پرداختن به ابعادی که شاید از چشم پنهان مانده باشد، اهمیت بسیار زیادی دارد. افکار عمومی، مخاطبین و همه کسانی که در معرض پیام سینمای مقاومت قرار می گیرند، مسئله پرداختن به موضوع ضد جنگ، صلح، ایثار و شهادت و از این دست عبارات را در چرخه دیگری می بینند؛ همین مسئله نقطه قوت سینمای مقاومت است. باز تولید ادبیات مقاومت در جامعه می تواند یک ملت را برای رویارویی با بسیاری از اتفاقات آماده کند و همین مسئله خود بازگو کننده اهمیت این ژانر به حساب می آید.

علی توکلی زانیانی، کارگردان فیلم کوتاه «تافر دا»، درباره ساخت اثرش گفت: ژانر جنگ و ضد جنگ در جهان وجود دارد اما فیلم هایی با موضوعات دفاع مقدس و سینمای مقاومت مخصوص انقلاب اسلامی است. از همین رو در این ژانر می توان به ابعاد مختلف دفاع مقدس و مقاومت پرداخت و فیلم سازی درباره آن لزوما پرخاشن به موضوع جنگ نیست.

علی توکلی زانیانی، کارگردان فیلم کوتاه «تافر دا...»، درباره ایده ساخت این فیلم که به موضوع مدافعان حرم می پردازد، گفت: در فیلم «تافر دا» سعی شده است به چند موضوع پرداخته شود؛ نخست اینکه در این فیلم تلاش شده موضوع قضاوت زود هنگام را به چالش بکشیم. از طرفی مسئله شمر خوانی و تعزیه محرم نیز به تصویر کشیده است. در این اثر می بینیم که یک تعزیه خوان به شهادت می رسد و به عنوان مدافع حرم مطرح می شود خود یک المان مخصوص برای معرفی شخصیت اصلی به حساب می آید.

وی ادامه داد: در شهرستان زانیاں چهار محال و بختیاری پدر بزرگ میزبان هیئت ها و تعزیه های بسیاری در منزل خودش بود. از همین رو کاملاً با فرهنگ این شهرستان در ایام محرم و صفر، عزاداری و تعزیه آشنایی کامل دارم. متأسفانه کسانی که به عنوان شمر خوان در تعزیه حضور دارند دچار حواشی و مشکلاتی می شوند. به همین دلیل در ابتدای فیلم به این موضوع نیز اشاره می شود. در اینجا بود که بحث قضاوت زود هنگام را نیز به داستان اضافه کردیم. این فیلم به جز یک اعلامیه ترجیم که عکس مدافع حرم را روی خود دارد از هیچ المانی استفاده نکرده است. این کارگردان درباره هزینه ساخت اثرش نیز گفت: حوزه هنری از ما حمایت مالی کرد اما این حمایت کافی نبود؛ مبلغی را روی مبلغ حمایتی گذاشته و آن را ساختیم. اگر حمایت مالی بیشتری از ما صورت می گرفت، قطعاً خروجی کار کیفیت بسیار بیشتری داشت. اما





«دایان»؛ نماسازی هنرمندانه از رد پای داعش

که فیلمی هر چند میانه در کارگردانی و ساده در فیلمنامه، اما درون لوکیشنهایی سخت کوهستانی و برفی بسازد. بنابراین تولید اینجور فیلمها کار هر فیلمسازی نیست هر چند اینجاست که عیار فیلمساز مشخص خواهد شد که چقدر تکنیک و فرم را می‌شناسد.

در «دایان»، برخلاف تصور آنچنان هم رد پای کارگردانی ایرانی حس نمی‌شود. زاویه دید به درون مردمی می‌رود که انگار واقعا زخم دیده‌اند و نه مایی که صرفا خبر خوانیم و پیگیر ماجرا. البته قصه پر زد و خورد درون لوکیشنهایی که طبیعی‌اند و پر از برف و بوران دشواری مضاعفی دارد که لااقل این فیلم با بضاعت در امکانات مثل بازیگران و طراحی‌های دیگر از پس آن بر نخواهد آمد. اما همین قصه کوچک درون میزانشن بندی‌های عادی نیز، گوشه چشمی از ماجرای مخوف داعش را تذکر می‌دهد.

هر چند که واقعا بازی‌ها نیز بد نیستند و کاراکترها تعریف شده و زیادی هم بازی‌شان به چشم می‌آید. به نظر فیلمی است که هم قرار نیست نمودی شاخص در سینمای ایران باشد اما اینقدرها هم بدسیما نیست که از پس حوصله بیننده سینما خارج باشد و آن را پس بزند.

«دایان» فیلمی است هر چند به لحاظ سینمایی متوسط و تعریف با عیاری بالا هم از سینما ندارد، اما عاری از سادگی است و در فضا سازی طبیعی کوهستان و طراحی‌های سنگین قابل دیدن است خصوصا اینکه در حد تلنگر برای ورود به این نوع قصه‌ها کار خودش را می‌کند.

ساخت برخی فیلمها بیش از آنکه جسارت بخواهد، به شکل وافر سخت است و دغدغه جدی می‌طلبد. پدیده‌هایی هستند که بالاخره باید در قاب هنر و سینما هم دیده شوند؛ همانند پدیده عجیب داعش که فجایعش به یکی دو تا فیلم خلاصه نخواهد شد. جای این سوال وجود دارد که اصلا مگر می‌شود آنچه آنان کرده‌اند را بی پروا و رک در فرم سینما به رخ کشید و آیا سینما چنین ظرفیتی را مگر داست!

متأسفانه باید اینقدر دم از این سبک فیلمها زد، و مدام ساخت و روی پرده آورد، تا نمایی از ردپا و خوی آنان را به تصویر کشید. «دایان»؛ نه اولین فیلم بلکه از اولین تولیدات سینمایی است که سراغ حکایت‌گری فجایع این گروهک تروریستی می‌رود. فیلمی ساده و مهجور از امکانات، که با بکار گرفتن بازیگرانی کرد زبان، تلاش می‌کند نمایی سیاه از اقدامات گروه تروریستی داعش در کردستان و جز آن را نماسازی کند.

بهر روز نورانی پور، داستانی کوچک و موجز را به دست گرفته که شاید در قامت بسیاری از فیلم‌های خوب سینمای ایران نباشد، ولی حاصل نتیجه‌ای قابل احترام نسبت به عملکرد اوست.

«دایان» فیلمی حکایت‌گر بر زندگی مردمی ظلم دیده از افراتی‌گری، با اطرافیانی گرفتار در دست داعش و هر آنچه که موثر از خرابه‌های آنان است... قصه اما فقط درون خرابه‌ها که با طراحی صحنه امکان پذیر است جا خوش نمی‌کند بلکه سراسر صحنه‌هایی سخت است تا ماجرای ضخم و واقعی آن را به چشم مخاطب بچسباند.

قطعا فیلمساز، باید اینقدر عشق به موضوع و تعهد داشته باشد





«عرق سرد»؛ یک تصفیه حساب شخصی

وقتی یک موضوع برای فیلمسازی از چشمه کینه و نفرت الهام بگیرد نتیجه‌اش تصفیه حسابی شخصی به دور از واقعیت می‌شود که نمونه بارز آن فیلم «عرق سرد» ساخته سهیل بیرقی است. بعد از دیدن فیلم و بیرون آمدن از سینما تنها چیزی که برای مخاطب می‌ماند تنفر است.

سینمای جهان از سال ۲۰۱۳ به صورت جدی به سمت جریانی پیش می‌رود که در آن مفاهیم و داستان‌های همجنس‌گرایانه و ترغیب افراد به دگر جنس‌گرایی وجه غالب و برجسته آن است. این سینما از نمایش بی‌پرده و بی‌پروای همجنس‌گرایی نوجوانان هم‌ابایی ندارد. فیلم «Love, Simon» محصول ۲۰۱۸ به کارگردانی Greg Berlanti درباره پسری دبیرستانی به نام سایمون اسپیر همجنس‌گراست که این موضوع را به کسی اعلام نکرده است. فیلمی که بر اساس یک رمان پر فروش ساخته شده است. یا فیلم «مرا با نام خود صدا بزن» و یا حتی «مهربان» و ده‌ها فیلم دیگر. سیطره معنایی و مفهومی همجنس‌گرایی در این فیلم‌ها بیداد می‌کند و برخی آثار حتی از ساختارهای هنری‌اش فاصله گرفته و به آثار تبلیغاتی جنسی تبدیل شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه این فیلم‌ها به دلیل وجود صحنه‌های جنسی آشکار از «MPAA/سیستم درجه بندی فیلم‌ها توسط انجمن تصاویر متحرک آمریکا درجه بندی سنی NC-۱۷ (درجه بندی سنی ممنوع شده برای ۱۷ سال و زیر ۱۷ سال یا And No One Under Admitted» افراد ۱۷ سال و زیر ۱۷ سال به هیچ وجه مجاز به تماشای این فیلم‌ها نیستند. حال آن که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فیلمی روی پرده می‌رود که حتی برای مخاطبان آن هم درجه بندی سنی صورت نمی‌گیرد. این موج در یکی دو سال اخیر ظاهر، در سایه غفلت متولیان حوزه فرهنگ و هنر و به دلیل مشغله‌های بیش از حد این عزیزان وارد سینمای ایران هم، شده است. فیلم‌هایی چون

«مادر قلب اتمی» و «عرق سرد».

با فضایی که هم برای این اثر در جشنواره فجر فراهم شده می‌توان تحلیل کرد که اوضاع وخیم‌تر از حد غفلت است. معلوم نیست با این ریل‌گذاری در وزارت ارشاد این قطار تا به کجاها خواهد رفت؟ خوشبختانه، هنوز بخش‌هایی از جامعه نسبت به ورود و گسترش این نوع بیماری‌ها و ویروس‌ها حساس هستند و نمی‌توان از هوشیاری حوزه هنری و برخی رسانه‌های جریان فرهنگی انقلاب غافل بود.

«عرق سرد» یک فیلم ضد خانواده است. بنیان‌ش بر «خانواده گریزی» است. این فیلم کاملاً بر محور تفکر لیبرالیسم غربی می‌چرخد که عموماً، بنایش را بر لذت‌جویی و رضایت خودمحورانه می‌گذارد و به نقش مادری و همسری بدبین‌اند و معتقدند که با اصلاح قوانین و ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه می‌توان به اهداف برابری طلبانه رسید. «افروز» شخصیت اصلی فیلم تنها به خودخواهی‌های خودش فکر می‌کند. به ابتدایی‌ترین حقوق همسرش توجه نمی‌کند. جدا از همسر و با نشانه‌ها و کدهایی که می‌دهد با «پارتنر»ش زندگی می‌کند. یک آدم بریده و بی‌ریشه از خانواده که حتی، ترجیح می‌دهد در خیابان و ماشین بخوابد اما به خانواده خودش هم، برنگردد.

فیلم با هنجارهای اجتماعی در چالش است. با قوانین، حاکمیت و مذهب در جنگ است. به اسم حقوق مدنی یک زن و رشد زنان در جامعه تمامی ساختارهای خانوادگی را منکوب می‌کند. سازندگان فیلم متأثر از موج ژورنالیستی دفاع از حقوق زنان فراموش کردند که دفاع از حقوق زن با له کردن و بی‌توجهی به حقوق مرد به دست نمی‌آید. مشکل فیلم زیاده خواهی و گردن‌کشی و رفتارهای فراقانونی زنی است که حاضر نیست بدیهی‌ترین وظایف زناشویی را بپذیرد. آن نگاه منقلب و دلشکسته «افروز» وقتی که دوست و شریکش ... تنها پیش می‌گذارد و راه خودش را سوا می‌کند گویای همه چیز است.

فیلم اساساً، با جنس مرد عناد دارد. این عناد و کینه تا به حدی است که کارگردان را از ترسیم شخصیت واقعی یک مرد و مجری ورزشی هم دور می‌سازد. کجای رسانه ملی یک مجری ورزشی با بسم‌الله‌النور برنامه را شروع می‌کند. نمونه برنامه‌هایی که مجریان ورزشی از عادل فردوسی پور تا مزدک میرزایی و ... کدامیک این گونه ریاکارانه و تصنعی با پیراهن یقه دیپلمات، محاسن، انگشتر فیروزه و با آن ادبیات برنامه ورزشی اجرا می‌کنند. کارگردان برای اینکه حتی مرد فیلم را وحشی، سنگدل و یک حیوان مریض جلوه دهد قوانین و مقتضیات حقوقی و دفتری را هم نادیده می‌گیرد و وقتی اجازه نامه را پاره می‌کند همه چیز را سیاه می‌بیند. ولی کارگردان باید بداند مخاطب آگاه تر از آن است که با قصه سرهم بندی شده تو را باور کند و نداند یک سند محضری در دفاتر متعدد ثبت می‌شود.

نکته دیگر اینکه همه آدم‌های مذهبی فیلم بدذات، پلید و ریاکار، دو به هم زن و کثیف معرفی می‌کند. به عنوان مثال مهرانه نوری، سرپرست تیم فوتسال، زنی چادری که روی مخ است و به طرز پر دافعه‌ای مدام به بانوان فوتبالیست، حجاب را تذکر می‌دهد. در نمازخانه برای نماز ریاکاری می‌کند و برای موفقیت تیم، قرآن دور سرشان می‌چرخاند. یا زن کج خلق چادری که کارمند فدراسیون. فیلم مدام نشانه‌های مذهبی را به سخره می‌گیرد و نوعی تنفر و اشمئزاز تولید کند. وقتی خانم نوری، مغرورانه در راهروی فدراسیون در حرکت است و افروز در دربار پی‌اش می‌دود، می‌بینیم که پرچم علی‌بن‌ابی‌طالب توسط افرادی روی دیوار فدراسیون نصب می‌شود. در جای جای فیلم نمادگذاری و نشانه‌گذاری‌های ضد دینی و هنجار شکنانه را شاهد هستیم. البته، انتخاب زمان اکران این فیلم در مقطعی که رئیس سازمان سینمایی ارشاد در حال خداحافظی است و سازمان صاحب ندارد خیلی رندانه صورت گرفته است. / تسنیم

«سرو زیر آب» برنده دو جایزه از جشنواره مقاومت



فیلم سینمایی «سرو زیر آب» دو جایزه از پانزدهمین جشنواره فیلم مقاومت را از آن خود کرد. در آیین اختتامیه پانزدهمین جشنواره بین المللی فیلم مقاومت که در برج میلاد تهران برگزار شد، دو جایزه این جشنواره به فیلم سینمایی «سرو زیر آب» رسید. در این مراسم لوح تقدیر و جایزه نقدی بهترین فیلم بردار به علیرضا زرین دست برای فیلمبرداری سرو زیر آب و جایزه ویژه، تندیس، لوح افتخار و جایزه نقدی بهترین کارگردانی به محمدعلی باشه آهنگر برای کارگردانی فیلم سرو زیر آب اهدا شد. بابک حمیدیان، مسعود رایگان، رضا بهبودی، مینا ساداتی، همایون ارشادی، مهتاب نصیر پور، هومن برق نورد، ستاره اسکندری و شهرام حقیقت دوست در این فیلم به ایفای نقش می پردازند. در خلاصه داستان «سرو زیر آب» که فیلمنامه آن توسط محمدعلی باشه آهنگر و حامد باشه آهنگر نوشته شده، آمده است: راز جهانبخش کرامت فاش می شود؟ این راز خواب چپستا، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفته خواهد کرد. جهانبخش برای اثبات بی گناهی و بازگشت آرامش سفر بلندی را آغاز می کند؛ سفری که پایانش زندگی بسیاری از آنها را تغییر می دهد. «سرو زیر آب» با مشارکت موسسه تصویر شهر، بنیاد سینمایی فارابی و حوزه هنری تولید شده است و اکران آن در سینماهای سراسر کشور ادامه دارد.

یک منتقد و روزنامه نگار سینمایی:

«سرو زیر آب» پر بازیگر، موفق و مخاطب پسند است



داوود کنشلو از منتقدان سینمایی با اشاره به اکران فیلم سینمایی سرو زیر آب تازه ترین ساخته محمدعلی باشه آهنگر معتقد است: «سرو زیر آب» پر بازیگر، موفق و مخاطب پسند است. این منتقد سینما گفت: باشه آهنگر در فیلمسازی و سینمایش از همان ابتدای راه، نشان داد، دفاع مقدس دغدغه اصلی وی در سینماست، برای همین در اکثر کارهایش این موضوع را به صورت ویژه مد نظر قرار می دهد. وی ادامه داد: این فیلمساز با ساخت فیلم تحسین شده «فرزند خاک» توانست نظر منتقدان و اهالی سینما را به سمت خود جذب کند. در این فیلم سینمایی به موضوع تفحص شهدا پرداخته می شد، البته به صورتی که تا به حال نظیر آن را در تولیدات سینمایی شاهد نبودیم. به گفته وی، بعد از «فرزند خاک» وی سراغ موضوعی درام و خانوادگی رفت که در آن به نوعی دیگر به دفاع مقدس پرداخته شده بود. این فیلم «بیداری رویاها» نام داشت؛ فیلمی که قصه اش بسیار جسورانه بود، اما بنا به دلایلی غیر سینمایی، این کار آنچنان که باید دیده نشد. در ادامه، باشه آهنگر باز هم به دفاع مقدس پرداخت. «ملکه» عنوان این فیلم سینمایی است. این کار توانست تحسین منتقدان و مردم را جلب کند، همچنین در جشن خانه سینما و جشنواره فجر، فیلم جوایز بسیاری را به خود اختصاص دهد. کنشلو معتقد است: سینمای دفاع مقدس ژانر

مورد علاقه باشه آهنگر است، اما به شرطی حاضر به فیلم ساختن در این حوزه است که کار مورد نظر کیفیت لازم را دارا باشد. این خواسته نیز در گرو فراهم بودن امکانات است. باشه آهنگر بارها تاکید کرده بود که فیلم ساختن بدون امکانات در حوزه دفاع مقدس در حقیقت ظلم به دفاع مقدس است. وی ادامه داد: باشه آهنگر بعد از شش سال با فیلم «سرو زیر آب» باز هم نگاهی جدید به دفاع مقدس دارد. در این فیلم، فیلمساز علاوه بر کارگردانی نویسندگی را هم به همراه پسرش بر عهده دارد. تهیه کنندگی فیلم بر عهده حامد حسینی است و قصه فیلم به اتفاقاتی که در معراج شهدا و نورد لوله اهواز رخ داده مربوط می شود. از جمله امتیازات فنی این فیلم می توان به فیلمبرداری خیره کننده علی رضا زرین دست می توان اشاره کرد، به نحوی که می توان از هم اکنون وی را یکی از کاندیداهای اصلی سیمرغ در بخش فیلمبرداری دانست. این منتقد سینما اضافه کرد: دیگر امتیاز این فیلم به جلوه های ویژه این فیلم مربوط می شود. محسن روز بهانی جلوه های ویژه این کار را انجام داده است. این کار سینمایی سعی کرده در موسیقی نیز از بهترین فرد سود برد، برای همین حسین علیزاده آهنگسازی کار را انجام داده است. درباره «سرو زیر آب» می توان به این نکته نیز اشاره کرد که فیلم در شهرهای مختلفی از جمله؛ تهران، یزد، لرستان و... جلوی دوربین رفته است. وی با اشاره به حضور بازیگران متعدد در این



فیلمی که روی امیر دریادار سیاری تاثیر گذاشت اثری وفادار به واقعیت‌های دوران دفاع مقدس

که حدود ده هزار کشتی تجاری و نفتکش را در آن دوران اسکورت کردیم. این فرمانده ارتش ادامه داد: از این ده هزار کشتی تنها ۲۵۰ کشتی موشک خورد که از این تعداد فقط ۲۵ کشتی از بین رفت که در دنیا چنین آماری نمونه ندارد. چنین آمار حیرت‌انگیزی بدون ایثار و از جان گذشتگی عزیزان نیروی دریایی امکانپذیر نبود. در یکی از عملیات‌ها موشک به برد راست کشتی که انبار تیرآهن بود اصابت کرده بود و از برد چپ کشتی خارج شده بود. شدت موج برخورد بالا بود و کشتی نیز دچار حریق شده بود و همه سربازانی که در سامانه دفاعی کشتی حضور داشتند بر اثر موج انفجار اعضای بدن‌شان از هم جدا شده بود. یعنی هر جا مفصلی در بدن بود قطع شده بود و تکه‌های پیکر این عزیزان در دریا پخش شده بود.

او در ادامه گفت: تصور کنید اجزای بدن پانزده انسان در سطح آب بود و ما آنها را جمع کرده بودیم و حالا باید شناسایی می‌شدند. چنین موردی در فیلم «سرو زیر آب» نیز دیده می‌شود که برای شناسایی پیکر برخی شهدا دچار مشکل می‌شوند و چنین مشکلی در زمان جنگ به وفور دیده می‌شد. به یادم دارم از هم‌زمان شهدا می‌پرسیدیم که فلانی وقتی صبح به عملیات می‌رفت چه کفشی به پا داشت یا در بدنش علامت مشخصه‌ای دارد؟ که به این ترتیب بتوانیم آنها را شناسایی کنیم. این کار بسیار سخت بود و من بارها در زمان جنگ با این مساله مواجه شدم.

امیر دریادار حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران، «سرو زیر آب» را اثری وفادار به واقعیت‌های دوران دفاع مقدس می‌داند.

امیر دریادار حبیب‌الله سیاری فرمانده سابق نیروی دریایی ارتش و معاون هماهنگ کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره فیلم «سرو زیر آب» گفت: فیلم را اثری خوب و تاثیر گذار می‌دانم. بسیاری از صحنه‌های فیلم درست شبیه واقعیت بود، آنچه درباره شهدا، معراج شهدا و تحویل پیکرها می‌بینیم شبیه به وقایع زمان جنگ بود. کارگردان و نویسنده فیلمنامه در مسیری گام برداشته‌اند که در نهایت فیلم شبیه به آنچه در سال‌های دفاع مقدس دیده‌ایم، شده است.

سیاری در جواب این پرسش که آیا زمان جنگ تجربه‌ای مشابه شخصیت‌های فیلم داشته است یا نه گفت: دشمن با کمک استکبار جهانی تلاش می‌کرد به اقتصاد کشور ضربه بزند و از آنجایی که ۹۰ درصد صادرات و واردات ما در حوزه نفت و کالاهای تجاری از مسیرهای دریایی مبادله می‌شوند، آنها سعی داشتند کشتی‌های تجاری ما را مورد هدف قرار داده، بنادر ما را ناامن کنند و اقتصاد کشور را دچار ورشکستگی کنند. به همین خاطر در کمین بودند که کشتی‌های تجاری ما را با هواپیما و موشک مورد هدف قرار دهند. ما در ارتش نیروی دریایی برای آنکه بتوانیم از اقتصاد کشور دفاع کنیم عملیات‌های داشتیم به نام اسکورت کشتی‌های تجاری و نفتکش

حجت الاسلام مازنی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نمایش یکپارچگی و اتحاد یک ملت

حجت الاسلام مازنی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی بعد از تماشای فیلم سینمایی «سرو زیر آب» طی یادداشتی نوشت: فیلم «سرو زیر آب» اثر آقای باشه آهنگر را در برنامه جشنواره مقاومت در سینما فلسطین دیدم، نگاه تحسین برانگیز و هنرمندانه فیلم‌ساز به زوایای کمتر پرداخته شده دوران دفاع مقدس با پرهیز از فضای کلیشه‌ای و نمایش یکپارچگی و اتحاد یک ملت با فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و ادیان مختلف در برابر دشمن. ایران رنگین کمان زیبایی از تنوع اقوام، فرهنگها و مذاهب است.

مردمانی که سالها در این سرزمین در کنار هم با عنوان ایرانی زندگی کرده‌اند و در زمان‌های دشوار تاریخی تکیه‌گاه یکدیگر بودند. نمونه مانای این اتحاد دوران جنگ تحمیلی ست که در طول آن همه اقوام و مذاهب شهید تقدیم کشور کرده‌اند. «سرو زیر آب» فیلمی است که هر ایرانی بعد از دیدن آن احساس غرور خواهد کرد. به همه عوامل این فیلم خدا قوت می‌گویم.





باشه آهنگر کارگردان «سرو زیر آب»:

ذائقه سینمایی مردم معطوف به چند موضوع خاص شده

کارگردان فیلم سینمایی «سرو زیر آب» با اشاره به فضای این فیلم خاطرنشان ساخت: قصه این فیلم در بحبوحه کربلای ۵ که در سال ۶۶ رخ داد و در ادامه عملیات سنگین عراق که علیه خطوط ما شکل گرفت، وارد می‌شویم و به درد و رنج خانواده‌هایی که به دنبال پیدا کردن عزیزان شان به اهواز رجوع کرده‌اند می‌پردازیم. ما در این پرداخت، سعی کردیم به رنج مشترک بین قومیت‌ها و ادیان مختلف اشاره کنیم. درد ناشی از این واقعه دایره وسیعی را دربرگرفت و گروه‌های مختلف را شامل شد. وی با اشاره به دلیل طولانی شدن روند ساخت این فیلم اظهار داشت: سرمایه‌گذار نداشتیم. برخی از سرمایه‌گذاران بخش دولتی به دنبال فیلم‌های کاملاً سفارشی هستند و شرایط سرمایه‌گذاری برای فیلمی با نگاه آزادانه در حوزه جنگ را ندارند. ۱۶ بار فیلمنامه را بازنویسی کردیم زیرا اساساً همه به دنبال طرح سوژه‌های معمولی در حوزه جنگ هستند و اگر درد جنگ را بیان کنیم

محمدعلی باشه آهنگر کارگردان فیلم سینمایی «سرو زیر آب» در گفتگویی با بیان اینکه دفاع مقدس هنوز فضای زیادی برای پرداخت آثار سینمایی دارد گفت: زیرا پژوهش‌های بیشتر، همیشه به من نشان داده که هنوز ناگفته‌های بسیاری از آن روزهای سخت داریم. در هر حال، هر هنرمندی دغدغه‌ای دارد و من تا زمانی که لایه‌های مختلف وقایع دفاع مقدس مسئله ذهنی‌ام باشد، فیلم‌ها را با این موضوع روی پرده سینما می‌برم. وی ادامه داد: سینمای دفاع مقدس برای من مهم‌تر از دیگر موضوعات سینمایی است. تماشای فیلم‌های موفق در موضوعات مختلف را دوست دارم اما ساخت فیلم‌هایی درباره معضلات خانواده‌های شهدا و اشاره به شرایط امروزی، برای من جذاب‌تر است. بسیاری از زوایای جنگ هنوز بیان نشده و پر از فراز و نشیب‌های جذاب از منظر سینمایی است و مهم‌ترین دلیل از نظر من، آگاه سازی جامعه نسبت به این اتفاق‌ها است.



اشاره:

محمدعلی باشه آهنگر یکی از موفق‌ترین سینماگران دفاع مقدس است. آثار او همواره با استقبال جامعه منتقدین سینمایی کشور همراه بوده و به دلیل پرداختن به مضامین و موضوعات خاص جنگ فیلم‌هایش همیشه تمایزات و تفاوت‌های آشکاری با سایر تولیدات سینمای دفاع مقدس داشته است. به بهانه اکران فیلم تازه این سینماگر دفاع مقدس در سینماهای کشور گفتگویی با وی انجام دادیم که می‌خوانید:



با مشکلاتی از جهت‌های مختلف، از جمله منتقدان روبه‌رو می‌شویم.

وی اضافه کرد: گاهی نقدها را می‌خوانم و با خود فکر می‌کنم کسی که هیچ دانشی نسبت به پشت پرده عملیات جنگ‌ها ندارد و حتی اطلاعی درباره فعالیت فرمانده‌ها در دوره‌های مختلف ندارد، با چه پشتوانه‌ای به نقدنویسی اثری که هزاران تحقیق برای تولید آن انجام شده، می‌پردازد. برخی دیگر هم منتظر تکرار حرف‌های گذشته هستند، در حالی که فعالیت من در سینمای دفاع مقدس به قصد بیان ناگفته‌های جنگ است. تکرار یک زاویه مشخص از یک پدیده، پاسخ درستی درباره جنگ به مخاطب نمی‌دهد. ما باید در فیلم دفاع مقدس سوال‌ها و پاسخ‌هایی منطقی از طرف جوان‌ها، رزمندگان و سیاستمداران را مطرح کنیم که دلالت‌های اجتماعی و بروز داشته باشد.

باشه آهنگر با یادآوری پروسه تحقیقاتی این فیلم گفت: ما با افراد معراج اهواز گفت و گو کردیم و لیستی از کسانی که آن دوره فعالیت داشتند را تهیه کردیم و به سراغشان رفتیم. عده‌ای شهید شده بودند و

عده‌ای اندک در دسترس ما بودند که از اطلاعات شان بهره برده ایم. وقایع را از زبان آنها شنیدیم و تا حد زیادی قصه را برای تبدیل به فیلمنامه رقیق کردیم زیرا مخاطب امروز دلیلی برای تحمل این میزان سختی برای تماشای فیلم سینمایی ندارد.

این کارگردان سینمای ایران که در چندین پروژه سینمایی‌اش از همکاری علیرضا زرین دست به عنوان فیلمبردار برخوردار بوده عنوان کرد: زرین دست فیلمبرداری صاحب سبک است که آماده میزانشن‌های سخت است. او نورپردازی، انتخاب لنز و... را با نگاه حرفه‌ای و کاملاً متفاوتی انجام می‌دهد. زرین دست علاوه بر مهارت و تجربه حرفه‌ای که دارد، با فیلمنامه همدلی دارد و با توجه به سابقه حضورش در سینما، نگاهی پدرا نه برای حفظ منافع گروه دارد.

وی در خصوص بازخوردها نسبت به فیلم خاطرنشان ساخت: از بین صد مخاطب، بالای ۹۵ نفر با رضایت و احساس افتخار به پرچم کشور و این همزیستی مسالمت آمیز بین اقوام و ادیان مختلف، از سالن بیرون آمدند.

به گفته وی در دفاع مقدس ده‌ها موضوع

بکر و ناب وجود دارد که کافی است با کمی جست‌وجو به آن‌ها دست یافت. اقلیت‌های مذهبی در دفاع مقدس یکی از اقشاری بودند که کمتر به آن‌ها پرداخته شده بود. برای همین سعی کردیم تا با رفتن به سراغ موضوعی بکر، در کنار جذابیت بصری، کشش موضوعی نیز در کار مورد توجه قرار گیرد.

این کارگردان افزود: این چنین جلسات، نقدها و صحبت‌ها برای من بسیار ارزشمند است. امیدوارم که فیلم مورد توجه فعالان فضای مجازی، منتقدین و خبرنگاران قرار گرفته باشد تا در فضای مجازی به نحوی برجسته شود که مخاطبین علاقه‌مند بتوانند این فیلم فاخر را در سالن‌های سینما ببینند.

باشه آهنگر درباره ذائقه و سلیقه مردم در حوزه سینما گفت: متأسفانه ذائقه و سلیقه مردم در سال‌های گذشته معطوف به چند موضوع خاص شده است. دفاع مقدس یکی از موضوعاتی است که باید به شکل ویژه بدان پرداخته شود و مخاطب برای دیدن آن به سالن بیاید و این فیلم را نیز ببیند. باید با جریان‌سازی این نزدیکی و تنوع برای مخاطب به وجود بیاید تا بتوانیم شاهد اکران فیلم‌ها در تنوع بیشتر باشیم.



گزارشی از کارگاه انتقال تجربه در حوزه هنری اصفهان

سخت‌ترین کار در جنگ فیلمبرداری از شهداست

باشه آهنگر از خاطرات کودکی خود و نقش پدر و مادرش در شکل‌گیری علاقه‌اش به هنر و روایت هنری و داستان‌گویی گفت و تصریح کرد: مادرم تمام تعزیه‌ها را از حفظ برای ما پیش از فرارسیدن محرم می‌خواند چراکه دایی‌ام تعزیه خوان بود، علاقه من به داستان‌گویی و روایت از این زمان شکل گرفت. من از دوره راهنمایی نمایشنامه کار می‌کردم، اولین نمایشنامه جدی که تماشاگرها برایم دست زدند را از روی نمایش معروف سربداران کپی کرده بودم که در یک حسینیه در آبادان اجرا شد. مهمترین اتفاقی که موجب فیلمساز شدن من شد اتفاقی بود که در جنگ برایم افتاد. من زمانی در تبلیغات جنگ کار می‌کردم، کار بچه‌های فیلمبردار را دیده بودم و به آن علاقه داشتم تا اینکه یکروز برای شهادت محمدرضا پروین یکی از دوستانمان به من زنگ زدند و من نتوانستم فیلمبردار را پیداکنم و ناچار وسایل را برداشتم و از این اتفاق فیلمبرداری کردم.

وی ضمن بیان شیرین بودن نخستین تجربه فیلمبرداری خود گفت: همین ماجرا و دیدن فیلم

فیلمبرداری از شهدا کار سختی است و تأثیر عجیبی در روحیه من داشت، یکی از سخت‌ترین کارها در جنگ فیلمبرداری از پیکر شهداست که نه تنها از نظر فیزیکی بلکه از نظر روحی نیز باید مقاوم باشی.

کارگردان فیلم «سرو زیر آب» در کارگاه انتقال تجربه که در عمارت سعدی حوزه هنری استان اصفهان برگزار شد گفت: هرچه بخواهید در شهر اصفهان برای فیلمسازی هست، زیبایی معماری، خیابان‌های خلوت و نور، رنگ، هنر و... اگر در فضای اصفهان ایده مناسبی داشته باشید بسیار خوب است، اینجا خطوط عمودی، منحنی و افقی و نور متفاوتی دارد، شما حتی پاییز را در اصفهان به خوبی می‌بینید اما دیگر شهرهای ایران این امکانات را ندارد تهران بسیار شلوغ است و شما برای فیلمبرداری در بازار یا اماکن دیگر دچار مشکل می‌شوید.

وی افزود: یک فیلم خوب، فیلمی است که ایده آن در ذهن شما بالا و پایین شده باشد و از ذهن خودتان تراوش شده باشد و در شما وجود داشته باشد و آن را پرورش دهید.

من توسط معاون فرمانده سپاه قرارگاه باعث شد که وی دستور دهد تا من به عنوان فیلمبردار مشغول به کار شوم. فیلمبرداری از شهدا کار سختی است و تأثیر عجیبی در روحیه من داشت، یکی از سخت‌ترین کارها در جنگ فیلمبرداری از پیکر شهداست که نه تنها از نظر فیزیکی بلکه از نظر روحی نیز باید مقاوم باشی.

کارگردان فیلم «سرو زیر آب» خاطرنشان کرد: تمام چیزهایی که در کارگردانی من نقش داشته است از اینجا می‌آید و تجربه بازیگری، فیلمبرداری، زندگی و جنگ در آبادان پشتوانه‌ی من در ساخت فیلم‌های جنگی است.

وی با اشاره به لزوم خوب دیدن اطراف برای یک فیلمساز برای به دست آوردن ایده از دیدن جوانان دستفروش در پارک دانشجوی تهران گفت: با دیدن آنان گفتم من که آنقدر از جنگ فیلم ساخته‌ام آیا اینها سوژه نیستند و حتما می‌توان از اینان نیز سوژه و ایده خوبی یافت و البته حیرت کردم که مشکلات اقتصادی چه فشاری بر روی خانواده‌ها می‌آورد که اینقدر جوانان دستفروش می‌بینی.

وی از هم‌رزم بودن با حسن برزگر کارگردان فیلم و حبیب احمدزاده رمان‌نویس گفت و ادامه داد: اینها از هم‌رزمان من در زمان جنگ بودند و اینکه در جنگ و نوشتن آن موفق باشید به حضور در جنگ باز می‌گردد.

باشه آهنگر افزود: اولین نمایشنامه‌ای که در نخستین دوره جشنواره فجر اجرا کردیم را با مالک سراج و حسن برزگر کار کردیم که مالک سراج جایزه بهترین بازیگر مرد آن دوره از جشنواره را برد و آکسسوار صحنه نیز با وسایل واقعی جنگی بود.

وی همچنین از نوشتن فیلم‌نامه سفر به انتهای شب گفت که برای ثابت کردن توانایی خود برای کشاندن تماشاگر به سینما نوشته است و در نهایت منجر به ساخت فیلم رخ دیوانه توسط آقای داوودی شده است.

کارگردان فیلم ملکه همچنین از چگونگی نورپردازی از سوله‌ای در تهران برای فیلم برداری «سرو به زیر آب» گفت و اینکه صحنه‌های بزرگ باعث می‌شود که اکیپ و خودت فرسوده شوید و وقتی که فیلمنامه می‌نویسید بهتر است به امکان ساخت آن نیز فکر کنید. من در نوشتن حتی به طراحی صحنه و مدل ماشین و رنگ آن نیز توجه می‌کنم.

سخنران این برنامه از خواص کار کردن با فیلم‌بردارهای حرفه‌ای مانند زرین دست گفت و افزود: خاصیت زرین دست به عنوان فیلمبردار این

است که علاوه بر سرعت بالا همزمان با عمق در عرض نیز حرکت می‌کند و کم فروشی نمی‌کند.

وی ادامه داد: در سینما نباید کم فروشی کرد و باید کمی هم به خود سختی بدهید تا کار خوبی انجام دهید. من به این روش که دوربین بتواند آزادانه و بدون قطع و روان حرکت کنم و همچنین به نوع کارهای کوبریک و ... علاقه مندم. در سریال‌ها کمتر از حرکات پیچیده دوربین استفاده می‌شود و کمترین جابه‌جایی را بازیگران دارند، خارجی‌ها بسیار در طراحی محیط و فضا استاد هستند اما ما خیلی به مکان‌ها توجه نمی‌کنیم. مکان و زمان و موضوع در فیلمنامه‌نویسی بسیار مهم است ما در فیلمنامه‌های مان به زمان و ریتم توجه نداریم.

کارگردان فیلم «سرو زیر آب» خاطرنشان کرد: ایرانی‌ها خلق و خوی کار انفرادی دارند و وقتی تیمی بخواهیم کار کنیم دچار مشکل می‌شویم زیرا برایمان اسم مهم است که اسم من کجا می‌آید؟ در حالی که اگر بخواهیم کار تیمی انجام دهیم باید به سرانجام رسیدن کار توجه کنیم.

وی از آقای جوزانی گفت و اینکه وی در دانشگاه به ما یاد داد که یکی از نکاتی که برای توجه به فیلمنامه وجود دارد این است که هر فیلم نامه‌ای که دستت میرسد یک بار از روی فیلمنامه رونویسی کنی، این کار باعث می‌شود که در ذهن شما موضوع ته‌نشین شود و آن را عمیقاً درک کنید.

باشه آهنگر گفت: معمولاً اولین نسخه فیلمنامه بدترین نسخه فیلمنامه است. من به ایده اصلی و اورجینال توجه ویژه‌ای دارم و فکر می‌کنم اگر فیلمنامه روی ایده اصلی متمرکز شود بهتر است.

وی تأکید کرد: آنچه در مناطق جنگی دارای اهمیت است مرگ و زندگی است و تنها زندگی و مرگ است که مهم است. اگر ما بتوانیم تیمی کار کنیم خیلی خوب است و هرکس اندازه خود باید انتظار داشته باشد و گروه‌هایی که باهم می‌مانند خیلی مهم است، در حوزه نوشتن نیز اساتید خوبی داریم که می‌توانیم از آنان در فیلمنامه نویسی کمک بگیریم، توصیه می‌کنم وقتتان را تلف نکنید و حتی با موبایل سعی کنید فیلم بسازید.

کارگردان مطرح سینمای دفاع مقدس تصریح کرد: جنگ و نگاه به جنگ متفاوت است برای مثال ایدئولوژی اروپا در جنگ حفظ شهر و آثار آن بود و اینکه شهر سالم بماند حتی اگر در دست دشمن باشد اما نگاه ایران به جنگ این بود که حتی اگر تمام شهر خرمشهر هم با خاک یکسان شود باز نگذاریم دشمن قسمتی از شهر را تسخیر کند.



حسینی تهیه کننده فیلم سینمایی «سرو زیر آب»:

برای ساخت فیلم همه موهای من سفید شده

که کار با موضوع دفاع مقدس کاری دشوار است و شما به عنوان نخستین تجربه با سمت تهیه کنندگی چه دورانی را سپری کردید؟ گفت: تهیه کنندگی به خودی خود کاری سنگین و پر مشغله است و عملاً، انسان را به خاطر مسئولیت‌هایی که دارد و مدیریت همه بخش‌ها پیر می‌کند، از طرفی فیلم‌های جنگی و دفاع مقدسی خود زحمتی دوچندان دارد و بسیار بسیار سخت‌تر است. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که «سرو زیر آب» نزدیک به ۶ سال طول کشید، همان طور که می‌دانید، کارهای بلند و طولانی ریسک بسیار زیادی دارند، و پروسه طولانی وجود دارد اما اگر تیم تیم درستی باشد و کارگردان را خوب انتخاب کرده باشی مشکلات به مراتب کمتر و ریسک کار نیز پایین‌تر است. مانند «سرو زیر آب» که آقای آهنگر با هوش و درایت خود هم مراقب گروه بود و هم با پشتیبانی فکری درست به خوبی از من حمایت کرد.

وی اضافه کرد: تخصص کار من ساخت مستند است و ایمن اولین تجربه تهیه کنندگی من در کار بلند و به ویژه در حوزه دفاع مقدس بوده، انتخاب چنین پروژه‌ای طبیعتاً ترس دارد، زیرا با مشکلات و مسائل مختلفی باید دست و پنجه نرم کنی، در سینمای ایران، باید بیش از پیش بررسی زیر را ممکن است آدم‌هایی که می‌خواهند به تو کمک کنند ممکن است به تو ضرر برسانند لاجرم هر چه تیم تو قابل اعتمادتر باشند نگرانی و ترس تو کمتر است، ساخت فیلم دفاع مقدس خیلی سخت است، در ابتدای ساخت «سرو زیر آب» همه موها و محاسن من مشکلی بود و امروز همه آنها سفید شده است، خود گواه سختی کار در حوزه دفاع مقدس است.

حسینی با اشاره به عدم تمایل کارگردان‌ها و تهیه کنندگان برای ورود به حوزه دفاع مقدس تصریح کرد: بعضی از کارگردان‌ها و تهیه کنندگان علاقه زیادی ندارند که به حوزه دفاع مقدس بپردازند، از طرفی هم می‌گویند اگر مسائلی نقد داشته باشم با ساخت یک فیلم اجتماعی به آن اشاره می‌کنم، اما به دلیل آن که بخش خصوصی اصلاً به این موضوع ورود نمی‌کند، هزینه‌های زیاد فیلم و سرو کله زدن با بخش‌های دولتی شیوه خودش را دارد بسیاری سعی می‌کنند با ژانری غیر از دفاع مقدس فیلم‌سازی کنند.

فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر و تهیه کنندگی سیدحامد حسینی یکی از آثار شاخص معاصر در عرصه دفاع مقدس است. این فیلم که در جشنواره فجر حضوری موفق داشته از ۳۰ آبان در سینماهای تهران و شهرستان‌ها اکران شده است.

سید حامد حسینی، تهیه کننده فیلم «سرو زیر آب» در گفت و گویی گفت: «سرو زیر آب» یک درام اجتماعی در حوزه دفاع مقدس است. در این فیلم دفاع مقدسی به نوعی به داستان پرداخته شده است که نگاه اجتماعی کار پررنگ‌تر از نگاه جنگی آن است. داستان در سال ۱۳۶۶ روایت شده که هم، به موضوع قومیت‌ها، ادیان، مذاهب و آیین‌های رسمی دیگری و هم، به خود فضای جنگ پرداخته است.

وی ادامه داد: معمولاً سوژه فیلم‌های محمدعلی باشه آهنگر خیلی ملتهب است و در سینمای جنگ نگاه جدیدی نسبت به مسائل مختلف دارد، به عنوان مثال در فیلم «ملکه» قصه تلاش یک تک تیرانداز و تناقض‌های وجودی‌اش را می‌بینیم، در «بیداری رویاها» به تبعات جنگ در زندگی اسرا و خانواده‌های آن‌ها می‌پردازد. این موضوع در فیلم‌های آقای باشه آهنگر وجود دارد که به شاخه‌ای از عوامل جنگ می‌پردازد و کار پژوهشی و تحقیقی روی آن انجام می‌شود تا بار مستند بودن آن بیشتر شود. فیلم «سرو زیر آب» هم از این قاعده مستثنی نیست و تمرکز و محور قصه بر اساس رسته تعاون است که بچه‌های معراج شهیدا زیر مجموعه تعاون جنگ کار می‌کردند.

این تهیه کننده سینما با اشاره به لوکیشن و فضاهای متفاوت فیلم افزود: معتقدم ارزانترین فیلم دفاع مقدس با این حجم تولید و اقتضای زمان و مکان ساخته شده است. در چهار استان و هشت شهر از جمله تهران، یزد، لرستان و خوزستان این اتفاق افتاد. یکی از کارهای بزرگ و بی سابقه در «سرو زیر آب» این بود که ما قطار را در لوکیشنی غیر از موقعیت راه آهن بردیم؛ یعنی قطار را به طور کامل کنار دکورمان بردیم. تنها جا به جایی لوکوموتیو و واگن‌ها سه روز طول کشید و مسئولان ارشد وزارت راه و ترابری گفتند، این اولین بار در تاریخ راه آهن بود که قطار را جایی غیر از موقعیت راه آهن می‌بریم. تهیه کننده «سرو زیر آب» در پاسخ به این سؤال



«سرو زیر آب» غرق کج فهمی‌ها نشود

دکتر مالک شیخی

محمدعلی باشه آهنگر کارگردانی است که به معنای واقعی کلمه نسبت به آرمان‌های مردم، متعهد است. برای کمک به ادامه مسیر او، لازم است از او در مقام یک هنرمند دغدغه‌مند حمایت شود. پشتیبان این مرد هیچ کس نیست جز خدا و پشتیبان فیلم او کسی نیست جز مردم.

شاید در ابتدا تصور عوام بر این بود تمامی فیلم‌هایی که از جنگ و آرمان‌های انقلابی حرفی می‌زنند مورد حمایت دستگاه‌های دولتی باید قرار بگیرند اما فیلم «سرو زیر آب» و چند نمونه قبل از آن نشان داد گویا موضوع چیز دیگریست و آن چیز دیگر همان قرار گرفتن در باندها و گروه بندی‌های جناحی است. گویی اینکه حالا ارزش‌ها و مقام شهدا هم در جناح بندی، سلیقه‌ای شده و هر کس در گروه مشارالیه نباشد مغضوب است. اینگونه که «سرو زیر آب» هم نه از تبلیغات شهری بهره‌مند می‌شود و نه از تبلیغات تلویزیونی که در مورد برخی فیلم‌ها بصورت گسترده انجام می‌شود. نه از حمایت‌های سازمانی برخوردار است نه از خریدهای فله‌ای بلیط. جای تاسف است که کارگردانی مانند باشه آهنگر که اکثریت فیلم‌هایش درباره مضامین مقاومت و ایثار بوده اکنون مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. فیلمی که در اوضاع خطیر کنونی به وحدت اقوام و عقاید در ایران تاکید می‌کند. تاکید می‌کند که ایران متعلق به همه ماست از هر نژاد و قوم و تفکر و آئین؛ و همه ما در قبال آن مسئولیم.

در سکانسی از فیلم «سرو زیر آب» که مزار شهید بعثت باز کردن زود هنگام آب سد (احتمالاً برای افتتاح نابهنگام یک مسئول نابجا)، زیر آب می‌رود و سرو بالای قبر هنوز زیر آب هم مقاومت می‌کند، استعاره این روزهای مردم و خصوصاً خانواده شهداست که مدام از تصمیمات نابخای برخی مسئولین دل گیرند و غرق در مشکلاتند اما همچنان ند و خم به ابرو نمی‌آورند. آن وقت نتیجه این آب گرفتگی در حوزه فرهنگ، این است که خروجی سینمای ما فیلم‌هایی است که عبارت «کمدی سخیف» هم برای آن زیاد است و ژانرها و فیلم‌هایی که مخاطب را به فکر و می‌دارد مهجور می‌ماند. فیلم‌های آپارتمانی، کمدی سخیف و دم دستی رایج می‌شود که هیچ رنگی از اقوام و جغرافیا و مولفه‌های زیباشناختی هنر ایرانی در آن دیده نمی‌شود. وقتی فیلمی هم متفاوت در مورد اقوام و ادیان مختلف ساخته می‌شود، مانند «سرو زیر آب»، غرق در کج فهمی‌ها می‌شود.

در اینجا باید به خاطره‌ای از لوریس چکنواریان آهنگساز ارمنی و مطرح کشورمان اشاره کنم که وقتی خبرنگار فارسی زبان صدای آمریکا از او پرسیده بود «اینکه شما اقلیت هستید در موسیقی‌تان چقدر تاثیر گذار است»، او پاسخ داده بود: «اقلیت شما یید، من ایرانی‌ام»

در پایان، کلامم را با دیالوگی از فیلم «سرو زیر آب» به پایان می‌برم که: «ما حق نداریم به مردم دروغ بگیریم حتی به بهانه آرامش شون»



وی اضافه کرد: تعامل با دستگاه‌های دولتی شیوه خاص خودش را دارد، از طرفی خود فیلم‌های دفاع مقدس هم با فیلم‌های دیگر فرق دارد، نمی‌توان توقع داشت که فیلم‌های این ژانر مانند فیلم‌های گیشه‌ای در ابتدا فروش بالایی داشته باشد بلکه باید به چشم یک فعالیت فرهنگی نگاه کرد، و عملاً فیلم در دراز مدت به فروش می‌رسد. بسیاری حوصله چنین فرایندی را ندارد به همین دلیل سعی می‌کنند که شیوه کار خود را تغییر دهند. مسئولیت ساخت فیلم دفاع مقدس و به طور کل فیلم‌هایی با موضوعات تاریخی بسیار بالاست.

وی معتقد است در آینده؛ سینما بزرگترین مرجع شناخت رخدادهای گذشته است و اگر ۵۰ سال دیگر بخواهیم اتفاقات را بررسی کنیم، سینما اصلی‌ترین شیوه برای بررسی رخدادهای گذشته است. نسل‌های بعدی از روی فیلم‌ها گذشته را شناخته و نسبت به آدم‌های آن دوره قضاوت می‌کنند. مهمترین مرجع قابل ارجاء فیلم‌های تاریخی است.

حسینی ضمن انتقاد از برخی از فیلم‌های جنگی خاطرنشان ساخت: بعضی از فیلم‌های دفاع مقدسی به شدت بد هستند زیرا قرائتی متفاوت و گاهی غیر واقعی از جنگ دارند و اگر نسل‌های بعدی بخواهند جنگ را از روی این فیلم‌ها بشناسند قطعاً تحریف و روایت نادرست وجود دارد.

وی با اشاره به چرایی طولانی شدن پروسه ساخت فیلم «سرو زیر آب» عنوان کرد: متأسفانه در سینمای ایران ۲۰-۳۰ نفر هستند که قائده سینما را بر اساس سلیقه خودشان باز تعریف می‌کنند، آنها به یک ادبیات رسیده‌اند و قابلیت اغفال مدیران سینما را هم یاد گرفته‌اند. هر جایی که می‌روی اثر و ردپایی از آنها وجود دارد، متأسفانه آنها خود را نخبه سینما می‌دانند و برای اثبات خود مدام ایرادهای عجیب و غریب از کار گرفته می‌شود. این‌ها آدم‌های خوبی هستند، اما وقتش رسیده که باز نشسته شوند، اما از ابتدای طرح «سرو زیر آب» به شدت در مسیر کار سنگ اندازی کردند، اگر مقاومتی در برابر تغییر فیلم‌نامه نبود قطعاً، فیلم چیز دیگری از آب در می‌آمد و همه چیز تغییر می‌کرد.

سید حامد حسینی گفت: «سرو زیر آب» نمایش شکوه انسانی است و به نظم افتخار کسانی که در آن حضور داشتند این است که هر کدام برای ساخت این اثر فاخر گوشه‌ای از کار را گرفتند. سیمرغ گرفتن برای ما مهم نیست بلکه این فیلم بسیار والاتر از هر چیزی خواهد بود.

تسنیم



حمایت عضو کمیسیون فرهنگی مجلس از «سرو زیر آب»

مخاطب نشان می‌دهند. با شروع فیلم، انتظار می‌رود که شاهد صحنه‌های تلخ و دردناکی باشیم، اما فیلم با جذابیت، شیرینی و روانی ادامه می‌یابد و فیلم‌برداری ماهرانه، در تماشگر ایجاد کشش می‌کند تا با میل و دقت، آن را دنبال کند. انتهای شاعرانه فیلم نیز از دیگر نکات توجه‌برانگیز فیلم است.

امروزه و در شرایطی که سلیقه‌ی مخاطبان سینما، بیشتر معطوف به فیلم‌های پرستاره و گم‌دی است، توجه به چنین فیلم‌هایی، کمک به ارتقای کیفیت سینمای ملی در ژانرهای مختلف است. بنابراین امیدوارم استقبال خوبی (خصوصاً در بین اقلیت‌های مذهبی و قومی) در انتظار این فیلم باشد.

همان‌طور که دکتر اختیاری گفتند، پروژه ساخت این فیلم سه سال زمان برده است و بدون همکاری دستگاه‌های مختلف، ساخت چنین فیلمی آسوده به نظر نمی‌رسید. جا دارد که علاقه‌مندان سینما، توجه بیشتری به این فیلم داشته باشند و اکران عمومی فیلم با استقبال بالایی مواجه شود.

بنده نیز به وسیله خود، تلاش کردم نظر نمایندگان در کمیسیون فرهنگی مجلس، به این فیلم (به‌عنوان یک روایت هنری متفاوت از دفاع مقدس) جلب شود. همچنین به‌رغم تنگناهای اقتصادی، تلاش خواهیم کرد به بودجه سینمایی (به‌ویژه در ژانر دفاع مقدس) در سال آتی، توجهی ویژه شود.

طیبه سیاوشی شاه عنایتی نماینده تهران و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در یادداشتی از فیلم «سرو زیر آب» حمایت کرد.

وی نوشت: «کارگردان در این فیلم، نگاه جالب و جذابی درباره دفاع مقدس به نمایش می‌گذارد. وی با تجربه‌ای ارزنده وارد این ژانر شده و توانسته است داستان متفاوتی از دفاع مقدس ارائه دهد و برخلاف عمده فیلم‌های این ژانر، به روایت کمیاب و مغفول‌مانده‌ای در این سینما می‌پردازد.

نکته مهم این است که فیلم، اختلافات قومیت‌ها و مذاهب را در یک نقطه مشترک به هم پیوند می‌زند و آن نقطه، هویت ملی ماست. در حقیقت ما با یک فیلم «ملی» (به معنای واقعی کلمه)، طرف‌ایم. لذا تأکید «سرو زیر آب»، تنها معطوف به مشارکت شیعیان-فارس‌ها در دفاع مقدس نیست و تمام شهدا و رزمندگان اقلیت‌های مذهبی-قومی را در برمی‌گیرد. انتخاب اسامی بازیگران و کثرت قومیت‌ها و مذاهب مختلف در فیلم، گویای این نکته است. بنابراین، هر مخاطب ایرانی، با هر اعتقادی می‌تواند به تماشای فیلم بنشیند و از آن لذت ببرد. فیلم، قدمی روبه‌جلو برای ایران است و در این وانفسای نژادگرایی، ایران را محدود به مذهب و قومیت خاصی نمی‌کند. قاب‌های فیلم، عمق زیادی دارند و فضای گسترده‌ای را به

نگاهی به فیلم «سرو زیر آب»

از جنس فرشتگان

«سرو زیر آب» باشه آهنگر روایت عشق و دلدادگی هاست. روایت آدم‌هایی که از یک جنس دیگری هستند. نه فرشته‌اند و نه معصوم، ولی مثل جنس فرشتگان می‌مانند.

باشه آهنگر یک دنیای دیگری از این آدم‌ها می‌سازد. دست یافتنی ولی باورشان هم سخت است و هم نیست. حالا قریب به ۳۰ و اندی سال ماضی از جنگ می‌گذرد و هنوز باشه دلش و



«زرتشتی» به شهادت می‌رسد و جنازه‌اش با یک جنازه مسلمان شیعه‌ای عوض می‌شود و درامی شکل می‌گیرد که ما با تصاویری دلنشین و ساختاری ساده و بدون بزرگ‌روبرو می‌شویم. حد و بضاعت باشه بالاتر از این اینهاست. یک فیلم با ارزش و نجابت و سرشار از نوستالژی نسلی که به فراموشی سپرده شده است.

هواپش و فکرش در به تصویر کشیدن خاطراتش از رزم و دفاع از سرزمین‌اش او را رها نکرده است. به شیوه وسبکی شاعرانه‌ای سعی می‌کند نسل امروز را با دفاع مقدس آشنا سازد. تلنگری می‌زند بر آنچه بر سرزمین ما گذشت. من باشه را حس می‌کنم و آدم‌هایی که از آنها سخن می‌گویند. اقوام و اقلیت‌هایی که در جنگ رزمیده‌اند. حالا یک جوان اهورا مزدایی



گفتگویی با زرین دست فیلمبردار فیلم «سرو زیر آب»:

اثری درخشان و ارزشمند

اشاره:

علیرضا زرین دست بدون تردید، یکی از بزرگ‌ترین مدیران فیلمبرداری سینمای ایران است. در کارنامه او چندین سیمرغ جشنواره فیلم فجر و چندین تندیس فیلمبرداری وجود دارد و از پرافتخارترین مردان این عرصه است.

«فیلم سرو زیر آب» به کارگردانی باشه آهنگر که این روزها بر پرده سینماها قرار گرفته از آثار درخشان اوست که در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر برنده دریافت سیمرغ بهترین فیلمبرداری شده است.

آقای زرین دست! ابتدا از آشنایی و نخستین همکاری تان با آقای باشه آهنگر بگویید و اینکه حضور شما در «سرو زیر آب» چگونه استارت خورد؟
محمدعلی باشه آهنگر را از حدود ۲۵ یا ۳۰ سال پیش می‌شناسم. فیلمی را ۳۵ سال پیش فیلمبرداری کردم و او در آن فیلم دستیار کارگردان بود و از همان روز مطمئن بودم که او کارگردان درجه یک سینما خواهد شد. ارتباط ما ادامه دار شد تا اینکه آقای میرعلایی برای دعوت من به پروژه «فرزند خاک» با من تماس گرفتند و متوجه شدم کارگردان آقای آهنگر است. وقتی فیلمنامه را خواندم متوجه شدم تصور روزهای دور من درباره این کارگردان درست بوده زیرا فیلمنامه بسیار درخشان بود. قبل از دعوت من به این پروژه، چند مرتبه دیگران برای همکاری در این فیلم دعوت شده بودند، اما فیلمبرداری آغاز نشده بود و این شانس برای من رقم خورد که همزمان با دعوت من، فیلمبرداری شروع شد. این فیلم همان زمان بسیار مورد توجه و استقبال منتقدان قرار گرفت. در ادامه برای همکاری در

می‌بینیم، خطایی که در این تفحص صورت می‌گیرد، ساختار کلی فیلم را تشکیل می‌دهد. ترکیب، کنتراست و نورپردازی به گونه‌ای در این فیلم انجام شد که به مرور زمان و پس از گذشته ۱۰ دقیقه از فیلم، تماشاگر تحت تاثیر قرار بگیرد. بدون تردید این تصاویر را بنده به تنهایی خلق نکردم و نیروی دیگری نیز در این تصویرها به کمک من برای خلق آنها آمده است. طراحی صحنه کار خیلی درخشان است که کمک کننده زیادی به تصاویر است.

نحوه تعامل شما با کارگردان برای ارتقا و بهبود کیفیت تصاویر چگونه بوده است؟

ما با هم ارتباط کاری خیلی خوبی داریم. آقای آهنگر فیلمنامه‌های فوق العاده‌ای همراه با پژوهش‌های بسیاری را می‌نویسد. همکاری من و باشه آهنگر مثل جاذبه و دافعه است. یعنی هم قبل و هم بعد از شروع فیلمبرداری می‌توانیم ارتباط بسیار خوب و مثبتی با هم برقرار کنیم. برای شروع هر پروژه‌ای ابتدا گفتگوهای مختلفی در مورد سبک، روش و نوع نورپردازی میان ما صورت می‌گیرد. همه عوامل دست به دست هم می‌دهند و منجر به موفقیت در یک کار سینمایی می‌شوند. در سه کار قبلی که با هم همکاری داشته ایم هم این امر وجود داشته است. مطمئن بودم نتیجه در این فیلم هم مورد ستایش و قابل اعتنا می‌شود. سر صحنه‌های فیلمبرداری تقریباً با هم حرف نمی‌زدیم و یا خیلی کم حرف می‌زدیم. انرژی که برای حرف زدن باید صرف می‌کردیم

فیلم «ملکه» دعوت شدم که بعد از خواندن فیلمنامه بارهم به تولد اثر قوی دیگری از این کارگردان پی بردم و مشتاق به همکاری شدم. من در فیلم «سرو زیر آب» شاهد ۴ سال تحقیق این کارگردان بودم و چند بار فیلم تا مرحله فیلمبرداری رفت تا اینکه آذرماه سال گذشته کار شکل گرفت. حامد حسینی همراه محمدعلی باشه آهنگر به خانه من آمدند و مقدمات کار را به‌طور جدی آغاز کردیم.

درباره ویژگی‌های منحصر به فرد فیلمبرداری «سرو زیر آب» که این روزها در سینماها اکران شده بگویید:
جنگ عوارض و ترکش‌های مختلف دارد؛ در خط مقدم کشور متخاصم، دشمن محسوب می‌شود و به همین دلیل از کشورمان دفاع می‌کنیم که البته این دفاع کردن یک قیمت دارد و قیمت آن هزاران شهید است. در میان هزاران شهید، پیکرهایی هستند که شناسایی آنها کار بسیاری دشواری است. بعضی از آنها بخش‌هایی از بدن مانند سر را ندارند. خیلی از شهیدان پلاک ندارند؛ به همین دلیل عده‌ای به صورت داوطلب به پیکرها ظاهر و فرم می‌دهند و سپس به بستگانشان تحویل می‌دهند، این داوطلب‌ها بسیار ارزشمند هستند زیرا دست به کار نادر و استثنایی می‌زنند. فیلم «سرو زیر آب» به موضوع تفحص شهدا مربوط است، باشه آهنگر کارگردان فیلم مدت‌ها برای این فیلم تحقیق و پژوهش انجام داده است. در «سرو زیر آب» جزئیاتی از تفحص شهدا را که در نهایت منجر به شناسایی پیکر می‌شود،



نگاهی به فیلم «سرو زیر آب»

فیلمی خوب و متمایز

در کارنامه سینمایی باشه آهنگر

جبار آذین

محمدعلی باشه آهنگر، سینماگر اندیشمند و متفاوت ساز آثار دفاع مقدس و کارگردان فیلم خوش ساخت و بامحتوا و ماندگار «ملکه» با ششمین ساخته سینمایی خود، فیلم وزین و ارزشمند «سرو زیر آب» یکبار دیگر باز هم از زاویه‌ای متفاوت و اندیشمندانه، به یکی از رخداد‌های دوران دفاع مقدس پرداخته است.

پرهیز از نگاه کلیشه‌ای و تک بعدی به رویدادها، رزمندگان و حوادث جبهه و جنگ و نگرش انسانی و واقع‌گرا به انسانها و ویژگی‌های دفاع مقدس و تصویرسازی مقبول و مطلوب سینمایی از دستاوردها و عوارض جنگ، از شاخصه‌های آثار دفاع مقدسی باشه آهنگر است.

«شهدا و شهدای گمنام و مفقودالثر جنگ تحمیلی، فرزندان نامدار خانواده بزرگ و افتخار آفرین ایران هستند.» مضمون یادشده، سوژه و پیام اصلی فیلم خوب «سرو زیر آب» است. باشه آهنگر برای ارایه این معنا، قصه‌ای نو و جذاب نوشته و با تصویرسازی‌های سینمایی برای آن، به آدمها و ماجراهای داستان، جان بخشیده است.

«جهانبخش کرامت» عضو ستاد معراج شهدا، به شیوه خود و نیت خیر، ولی روالی خلاف قاعده، آثار و بقایای شهدای گمنام را جهت ایجاد امید و آرامش به خانواده‌های چشم انتظار رزمندگان می‌دهد. با پیدا شدن خانواده یکی از شهدایی که کرامت، جابجا کرده است، جهت کشف حقیقت تا مرز رسیدن به ساحل قرار و آرامش برای خانواده‌های شهدا و اعضای ستاد معراج شهدا، سفری مادی و معنوی آغاز می‌شود که از میان باورها و آیین‌های شیعی اسلامی و زرتشتی می‌گذرد. با شهادت «جهانگیر کرامت» برادر جهانبخش و جابجایی پیکر او، خانواده‌های زرتشتی و یزدی، صاحب آثار و جنازه‌ها و آرامگاه شهدای خود می‌شوند! و اینگونه «سرو زیر آب» شکل می‌گیرد.

«سرو زیر آب»، اثری ارزشمند است و گرچه از منظر ساخت و پرداخت مضمون و محتوا و داستان‌سرایی و پرداخت سینمایی از ملکه جلوتر نیست، اما فیلمی جذاب و پرمحتوا است. کارگردانی حرفه‌ای، بازی‌های خوب، قاب بندی‌ها و میزانشن‌های سینمایی، صحنه‌سازی‌های مناسب و دقیق و فیلمبرداری قابل

تحسین، از امتیازهای فیلم دیدنی باشه آهنگر است.

با این همه، پردازش کم کار بعضی از کاراکترها، ریتم کند و عبور گذرا از ویژگی‌های اعتقادی، ملی و قومی و باورهای دینی و اسلامی شیعی و زرتشتی، نشان می‌دهد که این موارد جای کار بیشتر داشته است. فیلم با محتوا و درکل خوش ساخت «سرو زیر آب» از آثار خوب و متمایز دفاع مقدس در کارنامه سینمایی باشه آهنگر، سینمای دفاع مقدس و سینمای ایران است.

برای خلق کردن پلان می گذاشتیم اما قبل از فیلمبرداری، مراد و گفتگوهای زیادی را انجام می دادیم، این رابطه‌ای که به عنوان کارگردان و فیلمبردار داریم، از فیلم «فرزند خاک» به وجود آمده است که به نظر من فیلمنامه بینظیری دارد، در واقع فیلمنامه آن را می توان یک بار دیگر ساخت.

اگرچه دکوپاژ نهایی برعهده کارگردان بوده است اما من در بازدید از لوکیشن‌های پیش از فیلمبرداری پیشنهادهایی دادم که مورد تایید آهنگر قرار گرفت. ما گفت و گو و مشورت‌های زیادی درباره نوع تصویر و سبک فیلمبرداری نیز پیش از فیلمبرداری داشتیم و نظرات مان را با یکدیگر در میان گذاشتیم و اکثرا با هم به توافق رسیدیم.

از شرایط و چالش‌های کار در سرو زیر آب بگوئید. با توجه به سختی‌هایی که در فیلم «ملکه» برای فیلمبرداری آن وجود داشت و منجر به گرفتن هلی شات‌های متفاوت و مختلف شد. آیا در «سرو زیر آب» دوباره این سختی‌ها را تجربه کردید و تکنیک خاصی را برای این فیلم برگزیدید؟

فیلمبرداری «سرو زیر آب» خیلی سخت تر از فیلم ملکه بود. البته این فیلم باید ابتدا دیده شود و بعد درباره سکانس‌های مختلف آن صحبت کنیم. چون اگر الان راجع به آن حرف بزنم منجر به ترسیم تصویری می‌شود که هنوز مخاطبان آن را ندیده‌اند. اما مطمئن باشید این فیلم پتانسیل آن را دارد که درباره آن صحبت کرد.

وسایله‌ای ساختم که می‌توانستیم دوربین را در آن بگذاریم و بسیاری از پلان‌ها از این طریق فیلمبرداری شده است. فیلمبرداری فیلم «سرو زیر آب» کار بسیار سختی بود. وقتی فیلمبرداری این فیلم را شروع کردم ۸۳ کیلوگرم بودم اما وقتی تمام شد، به ۷۵ کیلو رسیدم. سکانس‌هایی که در سوله در فیلم «سرو زیر آب» فیلمبرداری شده است در زمان زمستان سال گذشته بود؛ اگر بیرون دما سه درجه بالای صفر بود داخل آن سوله پنج درجه زیر صفر بود.

همکاری با آقای باشه آهنگر چگونه بود؟

این هنرمند علاوه بر توانایی و مهارت بالایی که دارد، فردی فکور و فاضل است که علاوه بر همکاری ارتباط دوستانه خوبی با او دارم. بابت این سه همکاری که در آثار باشه آهنگر داشته‌ام، همکاری در ۴ پروژه دیگر را رد کردم؛ زیرا فرصت حضور در فیلم‌های این کارگردان برای من اهمیت زیادی دارد. من بابت فیلمبرداری هر سه همکاری‌ام با این کارگردان از جشنواره فیلم فجر جایزه دریافت کرده‌ام و همکاری با این کارگردان برای من ارزشمند است.

آقای زرین دست در یک جمله در خصوص مهم‌ترین شاخصه و نقطه قوت فیلم «سرو زیر آب» بگوئید:

این فیلم اثری درخشان و ارزشمند است. به عقیده من خود فیلم درخشان‌ترین شاخصه است.



موسی حقانی:

عجیب است که صدا و سیما از سید جمال واعظ مستند پخش می‌کند

از لحاظ سیاسی، او عضو کمیته اجتماعیون-عامیون قفقاز است که یک کمیته کاملاً افراطی، تروریستی و ساختار شکن است. بعداً می‌بینیم که خیلی از تروریهایی که در کشور رخ داد و باعث سلب آرامش از مردم شد، توسط آنان صورت می‌گیرد. او همانند تمام اعضای اجتماعیون-عامیون قفقاز به آزادی مطلق اعتقاد داشت. یکی از این ویژگی‌ها سستی عقاید مذهبی است. هم‌چنین او اتهام بابی‌گری داشت و به همین دلیل مکرراً از اصفهان اخراج شده بود. در اصفهان حکم فساد اخلاقی او را داده بودند و در جاهای مختلفی که می‌رفت، تکفیرش می‌کردند. او در اصفهان یک مدرسه‌ای را با شیوه جدید تأسیس می‌کند هدف از آن تأسیس چین مدرسه‌ای خارج کردن تربیت بچه‌ها از دست علما بوده است. دقت کنید که این تکفیر ادامه داشته است تا زمانی که با آقای طباطبائی آشنا می‌شود. بعد از این جریان است که دیگر شرایط برایش خوب می‌شود و یک حامی پیدا می‌کند. باید بگویم که ۳ نفر همیشه در برابر او ایستادند و عقاید او را به نقد کشیدند؛ میرزا آقاجفی در اصفهان، امیر کبیر و ناصرالدین شاه. البته باید گفت که اگر این ۳ نفر حضور نداشتند شاید بابی‌ها و ازلی‌ها، کنترل ایران را به دست خود درمی‌آوردند. جالب است بدانید که نقشه ترور شیخ فضل‌الله نوری در منزل او کشیده می‌شود. البته او معتقد است که نباید شیخ را ترور بکنیم چرا که اگر این کار را انجام بدهیم، او شهید محسوب می‌شود و کار برای ما بد می‌شود. او اعتقاد داشت که مردم او را ترور کنند و سید جمال واعظ اعتقاد داشت که بهتر است کمیته شیخ را ترور کند. در نهایت هم ملهم‌المتکلمین یک سخنرانی انجام می‌دهد و مردم را تحریم می‌کند و آنان نیز به خانه شیخ فضل‌الله حمله می‌کنند و او را می‌کشند.

بدانید که زمانی که او فوت کرد، مردم اصفهان به خاطر فوت ایشان قمه زدند و تا سال‌ها نیز از جمله شخصیت‌های معروف بود اما از مقطعی به بعد، دیگر نمی‌توانید اسم او را در اصفهان ببرید چرا که تبلیغات منفی زیادی علیه او صورت گرفته بود. وی ادامه داد: میرزا نصرالله بهشتی، معروف به ملک‌المتکلمین است چرا که او در وعظ و سخنرانی تبحر داشته است. او در کودکی پدر خود را از دست می‌دهد و سپس به مکتب می‌رود. البته او اساتید چندان شاخصی نداشته است. جالب است بدانید که او تحصیلات زیادی در حوزه معارف دینی نداشته است اما به هر حال، واعظ بوده است. عقاید او از همان جوانی دچار تزلزل می‌شود. از آن‌جا که او دانش دینی زیادی نداشته است، آثار زیادی نیز از او منتشر نشده است. تنها دو کتاب دارد که گفته می‌شود یکی از این کتاب‌ها توسط ۳ نفر نوشته شده است که هر ۳ نیز بابی هستند. این کتاب «رویای صادق» نام دارد که کتابی بسیار تند و زشت علیه روحانیت شیعه است. در ابتدای انقلاب، این کتاب به صورت غیرقانونی منتشر شد و وقتی حضرت امام متوجه شد، دستور داد که این کتاب توهین‌آمیز را جمع کنند. علاوه بر این، او یک کتاب دیگر دارد که نام آن «من الخلق الی» است و در سفر خود به هند نوشته است که بسیاری از فارسیان هندی نیز به او کمک کردند. به نظر می‌رسد که از همین مقطع با اردشیر جی آشنا می‌شود و با او رفیق می‌شود. جالب است که اسماعیلیان هند که خیلی نیز به شیعه اعتقادی ندارند، وقتی این کتاب منتشر می‌شود، در اعتراض به مباحث ضد دینی و ضد شیعی کتاب، به ملک‌المتکلمین حمله کرده و از دولت هند می‌خواهد که او را هندوستان بیرون کنند و دولت هند نیز او را به اتهام بی‌دینی و سوء عقیده از کشور بیرون می‌کند.

موسی حقانی در نشست نقش روشنفکران در مشروطه و پس از مشروطه گفت: عجیب است که در تاریخ‌نگاری افرادی که در دوران خود منفور هستند، در دوران بعدی تبدیل به چهره شاخص می‌شوند.

هفتمین جلسه از نشست سوره یابی در مستند با موضوع «نقش روشنفکران در مشروطه و پس از مشروطه» با حضور علاقه‌مندان زیر نظر استاد موسی فقیه‌حقانی در حوزه هنری برگزار شد. در این جلسه تعدادی از روشنفکران از جمله میرزا نصرالله بهشتی و سید جمال واعظ معرفی شدند.

موسی فقیه‌حقانی در ابتدای صحبت‌های خود به معرفی میرزا نصرالله بهشتی و سید جمال واعظ پرداخت و گفت: میرزا نصرالله بهشتی و سید جمال واعظ از جمله خطیبان و واعظان پرشور مشروطه هستند و از این جهت اهمیت زیادی دارند. البته آنان از مقطعی به بعد به عنوان خطیب مشروطه مطرح می‌شوند چرا که قبل از آنان، افراد سرشناس‌تری نیز وجود داشت. باید اشاره کنم که شیخ مهدی سلطان محققین، واعظ اصلی مشروطه بود که رفته رفته کم‌رنگ شد و به جای او این دو نفر پررنگ می‌شوند. با توجه به این که هر دو نفر، لباس روحانیت به تن دارند و از مقطعی به بعد، پنهان کاری را سرلوحه رفتار خود قرار داده بودند، در سال‌های بعد از مشروطه، خیلی چهره واقعی‌شان نمایان نشده است. به همین دلیل هم هست که اکنون صدا و سیما برای کسی مانند سید جمال واعظ مستند می‌سازد و پخش می‌کند. عجیب است که در تاریخ‌نگاری چنین اتفاقی می‌افتد و افرادی که در دوره خود منفور هستند، در دوران بعدی چهره شاخص می‌شوند و برعکس. این دو نفر از جمله نمونه‌های منفی هستند که اکنون مثبت شده‌اند و در مقابل مرحوم سید آقا جعفر اصفهانی از جمله شخصیت‌های مثبتی بوده است که اکنون منفی شده است. جالب است



موسی حقانی:

سید حسن تقی‌زاده نقش جدی در شکل‌گیری جریان ابتدایی مشروطه ندارد و از رهبران آن نیست

داشت. او در خاطرات خود بیان می‌کند که از ۱۶ سالگی به دنبال راهی از تقدیر و اطاعات کورکورانه تبعیدی بوده است. در حقیقت از همان زمان است که با شیخی‌ها ارتباط می‌گیرد و به مبارزه با روحانیت می‌پردازد.

او به مطالعات تقی‌زاده اشاره کرد و گفت: او به غیر از کتاب‌های ملک‌خان و طالبوف، بسیاری از نشریه‌های خارجی که در مصر، عثمانی و ... منتشر می‌شده است را مطالعه می‌کرده است. در حقیقت فضای او در آن دوره، کاملاً یک فضای روشنفکری است چرا که تحت تأثیر آن آثار قرار می‌گیرد. در همین ایام یک کتاب به نام «عجایب آسمانی» را از زبان فرانسوی ترجمه می‌کند. او در کتاب «زندگی طوفانی» بیان می‌کند که ۸۰ درصد فهم سیاسی من به واسطه ملک‌خان شکل گرفته است و تحت تأثیر او هستم. از همه‌جا کتاب‌های او را پیدا می‌کردم و با شور و علاقه آن را می‌خواندم. تقی‌زاده در سال ۱۳۲۱ به قفقاز، ترکیه و دمشق می‌رود و در این جریان این سفر، دیدارهای زیادی را با بسیاری از روشنفکران دارد. وقتی در سال ۱۳۲۳، مشروطه در تبریز به اوج می‌رسد، دوباره به تبریز برمی‌گردد و از این به بعد، در گیر ماجرای مشروطه می‌شود. اگر خاطرات او را بخوانید می‌بینید که در زمانی که در استانبول بوده است، مقاله‌ای را منتشر می‌کند و وابستگی ایران به پوشاک غربی را رد می‌کند. این مقاله بسیار عجیب است چرا که با سیره بعدی او جور در نمی‌آید. جالب است بدانید که او در این مقاله می‌گوید که ما از عمامه تا کفن محتاج غرب شده‌ایم. هم چنین با ذکر یک حدیث از امام علی علیه‌السلام می‌گوید که هر کس به کسی احتیاج پیدا کند، برده و بنده او می‌شود و از همین منظر، احتیاج ما به غرب، ممکن است که منجر به بندگی ما بشود.

قفقازی‌هایی به حساب آورده می‌شوند که در تبریز ساکن شدند. پدر او روحانی است و تحصیلات خود را در نجف پشت سر گذاشته است و شاگرد شیخ انصاری بوده است. او بعد از تحصیلات در نجف به ایران برمی‌گردد و در تبریز موقعیت اجتماعی خاصی پیدا می‌کند. از آن‌جا که پدر تقی‌زاده، روحانی بوده است، خود او نیز مباحثی از فقه و حقوق را یاد می‌گیرد و از ۱۳-۱۴ سالگی با افراد دیگری آشنا می‌شود و سمت مطالعه ریاضی، علوم طبیعی و البته آثار شیخیه می‌رود. او در اظهار نظری می‌گوید که آقای شیخیه به مراتب بهتر از علمای ماسونی هستند در حالی که بعداً در نقد اسلام، این حرف خود را نقض می‌کند. او بعد از مرگ پدرش، به سمت علوم طبیعی می‌رود و خیلی زود به ریاضیات مسلط می‌شود و حتی در دارالفنون تبریز ریاضی درس می‌دهد. سپس به خواندن آثار ملک‌خان و طالبوف می‌پردازد و وارد مسیر روشنفکری می‌شود. جالب است بدانید که او صراحتاً اعلام می‌کند که من کاملاً تحت تأثیر آرای ملک‌خان بودم. همین موضوع باعث می‌شود که او موضع جدی نسبت به روحانیت شیعه و به ویژه روحانیون اصولی بگیرد.

حقانی در پاسخ به یک شبهه، پیرامون رهبریت تقی‌زاده در جریان مشروطه گفت: باید دقت داشت که سید حسن تقی‌زاده، در اجرای مشروطه، پیشگام نبوده است اگر چه امروز، خیلی‌ها تلاش می‌کنند که بگویند او جز پیشگامان بوده است. او زمانی وارد جریان مشروطه می‌شود که تمام اتفاقات شروع شده است و از این منظر، نقش بارز و جدی در شکل‌گیری جریان ابتدایی مشروطه ندارد. تقی‌زاده به واسطه آشنایی با افکار ملک‌خان، با جامعه آدمیت نیز آشنا می‌شود و بعداً در انشعاب آن جز کسانی می‌شود که به تأسیس لژیون‌های ایران اهتمام می‌ورزد. او روحانیون اصولی را متعصب می‌داند و بر همین اساس با آنان درگیری

هشتمین جلسه از نشست سوژه‌یابی «نقش روشنفکران در مشروطه و پس از آن» با حضور علاقه‌مندان زیر نظر استاد موسی فقیه‌حقانی در حوزه هنری برگزار شد. در این جلسه، عقاید و آرای سید حسن تقی‌زاده، از روشنفکران عصر مشروطه مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

موسی حقانی در ابتدای جلسه ضمن معرفی سید حسن تقی‌زاده، گفت: در این جلسه راجع به آقای سید حسن تقی‌زاده صحبت خواهیم کرد. تقی‌زاده یکی از چهره‌های مطرح در فضای روشنفکری ایران است که هم در مشروطه جز چهره‌های شاخص و مطرح است و هم در دوره پهلوی اول و دوم تأثیرگذار است. در حقیقت او جز آن ۵۳-۵۴ نفری است که از دوران مشروطه وارد دوران پهلوی شدند و همکاری‌هایی با آنان داشتند. البته این همکاری فراز و فرودهایی هم داشته است که در این جلسه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. او چهره‌ای است که بحث‌های فراوانی پیرامون او رخ داده است و علیرغم این بحث فراوان، هنوز هم وجوهی از شخصیت او ناشناخته مانده است. شاید دلیل این موضوع این باشد که او تعمداً در پنهان کاری داشته است و تلاش می‌کرده است تا بخش‌هایی از زندگی خود را آشکار نکند. از جمله این موارد می‌توان به عضویت او در فراماسونری اشاره کرد. همه می‌دانستند که تقی‌زاده فراماسون است اما هیچ وقت رسماً این موضوع را اعلام نکرد؛ حتی زمانی که راجع به فراماسونری صحبت کرد و به نقش آنان در انقلاب مشروطه اشاره نمود. این کار او باعث می‌شود که او خیلی مطرح نشود و وجوه مختلف زندگی او برای تاریخ‌نگاران نمایان نشود.

وی ادامه داد: سید حسن تقی‌زاده متولد تبریز است. پدر او اهل اردوباد است که این منطقه در جنگ‌های ایران و روسیه از کشور جدا شده و مردم آن جز



موسی حقانی:

شهید مدرس، مدتی بارضاخان همکاری داشت

نهمین جلسه از نشست سوژه یابی «نقش روشنفکران در مشروطه و پس از مشروطه» با حضور علاقه‌مندان زیر نظر استاد موسی فقیه حقانی در حوزه هنری برگزار شد. در این جلسه، عقاید و آرای سید حسن تقی‌زاده، از روشنفکران عصر مشروطه مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

موسی فقیه حقانی در ابتدای صحبت‌های خود گفت: در جلسه گذشته راجع به تقی‌زاده صحبت کردیم و تا زمان حضور او در آلمان و انتشار نشریه کاوه پیش رفتیم. در جلسه قبلی، بیان کردیم که او در نشریه کاوه، یک سری اندیشه‌های اصلاحی می‌دادند و می‌گفتند که یک دولت مقتدر باید در ایران سر کار بیاید و با استفاده از دیکتاتوری منور، کار را پیش ببرد. همین موضوعات، زمینه کودتای ۱۲۹۹ را فراهم کرد و اغلب آنان در خدمت رژیم پهلوی قرار گرفتند.

وی ادامه داد: با شکست آلمان در جنگ جهانی اول، تقی‌زاده متوجه آمریکایی‌ها می‌شود و می‌گوید که باید پای آنان را به کشور باز کنیم چرا که می‌تواند نفوذ روسیه و انگلیس را کم کند. نکته‌ای در این جا وجود دارد که بسیار مهم است. تقی‌زاده در نوشته‌های خود یا از نقش انگلیس در تحول ایران یاد نمی‌کند و یا اگر یاد کند، در ضمن مداخلات روس‌ها و به صورت بسیار کم‌رنگ به آن توجه می‌کند. جالب است بدانید که آوردن آمریکایی‌ها به ایران و باز کردن پای آنان به کشور، با پیشنهاد خود انگلیسی‌ها بوده است. در حقیقت، کسی که روزگاری با انگلیس بسیار در ارتباط بوده است بیاید و بگوید که باید پای آمریکا را به ایران باز کنیم، می‌تواند به عنوان یک حس استقلال‌طلبی تفسیر شود و عده‌ای بگویند که تقی‌زاده مخالف انگلیسی‌ها بوده است در حالی که باید توجه داشت، تز انگلیسی‌ها این گونه بوده است. حتی در جلسه‌ای

به این موضوع اشاره می‌شود و می‌گویند که چون ایرانی‌ها چهره بدی از انگلیسی‌ها در ذهن دارند، نمی‌خواستیم که حساسیت‌ها برانگیخته شود و به همین دلیل یک چهره آمریکایی وارد کشور شده و مسائل مالی حکومت را سر و سامان می‌دهد.

این کارشناس تاریخی بیان داشت: دقت کنید که تقی‌زاده در نوشته‌های خود در روزنامه کاوه، تاکید زیادی بر دولت قدرتمند دارد. البته وجود دولت قدرتمند لزوماً معنی بدی ندارد و شاید نیاز ایران باشد اما انگیزه اصلی آنان در طرح این موضوع مهم است. بالاخره دولت مشروطه می‌تواند به عنوان یک دولت مقتدر مطرح باشد و دلیلی ندارد که به سمت یک دولت اقتدارگرایی نظامی برویم. حال جالب است افرادی که دم از آزادی می‌زدند، به صورت ناگهان به سراغ کسی می‌روند که بویی از آزادی نبرده است.

حقانی در پاسخ به سوالاتی مبنی بر موافقت شهید مدرس با دولت مقتدر گفت: شهید مدرس با دولت و ثوق‌الدوله موافق نبود بلکه با دولت مقتدر موافق بود. شهید مدرس، جدی‌ترین درگیری را با دولت و ثوق‌الدوله داشت. شهید مدرس به دنبال حضور یک دولت مقتدر و مستقل که بتواند وضعیت کشور را سامان بدهد، بوده است نه یک دولت فروشنده ایران یا وابسته‌کننده آن. باید بگویم که اگر و ثوق‌الدوله و عین‌الدوله خود را از سیاست‌های انگلستان جدا می‌کردند، شهید مدرس با آنان کار می‌کرد؛ کما این که شهید مدرس در یک مقطعی کوتاه بارضاخان هم کار می‌کند و تلاش می‌کند که رضاخان را از انگلیسی‌ها جدا کند که البته موفق نیست. مدرس حزبی را به نام «ضاد الف» (ضد انگلیسی) به راه می‌اندازد و رضاخان را نیز عضو آن می‌کند. حال اگر شما این موضوع را به خوبی توضیح ندهید، عده

ای می‌گویند که مدرس کسی بود که رضاخان را تقویت کرد و ... اصلاً این گونه نیست. اوج هوشیاری و هوشمندی شهید مدرس جایی است که تلاش می‌کند تا کسی را که خود انگلیسی‌ها به واسطه کودتا در ایران آورده‌اند، از راه به در کرده و او را از انگلیس جدا کند.

موسی حقانی ضمن اشاره به عقاید و آرای تقی‌زاده گفت: در دوره چهارم، تقی‌زاده از شهر تهران نماینده می‌شود اما به مجلس نمی‌رود. البته در دوره پنجم در مجلس حضور دارد. جالب است بدانید که تقی‌زاده به عنوان کسی که از آزادی حمایت می‌کرد، از تمرکزگرایی دوره رضاخان، با حجدیت حمایت می‌کند و به دنبال دیکتاتوری منور می‌رود. البته در موضوع انتقال سلطنت به رضاخان، تقی‌زاده مخالفت می‌کند چرا که اعتقاد دارد که رضاخان نباید پادشاهی کند و باید در مقام اجرایی کشور حرکت کند. در حقیقت، آنان به دنبال یک آدم اجرایی می‌گشتند که بتواند اهداف آنان را اجرا نماید. رضاخان بعد از مخالفت‌های او دیگر تمایلی به تقی‌زاده ندارد. سخت‌گیری‌های رضاخان نسبت به او باعث می‌شود که او مجدداً حمایتی جدی از او نداشته باشد، اگر چه رضاخان هیچ وقت، مسئولیت مهمی را به او نمی‌دهد. باید اشاره کرد که تا زمان تمدید قرارداد داری، تقی‌زاده خیلی مهم نیست و کاری انجام نمی‌دهد. او در این زمان وزیر مالیه است و با امضا پای قرارداد داری، به عنوان یک خائن شناخته شده و تمام جایگاه خود را از دست می‌دهد. جالب است که تقی‌زاده در دفاع از خود در ماجرای امضای پای قرارداد می‌گوید که اگر من امضا نمی‌کردم، کس دیگری آن را امضا نمی‌نمود.



موسی حقانی:

ریشه خاندان محمدحسین فروغی به یهودیان بغدادی می‌رسد

دهمین جلسه از نشست سوژه‌یابی «نقش روشنفکران در مشروطه و پس از مشروطه» با حضور علاقه‌مندان زیر نظر استاد موسی فقیه حقانی در حوزه هنری برگزار شد. در این جلسه، عقاید و آرای سید حسن تقی‌زاده، از روشنفکران عصر مشروطه مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

موسی حقانی در ابتدای صحبت‌های خود، ضمن اشاره به خاندان فروغی و نقش آنان در زمان مشروطه گفت: در جلسه امروز راجع به محمدعلی فروغی، صحبت خواهیم کرد. محمدعلی فروغی معروف به ذکاالملک، در سال ۱۲۵۴ شمسی متولد می‌شود، پدر او محمدحسین فروغی است که او هم لقب ذکاالملک را داشته است. هم‌چنین پدر بزرگ او، حاج محمد اصفهانی معروف به ارباب است که کار او در زمان قاجار، تجارت تریاک بوده است. به همین جهت، او با بعضی از کانون‌ها ارتباط برقرار می‌کرده است. می‌دانید که اولین تکاپوهای آمریکا در ایران، تجارت تریاک است و خاندان بوش، از آن زمان کار تجارت تریاک را در ایران داشتند و به این واسطه وارد کشور شدند. در مورد فروغی باید بگویم که آنان در اصل، از ریشه یهودیان بغدادی هستند و در تاریخ ایران نیز به این موضوع شهرت دارند. محمدحسین فروغی، شاعر، ادیب، منجم و روزنامه‌نگار بود و روزنامه تربیت را به چاپ می‌رساند. این خانواده در نشر مدرنیته در ایران، نقش بسیار موثری دارند و اسناد تاریخی گواه این موضوع است. در حقیقت، باید بگویم که این خاندان، جز روشنفکران دوز بیست بودند؛ بدین معنی که در حاکمیت هستند و از ظرفیت‌های آن استفاده می‌کنند.

در مقابل دگراندیش نیز هستند و این تفکر خود را با توجه به فرصت‌هایی که حاکمیت برایشان فراهم کرده است، در جامعه نشر می‌دهند.

وی ادامه داد: در جلسات گذشته، راجع به یهودی‌های بغدادی صحبت کردم و گفتم که سال‌ها بعد، آنان منشا تحریک باب می‌شوند تا آن ادعای جنجالی را مطرح کنند. علاوه بر این، این افراد، در اقتصاد ایران نیز بسیار مخرب هستند و در دوران قاجار و پهلوی، ضربات سنگینی را به کشور زدند. خاندان فروغی، از جمله کسانی هستند که به یهودی‌های بغدادی تعلق دارند و کسی در این زمینه تردید ندارد. جد آنان، از بغداد به ایران می‌آید و در محله درشت ساکن می‌شود و هم‌اکنون نیز پسوند فامیلی آنان، فروغی درشت است. ظاهر مسلمان می‌شوند. بسیاری از شاعران آن عصر، واکنش‌های جالبی به یهودی بودن آن دارند. ادیب الممالک، ملک الشعراء بهار و... از جمله کسانی هستند که به این موضوع اشاره می‌کنند. در مورد یهودیان بغدادی و ماجرای مسلمان شدن آنان، یک مساله مهم وجود دارد و آن هم این است که وقتی ماجرای باب و بهار راه می‌افتد و در کشور مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، تعدادی از یهودیان بغدادی که به ظاهر اسلام آورده بودند و یا اصلاً اسلام نیاورده بودند، به جریان بابیه تزیق می‌شوند و به آن کمک می‌کنند. در حقیقت، پیوستن آنان به این جریان باعث می‌شود که این جریان جان گرفته و حیات پیدا کند.

حقانی به معرفی محمدحسین فروغی پرداخت و گفت: محمدحسین فروغی، یک شخصیت فرهنگی

است و منزل او نیز محل برگزاری جلسات این چنینی است. گفته می‌شود که بسیاری از شخصیت‌های مهم جریان روشنفکری در منزل او حضور پیدا کرده و گرده بر گزار می‌کردند. حتی معروف است که نهضت ترجمه که قبل از مشروطه رخ داد، به واسطه همین گعده بود و بسیاری از آثاری که ترجمه شد از دل این جلسات بیرون آمد. نفوذ فرهنگی آنان در بین دگراندیشان، آن قدر زیاد است که آقای سعید نفیسی می‌گوید که تمام دوران درس خواندن ما با تالیفات فروغی‌ها و اسم آنان در هم تنیده بود. بخشی از تحصیلات محمدعلی فروغی در نزد پدرش است و مقدمات را از او یاد می‌گیرد. بعد از این اتفاق به دارالفنون می‌رود و در آن جا با بسیاری از معلمان جدیدی آشنا می‌شود و بعداً نیز خودش به عنوان یکی از معلمان دارالفنون مشغول به کار می‌شود. جالب است بدانید که در این دوران، دارالفنون از تفکرات ملکم‌خان پر می‌شود و بسیاری از مروجین او در این مدرسه حضور دارند. عدم اقبال ناصرالدین شاه و شاهان قاجار به این مدرسه نیز به همین دلیل است چرا که آن‌جا تبدیل به لانه زنبور شده بود و روح حاکم بر آن، روح غرب‌گرایی و تجدد است و دانش‌آموختگان آن نیز چنین می‌شوند.

این کارشناس تاریخ معاصر ضمن اشاره به فعالیت‌های خاندان فروغی گفت: روزنامه تربیت از جمله اقداماتی است که آقای فروغی پدر و پسر انجام می‌دادند. این روزنامه بیش تر در زمینه ترویج قانون‌طلبی و تجددطلبی چه در زمان ناصری و چه در مظفری است

مؤسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم می کند.

گروه منزویا

کارگردان هادی محمدیان

تهیه کننده حامد جعفری

مؤسسه
هنرهای
تصویری
سوره

فنی شاه

THE ELEPHANT KING

منیر فولاد مهدی پاکدل، سرپرست گروه منیر شایخ زاده آهنگساز ستار اورکی تدوین حسن ایوبی
مدیرکلتر جمشید مهدوی، سرپرست گروه محمدباقر مفیدی کیا، علی رمضان هادی محمدیان



منظوم
Manzomir

فرزندانتان را آسوده خاطر به سینما بیاورید



A Film by
Mohammad Ali
Basheh Ahangar

سایه دریا Cypress Underwater

Produced by Hamed Hosseini

بابک حمیدیان | مینا ساداتی | شهرام حقیقت دوست | رضا بهبودی

همایون ارشادی | مهتاب نصیرپور | هومن برق نورد | ستاره اسکندری | فرخ نعمتی | حسین باشه آهنگر
هادی قمیشی | سیاوش چراغی پور | حسن نجاریان | حسین فلاح | امیر دلفانی | دنیا مدنی

با هنرمندی مسعود رایگان



نویسندگان: محمد علی باشه آهنگر، حامد باشه آهنگر | مدیر فیلم برداری: علیرضا زرین دست | طراح صحنه و لباس: عباس بلولدی | تدوین: حمید باشه آهنگر | مجری طرح: حسن نجاریان دریانی
بخش: موسسه بهمن سبز | تبلیغات: دیالوگ

